

دوفصلنامه آیین نوروز

پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری  
سال نخست، شماره ۱، نوروز ۱۳۹۵، قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان



نوروز، شناسنامه ایرانی  
یادداشت سردبیر

نوروز، در گفتگو با  
مهندس سید محمد بهشتی

برگزاری جشن نوروز در  
گفتگو با سمیع اله حسینی مکارم

نوروز در متون فارسی  
دکتر کیانوش کیانی هفتلنگ

درآمدی دیگرسان به بزمگاه  
نوروز  
دکتر عبدالمهدی مستکین

روایت‌های اسلامی و  
آداب و رسم‌های نوروز  
فخرالدین صابری

جشن بزرگداشت انسان  
(جستاری در خاستگاه نوروز)  
حمیدرضا دالوند

آیین‌ها در گستره  
فرهنگ نوروز  
دکتر بهرام امیراحمدیان

از نوروز در تهران قدیم چه  
می‌دانید؟  
پیرایه یغمایی

آیین نوروز در ایبانه  
عظیمه ریاحی دهکردی

تأملی بر چند رسم  
نوروزی در چند نقطه از ایران  
بهمن رحیمی



دوفصلنامه آیین نوروز  
پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و  
گردشگری  
سال نخست، شماره ۱، نوروز ۱۳۹۵



صاحب امتیاز: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی،  
صنایع دستی و گردشگری  
مدیر مسئول: سید محمد بهشتی  
سر دبیر: محمد میرشکری  
معاون سر دبیر: شبان میرشکری

شورای علمی و تحریریه:

|                                |                            |
|--------------------------------|----------------------------|
| خانم دکتر بدرالزمان قریب       | آقای دکتر محمدرضا کارگر    |
| خانم دکتر ژاله آموزگار         | آقای دکتر جبرئیل نوکنده    |
| خانم دکتر کنایون مزداپور       | آقای دکتر یداله پرمون      |
| آقای سید احمد محیط طباطبایی    | آقای دکتر فرهاد نظری       |
| آقای دکتر سمیع اله حسینی مکارم | آقای دکتر عبدالمهدی مستکین |
| آقای دکتر بهمن نامور مطلق      | آقای دکتر علیرضا حسن زاده  |
| آقای جلیل گلشن                 | آقای جمشید گیانفر          |
| آقای دکتر محمدحسن طالبیان      | آقای فرامرز طالی           |

مشاوره هنری - فنی و کتاب آرایی: انتشارات ایران نگار

پردازش تصویرها و طرح جلد: وحید روزبهانی

طرح و گرافیک: نگار خراسانی ینگجه (ایران نگار)

طرح نشان واره عنوان مجله: اعظم امینی سردشت، بازاچراغ ن. خراسانی ینگجه

خوشنویسی «به نام خداوند جان آفرین...»: استاد رسول مرادی

عکس: سعید محمودی ازناوه، عباس شاکری، بهمن رحیمی، رها روزبهان، شبان  
میرشکری.

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: هور رنگ

نظارت بر چاپ: عباس محبی مزلقانی و حجت خلعتی

چاپ و صحافی: دفتر فنی نقش جهان، چاوش، تصویر گیلان

- نشریه آیین نوروز مقالات رسیده را در صورت ضرورت ویرایش و اصلاح  
خواهد کرد.

- نظرات نویسندگان لزوماً نظر دوفصلنامه/ آیین نوروز نیست.

- مقالات رسیده بازپس فرستاده نمی شود.

- نقل مطالب درج شده در دوفصلنامه/ آیین نوروز تنها با ذکر مأخذ و نام  
نویسنده و پدیدآورنده اثر مجاز است.

نشانی: تهران، خیابان امام خمینی، ابتدای خیابان سی تیر، روبه روی موزه ملی  
ایران (بخش اسلامی)، کد پستی: ۱۱۳۶۹۱۷۱۱۱

Nowrouz.journal@gmail.com

عکس روی جلد: کاشی کاری ورودی مسجد آقا احمد (شیراز)، اعظم امینی  
سردشت

عکس پشت جلد: ماسوله، سعید محمودی ازناوه

## نوروز، شناسنامه ایرانی

یادداشت سردبیر

۳

## نوروز، در گفتگو با مهندس سید محمد بهشتی

رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی

۵

## برگزاری جشن نوروز در گفتگو با سمیع اله حسینی مکارم

۹

## نوروز در متون کهن فارسی

دکتر کیانوش کیانی هفتلنگ

۱۳

## درآمدی دیگرسان به بزمگاه نوروز

دکتر عبدالمهدی مستکین

۱۹

## روایت های اسلامی و

## آداب و رسم های نوروز

فخرالدین صابری

۲۷

## جشن بزرگداشت انسان

(جستاری در خاستگاه نوروز)

حمیدرضا دالوند

۳۳

## آیین ها در گستره فرهنگ نوروز

دکتر بهرام امیراحمدیان

۳۹

## از نوروز در تهران قدیم چه می دانید؟

پیرایه یغمایی

۵۱

## آیین نوروز در ایبانه

عظیمه ریاحی دهکردی

۶۱

## تأملی بر چند رسم نوروزی در چند نقطه از ایران

بهمن رحیمی

۶۷



کشته از عافیت، بوسه بر سر که  
از قیام نفست، به خوش بصری



از نیم، دلدرد و حلقه چرخ ل را دردی  
در قافیه غنچه کرد و دوزخ زرد و دی  
کجا به سر در است که نیم ترک بر روی  
خدا یسج و قدر لب و دیکه شادی  
کرا و نیم سپهر غم و دل و شادی  
در حکم کسان نیست اگر سار اگر روی  
در پسر از غم و نیست حکم، دوزخ  
پاست و در جبهه به سر سیر روی  
از نیم به سر هر و دیکه لب و دوزخ

از کور، رمی که نیم، دوزخ  
چو کمر که خورده، دوزخ و سر  
طریق که نیم، دست ترک که نیم  
سیر در رم چو جان، دوزخ و سر  
نم از نیم لب و طرف چو سار  
جدا به، دوزخ و سر نیم، دوزخ  
نسخ در و دوزخ، دوزخ و سر  
علم و دوزخ، دوزخ و سر  
دوزخ و سر، دوزخ و سر



به تبس آن که نیم، دوزخ  
محبس آن که نیم، دوزخ



خط بر صفحه کم و دوزخ

نیم شرم در دوزخ

## یادداشت سردبیر نوروز، شناسنامه ایرانی

هر جا نوروز هست، آنجا ایران است. این کلام را از هم‌میهن کردی در خاطر دارم و الهام گرفته‌ام که می‌گفت هر جا کرد هست، آنجا ایران است. او این سخن را نه از زبان خود، که بیان باوری بنیادین می‌دانست. کلامش که مرا به نوروز راهبر شد، سخنی به گزاف نبود و از دل و از اعتقادی مایه می‌گرفت که حسب حال همه اقوام ایرانی سرزمین اهورایی و خدایی ایران است. اگر نه این بود، چگونه نوروز در گذر هزاران ساله تاریخ سرزمینی پرنشیب و فراز در پهنه پهناورش زنده و پایدار می‌ماند. تجربه‌ها و گفته‌های مردمان رهیده از سلطه فرهنگی در سرزمین‌های قفقاز و آسیای مرکزی شاهی بر این مدعا و حکایتی راستین از روزگاری است که چندان دور از زمانه ما نیست. حکایت ملموس و آزموده‌ای است از زمانی که مردم آیین‌ها و باورهای خود را پنهان از حاکمان روز در نهان‌گاه خانه‌ها پاس می‌داشتند و نوروز را که همه طبیعت آن را آواز برمی‌داشت بی‌صدا از سر می‌گذراندند و دستر خوان (سفره) نوروزی‌شان را باورمندانه همراه کودکان‌شان می‌گستردند و می‌آراستند، تا میراث فرهنگ نیاکان‌شان را با شادی امید، به آیندگان بپارند.

چه خوش است بر ما که امروز با حفظ این میراث کهن در پهنه گسترده جهان نوروز هم‌دل و هم‌آواز، دل به عشق آن داده‌ایم که به گفته حافظ، «هر گه که دل به عشق دهی، خوش دمی بود» و خوش‌تر آن که با این عشق و در این عرصه دست در دست و بازو در بازوی یکدیگر داریم و یک‌دل و یک‌زبان در همه سرزمین‌های حوزه نوروز در کنار سفره‌های نوروزی‌مان می‌نشینیم.

نوروز آیینی هویت‌ساز، شادی‌آفرین و وحدت‌بخش است و در پهنه سرزمین ایران از ارکان هویت ایرانی است شادی‌ای را که در کتیبه‌های کهن شهر پارسه هدیه آفریدگار خوانده می‌شود و برای مردمان به ارمغان می‌آورد و در گردهم‌آیی‌های آیینی و هم‌نشینی‌های جشن، پیوند و یگانگی را استحکام می‌بخشد. این سه عنصر اهورایی بی‌تردید جان‌مایه تمامیت فرهنگی مردمان سرزمین‌هایی است که از دیرباز سال‌های‌شان را با نوروز آغاز می‌کنند.

محمد میرشکرایبی

نوروز ۱۳۹۵



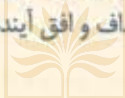
سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران



## نوروز

در گفتگو با مهندس سید محمد بهشتی  
رییس پژوهشگاه میراث فرهنگی

از نخستین سال‌های دهه هفتاد که ما در پژوهشکده مردم‌شناسی به موضوع میراث معنوی و نوروز و سپس به ثبت جهانی آن پرداختیم، همیشه از پشتوانه حمایت جنابعالی برخوردار بوده‌ایم و چشم‌اندازهای روشنی را پیش چشم ما گشوده‌اید. و به اصطلاح خودتان «از زمین تا آسمان» این موضوع و موضوع‌های دیگر مورد پژوهش جمع ما را هدایت فرموده‌اید. حال با سپاس از این رهنمودهای روشنگرانه، می‌خواهیم در نخستین شماره مجله نوروز هم‌پای صحبت شما بنشینیم و درباره اهمیت انتشار، اهداف و افق آینده آن از زبان شما بشنویم.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی

■ ما در جریان ثبت پرونده نوروز شاهد این بودیم که کشورهای دیگری هم که جشن نوروز در آنجا بر پا می‌شود، عضو این پرونده شدند. این اتفاق از چه بابت بود؟ از این بابت که نوروز از نشانه‌هایی است که شاخص هویت و مرزهای فرهنگی است. به عنوان مثال بنا به آن شاخص و بنا به آن معیار می‌شود تشخیص داد که قلمرو فرهنگی ما تا کجا است؟ همچنین این شاخص‌ها نشان می‌دهد که ایران یا هر یک از این کشورها یک قلمرو صرفاً سیاسی نیست، که تنها با مرزهای سیاسی‌اش بتوان آن را معرفی کرد. از روی این نشانه‌ها که نشانه‌های روشنی هم هست، می‌توان مرزهای این قلمرو فرهنگی را معین کرد که تا کجا است؟ تا خراسان بزرگ، تا ماورالنهر، تا قفقاز، تا شبه‌قاره هند، تا مرزهای چین و تا هر جا که نوروز جشن گرفته می‌شود. همین‌طور است در مورد عناصر دیگر میراث فرهنگ معنوی یا ناملموس که مثل علامت‌های مادی علی‌رغم خطوط مرزهای سیاسی، حد و مرز فرهنگی کشورها را معلوم می‌کند. از طرفی باتوجه به اتفاق‌هایی که در حدود یک قرن اخیر افتاده است، ما شاهد تقسیمات سیاسی جدیدی در منطقه بوده‌ایم که سرزمین‌ها و اقوام را تکه پاره کرده است و به طوری ارتباط‌های میان آنها ضعیف شده که یکدیگر را به جا نمی‌آورند؛ در نتیجه سوء تفاهم‌هایی بین‌شان ایجاد شده که آنها را از هم دور کرده است. بنا بر این خیلی خوب است که ما از پنجره نوروز آنها را به هم معرفی کنیم و به یادشان بیاوریم که شما با هم یکی هستید، یک خانواده و یک خاندان هستید و به یک قلمرو فرهنگی تعلق دارید. من فکر می‌کنم که خیلی وقت‌ها برای‌شان جای تعجب خواهد بود که مثلاً بشنوند این جشنی که به نام نوروز دارند در خیلی جاهای بسیار دورتر از محل زندگی آنها هم، بردمانی هستند که همین را با همین نام و همین آداب و رسم‌ها جشن می‌گیرند. البته نخبگان و صاحب نظران ممکن است به درجه‌ای نسبت به این موضوع آگاهی داشته



نوروز مثل یک اقیانوسی است  
 که هم عمق و هم وسعت  
 زیاد دارد. می شود در آن هم  
 غواصی کرد و هم دریا نوردی.  
 این اقیانوس تمامی ندارد. به  
 نظرم مأموریت این نشریه  
 خیلی سنگین است و خیلی  
 مهم.

باشند اما برای عامه مردمشان این حرف تازه حتماً شنیدنی خواهد بود و جذابیت خواهد داشت. این فصلنامه یکی از وظایف و مأموریت‌هایش باید این باشد. این که در مورد نوروز به آن چیزهایی روشنی بتاباند که مورد غفلت قرار گرفته است و شاید همه به چگونگی آنها پی نبرده باشند. این گونه نگاه به نوروز بی‌تردید کمک می‌کند به این که یک جور وفاق فرهنگی و اجتماعی به وجود بیاید و همین وفاق زمینه‌ساز الفت و یگانگی بین اعضای این قلمرو فرهنگی بشود. در واقع اینها باطل السحری خواهد بود بر کدورت‌های احتمالی و سوءتفاهم‌هایی که ممکن است به وجود آمده باشد. اینها بهره‌هایی است که می‌توانیم از نوروز بگیریم، از این درخت کهنی که هزاران سال است در این سرزمین سر بر آسمان دارد و ریشه در خاک، در سایه این درخت می‌شود نشست و همیشه فراغت داشت و آسوده خاطر بود. در منطقه ما که یکی از متشنج‌ترین مناطق جهان است، شاید بشود با مرهم نوروز این زخم‌ها و دردها را التیام بخشید و اندکی آرام کرد.

اما برای این بهره‌هایی که می‌توانیم از نوروز ببریم باید از آن شناخت هر چه بیشتر داشته باشیم. غیر از کارهایی که در سال‌های گذشته شما و همکاران‌تان از نظر علمی، تاریخی و فرهنگی انجام دادید به نظر من هنوز هم خیلی جای کار دارد، باید در باره آن باز هم مستندسازی کنیم و کار پژوهشی کنیم؛ این یک چیزی نیست که تمام شده باشد و ما فقط تکرار کنیم. نوروز یک موجود زنده است.



و امید که همیشه زنده بماند.



■ بله و این موجود به یاری خدا همیشه زنده، مثل یک اقیانوسی است که هم عمق و هم وسعت زیاد دارد. می‌شود در آن هم غواصی کرد و هم دریا نوردی. این اقیانوس تمامی ندارد. به نظرم مأموریت این نشریه خیلی سنگین است و خیلی مهم.

ظرفیت نوروز را برای تقویت هویت‌های ملی و هویت فرهنگی منطقه با توجه به تنوع چشم‌گیر فرهنگی و البته نه تکرار، چگونه می‌بینید؟

■ نوروز خصوصیتی دارد و از جایگاهی در میان مردم برخوردار است که نمی‌شود خیلی در برابرش موضع گرفت. یعنی اگر شما فقط به یک حوزه مشخص قومی تکیه کنید، شاید برای دیگران خیلی دلپسند نباشد اما اگر بگویید حوزه نوروز یا جهان نوروز، هیچ کس اوقاتش تلخ نمی‌شود. منظورم این است که نوروز در ذات خودش یک شیرینی و لطافت و عطری دارد که مانع از این می‌شود که اصلاً کدورت و ناخوشایندی پدید بیاید. خودش آشتی ساز است و این از سنت‌های عام نوروزی است. علاوه بر این همین که در سراسر گستره رواج نوروز این جشن را به همین نام به معنی روز نو می‌نامند حکایت از وحدت و یگانگی دارد. یادکردنی است سخن سفیر آذربایجان در دومین کنگره منطقه‌ای نوروز در ارگ بم که در سخنرانی خود گفت، من هرگز از کلمه مشترکات در مورد نوروز استفاده نمی‌کنم چون ما مشترک نیستیم؛ ما یکی هستیم.



کار تحقیق درباره نوروز، چنان که اشاره داشتید تمامی ندارد و باید یک فعالیت پی‌گیر باشد. درباره چگونگی تداوم این فعالیت که ابعادی مثل پژوهش‌های مردم‌نگارانه و بررسی‌های مردم‌شناختی و فلسفی و حوزه تهیه اسناد تصویری و موارد متعدد دیگر را شامل خواهد شد چه رهنمودهایی برای محققان و خوانندگان مجله نوروز دارید؟

■ ما پیش از دوره جدید، شیوه‌ای در نگاه کردن به موضوعات داشتیم که به شیوه «حکمی» شناخته می‌شود و به نظرم خوب است در اینجا هم این روش را به کار بگیریم. نگاه حکمی این است که مطلب مورد مطالعه را در عین حال ذووجه، ذومقیاس و ذومراتب ببینیم، یعنی در آن واحد همه گستره موضوع را در نظر قرار بدهیم. در این صورت، نوروز که مورد تحقیق ما است به همان اندازه از نظر جنبه‌های مادی و عینی زیر ذره‌بین پژوهش قرار می‌گیرد، که از جنبه‌های غیر مادی و معنوی. به بیان دیگر، به عنوان یک کل مورد توجه همه جاذبه قرار می‌گیرد و در نتیجه چیزی از آن جا نمی‌ماند.

موضوع دیگری که خوب است در اینجا و در این فرصت به آن بپردازیم، موضوع سنت و سنتی است. به نظرم در دوره معاصر ما در این مورد دچار کج‌فهمی شده‌ایم. سنت را به مفهوم یک چیز عتیقه گرفته‌ایم و برای آن واژه «کهنه» را به کار می‌بریم، به معنای چیزی که متوقف و منجمد در زمان گذشته است و تغییر نمی‌کند و در مقابل واژه «کهن» را که دارای بار ارزشی است برای آن به کار نمی‌بریم. اما شایان توجه است جشن نوروز که هم سنتی است و هم کهن است، دلالت می‌کند بر این که سنت یکی از ارکانش نو به نو شدن است و می‌شود با نوروز از سنت رفع اتهام کرد. چون نوروز شامل رسم‌ها و رفتارهایی است مثل کوزه کهنه را شکستن، خانه‌تکانی، تغییر و تعمیر وسایل و اجزای خانه و مانند اینها.

نوروز در ذات خودش  
یک شیرینی و لطافت و  
عطری دارد که مانع از این  
می‌شود که اصلاً کدورت  
و ناخوشایندی پدید بیاید.  
خودش آشتی‌ساز است و  
این از سنت‌های عام نوروزی  
است.

در دوره معاصر ما در این مورد  
دچار کج‌فهمی شده‌ایم.  
سنت را به مفهوم یک چیز  
عتیقه گرفته‌ایم و برای آن  
واژه «کهنه» را به کار می‌بریم،  
به معنای چیزی که متوقف و  
منجمد در زمان گذشته است  
و تغییر نمی‌کند.

اما شایان توجه است جشن  
نوروز که هم سنتی است و  
هم کهن است، دلالت می کند  
بر این که سنت یکی از  
ارکانش نو به نو شدن است و  
می شود با نوروز از سنت رفع  
اتهام کرد.

همه اینها هر کدام به زبانی می گویند که سنت نباید که متوقف بشود؛ نباید که نو نشود؛ اگر نو نشود دیگر سنت نیست. این نو به نو شدن از جمله ارکان سنت است و همین خصلت است که موجب تداوم سنت می شود. سنت مثل درختی است که در بهار جوانه می زند و شکوفه می کند در تابستان میوه می دهد در پاییز برگهایش زرد می شود و در زمستان می ریزد و باز دوباره سبز می شود تغییر می کند، رشد می کند و تداوم می یابد. اگر این اتفاق ها نیفتد این رشد و این تداوم حاصل نمی شود و هیچ آیینی با اندازه نوروز این را دلالت نمی کند و بر این شهادت نمی دهد.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران



## برگزاری جشن نوروز در گفتگو با دکتر سمیع اله حسینی مکارم

رئیس شورای سیاستگذاری آیین ملی نوروز



نخستین شماره دوفصلنامه «آیین نوروز» در اسفندماه ۱۳۹۴ و در آستانه «نوروز ۱۳۹۵» منتشر می‌شود؛ نوروزی که امسال در سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری رنگ و بوی دیگری داشته است؛ در جریان تنظیم مطالب، مناسب دیدیم تا پای گفتگو با جناب آقای دکتر سمیع اله حسینی مکارم (معاونت توسعه و مدیریت سازمان و همچنین رئیس شورای سیاستگذاری «آیین ملی نوروز») بنشینیم و روند اجرایی شدن برنامه‌های «جشن نوروز» امسال را از ایشان جویا شویم.

ضمن سپاس از وقتی که در اختیار ما قرار دادید ابتدا اهداف تشکیل «شورای سیاستگذاری آیین ملی نوروز» را توضیح بفرمایید؟

■ پرداختن به «جشن نوروز» به عنوان یکی از کهن‌ترین جشن‌های ملی و مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آنها در حوزه اشتراکات اقوام ایرانی در صدر تعهدات و وظایف ذاتی سازمان در موضوع میراث ناملموس قرار دارد. از سوی دیگر با توجه ثبت این اثر در فهرست جهانی یونسکو و تعهداتی که این پرونده ثبتی برای کشور جمهوری اسلامی ایران ایجاد نموده است بر آن شدیم تا برنامه صحیح و ماندگاری را برای برگزاری آیین‌ها و مراسم سنتی این جشن ملی و کهن، پایه‌گذاری کنیم.

به این علت عرض می‌کنم «پایه‌گذاری» چون امروزه با توجه به تحولات اجتماعی، در بسیاری از موارد مردم کشورمان از داشته‌های فرهنگی خود دور شده‌اند و سازمان میراث فرهنگی به عنوان بانی فرهنگ و نگهبان آثار فرهنگی موظف است در خصوص ثبت، حفظ و احیاء آنها اقدام نماید و به ویژه در مورد آثار و میراث فرهنگی ناملموس این وظیفه خطیر، بیشتر نمود پیدا می‌کند.

«نوروز» جشنی است که در میان هزاره‌ها و علی‌رغم تحولات بسیار سیاسی و اجتماعی تا به امروز به حیات خود ادامه داده ولی با توجه به تأثیرات منفی رسانه‌ای و دنیای مجازی و در برخی از ابعاد آن، آیین‌ها و مراسم سنتی این جشن در خطر آسیب قرار گرفته است و سازمان موظف است برای جلوگیری از این امر یک روند و ساختار حفاظتی «پایه‌گذاری» کند.

البته برای اولین بار است که چنین شورایی با چنین ساختاری برای سیاست‌گذاری در حوزه میراث ناملموس و به ویژه «نوروز» تشکیل شده و پرداختن به این موارد نقطه عطفی در رویکردهای سازمان محسوب می‌شود، سوابق این تغییر رویکردها و در نهایت تشکیل این شورا به چه صورت بوده است؟

■ پرداختن به ابعاد مختلف جشن نوروز چه از لحاظ علمی و سازمانی و چه از منظر اجتماعی موضوعی بوده که بخش‌های پژوهشی سازمان از ابتدای شکل‌گیری به آن می‌پرداخته‌اند اما از سال ۱۳۹۳ بحث تشکیل یک دبیرخانه دائمی برای سازماندهی و هدفمندسازی فعالیت‌های سازمان در شورای مدیران مطرح گردید ولی تا اواخر سال ۱۳۹۳ هم به دلایل مختلف این امر محقق نشد.

در جلسات پایانی سال ۱۳۹۳ و با توجه به اهمیت ویژه‌ی جشن نوروز مجدداً این پیشنهاد مطرح شد و مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت و در نهایت متولی این امر بنده شدم به این علت که ما اینجا یک شورایی داریم با عنوان «شورای برنامه‌ریزی فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی سازمان» و در آن شورا تصمیم گرفتیم که «شورای سیاست‌گذاری آیین ملی نوروز» را تشکیل بدهیم. این شورا متشکل از اعضای مختلفی در دستگاه‌های مختلف سازمان است و همچنین دعوت شد از پیشکسوتان و صاحب نظران حوزه نوروز که با تعیین راهبردها، همراه ما باشند.

«شورای سیاست‌گذاری آیین ملی نوروز» از اوایل سال ۱۳۹۴ تشکیل شد، ابتدا در جلسات متعددی مبنای نظری کار و فعالیت‌های علمی که باید صورت می‌پذیرفت و همچنین پیشنهادهایی که در ارتباط با برنامه‌های «نوروز» از طرف دوستان مطرح شده بود مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در نهایت با توجه به محدودیت زمان و وضعیت بودجه سازمان سه طرح در دستور کار اجرایی شورا قرار گرفت.

از آن پس تا کنون ۲۲ جلسه اجرایی این شورا تشکیل شده است و آنچه امروز در مجموعه برنامه‌های جشن نوروز شاهدش هستیم مرهون زحمات بی‌دریغ دست‌اندرکاران و اعضای محترم شورا هست که جا دارد در اینجا از تلاش و همکاری همه این عزیزان تشکر و قدردانی کنم.

به نظر اینجانب هدایت صحیح چنین حرکتی حاصل نگاه مثبت جنابعالی به جنبه‌های مختلف میراث فرهنگی است که البته جای تقدیر و تشکر دارد؛ ضمن اینکه که برنامه و حرکتی می‌تواند مؤثر و کارآمد باشد که دوام داشته باشد و به امسال و سال آینده و حضور یا عدم حضور افراد متکی نباشد؛ با توجه توضیحاتی که ارائه فرمودید چه برنامه‌هایی برای «جشن نوروز» امسال در نظر گرفته شده است؟

■ این برنامه‌ها برای امسال شامل پنج بخش اصلی است و این بخش‌ها هر یک به گونه‌ای برنامه‌ریزی و بسترسازی شده که قابلیت اجرای آن برای سال‌های آینده هم فراهم باشد. این بخش‌ها عبارتند از:

۱. رویداد فرهنگی «نوروزگاه»: این طرح که برای اولین بار در ایران در حال انجام است تنها بخش برنامه‌های امسال است که به صورت سراسری و در استان‌ها برگزار می‌شود. البته از آنجایی که خود شما پیشنهاد دهنده و دبیر این کمیته هستید



شاید توضیحات مفصلی در این مورد بتوانید بیان کنید ولی به طور خلاصه و از منظر هدایت‌کننده‌ی شورا باید عرض کنم طرح ملی نوروز گاه به آگاهی‌افزایی در موضوع آداب و رسوم و میراث‌های ناملموس مرتبط با «نوروز» در هر استان می‌پردازد. به این مفهوم که مردم هر منطقه با داشته‌های فرهنگی خود در مورد «نوروز» آشناتر خواهند شد. از این‌رو امسال به دلیل برخی محدودیت‌ها و همچنین نو بودن طرح، مقرر شد به صورت پایلوت در ۱۲ استان و ۲۰ شهر کشور این رویداد فرهنگی برگزار شود و سال‌های آینده در تمام استان‌ها برگزار خواهد شد. جامعه هدف در این رویداد مردم کوچه و بازار هستند و سازمان در این بخش صرفاً بستر ساز رویداد «نوروز گاه» خواهد بود.

۲. پتل تخصصی «عروسک‌های نوروزی»: این بخش به پیشنهاد و همت مرکز میراث ناملموس کشورهای غرب آسیا که در تهران قرار دارد برگزار می‌شود و به موضوع نمایش‌های عروسکی و بررسی کارکردهای اجتماعی آنها در نوروز می‌پردازد. این برنامه از تاریخ ۱۳ اسفندماه و به مدت ۳ روز در محل موزه ملی به اجرا درمی‌آید و هموطنان عزیز می‌توانند از بخش‌های مختلف آن شامل کارگاه‌های علمی، نمایشگاه عکس، نمایش‌های عروسکی، موسیقی و نمایشگاه عروسک‌های نوروزی ملل بهره‌مند بشوند. در پتل تخصصی «عروسک‌های نوروزی» نمایندگان کشورهای حوزه نوروز و همچنین نمایندگانی از کشور اندونزی نیز حضور خواهند داشت که این امر می‌تواند موجب برقراری روابط فرهنگی بیشتر بشود.

۳. یکی از بخش‌های جذاب «جشن نوروز» امسال بخش نمایشگاهی است. از جمله مهم‌ترین این موارد نمایشگاه عکس بسیار نفیسی با عنوان «سلام‌های نوروزی» است از آلبوم خانه کاخ گلستان، که برای اولین بار به نمایش عموم گذاشته شده و همچنین یک نمایشگاه عکس از مجموعه میراث ناملموس ملل نوروز است که در آن ۱۲ کشور عضو پرونده نوروز حضور دارند. از دیگر نمایشگاه‌هایی که در این مجموعه برپا خواهد شد نمایشگاه عکس از ۱۰ اثر ثبت شده کشور ایران در فهرست آثار ناملموس جهانی یونسکو است.

۴. همایش «نوروز»: این بخش در واقع در ادامه همایش‌هایی است که در سال‌های گذشته به همت پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان برگزار شده است. همایش اول در سال ۱۳۷۷ در تخت جمشید و همایش دوم در سال ۱۳۷۹ در ارگ بیه‌بوده که این دو همایش در مقیاس ملی و منطقه‌ای برگزار شده است. از آن پس دو همایش دیگر توسط این پژوهشکده در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ در محل کمیسیون ملی یونسکو با حضور اندیشمندان کشورهای حوزه نوروز برگزار شد و امروز ادامه این روند در دستور کار شورا قرار گرفته و برگزاری همایش «نوروز، میراث صلح» به پیشنهاد پژوهشکده مردم‌شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی برنامه‌ریزی و برای تاریخ ۱۷ اسفند ۱۳۹۴ اجرایی شده است. در این همایش نزدیک به ۵۰ مقاله ارزشمند با موضوع نوروز و به ویژه در مورد جنبه‌های مرتبط با ترویج فرهنگ صلح و دوستی در میان اقوام و کشورهای حوزه نوروز توسط صاحب‌نظران این حوزه ارائه خواهد شد.

۵. دوفصلنامه «آیین نوروز»: چهارمین بخش فعالیت‌های سازمان در جشن نوروز تولید ۴ عنوان کتاب و همچنین مجله تخصصی «آیین نوروز» است که جای آن تاکنون در انتشارات سازمان خالی بود. خوشبختانه با استقبالی که دوستان کردند قرار

شد که این مجله به صورت دائم و فعلاً به صورت دوفصلنامه متناسب با مقتضیات و توان سازمان منتشر بشود. اهمیت نوروز و ظرفیت‌های نوروز آن قدر بالا هست که ما بتوانیم یک مجله تخصصی منتشر کنیم و بنا بر این در کنار موضوعات مان این مجله پایه‌گذاری شد که امیدواریم با همکاری همه پژوهشگران و اهل فرهنگ بتواند نقش مؤثری در حفظ و اشاعه فرهنگ نوروز داشته باشد.

از آنجا که یکی از دستاوردهای تشکیل این شورا تأسیس «دبیرخانه دائمی آیین ملی نوروز» بوده و باتوجه به بحث‌هایی که در ارتباط با لزوم رسیدگی به سایر مصادیق میراث ناملموس از این دست مانند جشن‌های یلدا و مهرگان صورت پذیرفته، در این خصوص آیا برنامه‌ریزی‌های مشابه و مؤثری مانند تشکیل «شورای سیاست‌گذاری نوروز» انجام شده است؟

■ در حال حاضر به دلیل اهمیت و ویژگی‌های خاص نوروز به صورت اخص به آن پرداخته شده است ولی در اهداف بلند مدت، به سایر جشن‌ها و مراسم آیینی و ملی کشور خواهیم پرداخت. برنامه‌ای که در این مورد پیش بینی شده، تشکیل شورایی است با عنوان «شورای سیاست‌گذاری آیین‌های ملی» که زیرمجموعه‌های آن دبیرخانه‌های هریک از این آیین‌ها و جشن‌ها باشند و بتوانند ضمن انسجام ساختاری از یک استقلال عملکردی برخوردار بوده و برنامه‌های تأثیرگذاری را برای حفظ و احیای هریک از آیین‌ها و جشن‌های سنتی ما به مرحله اجرا در بیاورند. به طور مثال برای امسال پرداختن به یلدا و مهرگان را در دستور کار این شورا خواهیم داشت و امیدواریم که به همت و یاری همه‌جانبه همکاران و اهل فن، در رسیدن به این اهداف موفق باشیم.

موجب شادمانی و افتخار است که سازمان میراث فرهنگی با چنین برنامه‌هایی در راه حفاظت از آثار ناملموس و جشن‌های ایرانی گام برمی‌دارد، با سپاس از همراهی‌های همه‌جانبه جنابعالی.



## نوروز در متون کهن فارسی

دکتر کیانوش کیانی هفت‌لنگ\*

آمد نوروز هم از بامداد آمدنش فرخ و فرخنده باد  
باز جهان خرم و خوب ایستاد مرز زمستان و بهاران بزد  
«منوچهری»



نوروز باستانی، برخاسته از تفکر صلح‌طلبی و دوستی، معنویت و مهربانی، همدلی و کینه‌زدایی و همبستگی ملت ایران است و با طبیعت و جهان هستی به طرز اعجاب‌آور و ماهرانه‌ای ممزوج شده است.

به عبارت دیگر، نوروز، نماد همبستگی ملی، تاریخی، فرهنگی، دینی و آیینی ایرانیان است و سرشار از پیام‌های مادی و معنوی.

نوروز، یکی از جلوه‌های مسلم تبیین روش و منش نیاکان ماست، زیرا، از یک سو، مراسم یادآوری درگذشتگان است و از سوی دیگر بال‌گشودن به سوی جشن بهار، بهار زمین و آغاز زمان.<sup>۱</sup>

نوروز «رسیدن آفتاب به نقطه اول حمل و ابتدای بهار است»<sup>۲</sup>

نوروز واژه مرکبی است که از دو جزء «نو» و «روز» تشکیل شده است و همان‌گونه که در لغت فارسی افاده معنا می‌کند مفهوم «روز نو»، از آن برمی‌خیزد و بر نخستین روز از نخستین ماه سال خورشیدی تعلق می‌گیرد.

در این روز، آنگاه که آفتاب به برج حمل (بره) انتقال می‌یابد و فصل بهار آغاز می‌گردد، روز نویی از سال جدید نیز شروع می‌شود. اصل پهلوی این واژه «نوگ روز» یا «نوگ روز»<sup>۳</sup> بوده است، چنانچه در برخی از فارسیات ابونواس آمده است:

بحق المهر جان و نوگ روز و فر فیروز ايسال الکيس  
والنوگ روز الکبار و جشن گاهنبار

در اصطلاح بر جشن سرسال (پارسی - ایرانی) که در روز نخست فروردین‌ماه، برابر با ۲۱ مارس مسیحی - آغاز فصل بهار - گفته می‌شود به موجب روایت دینکرد، هر پادشاهی، در این روز فرخنده، رعیت ممالک خویش را قرین شادی و خرمی می‌کرد و در این عید کسانی که کار می‌کردند، دست از کار کشیده، به استراحت و شادمانی می‌پرداختند.

۱. دادخواه، سیدعلی، نوروز و فلسفه هفت‌سین، انتشارات حروفیه، تهران: ۱۳۸۲.  
۲. دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه، جلد ۱۴، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، پائیز ۱۳۷۳.

3. NokRoos.  
4. NogRoos.

\* مشاور ارشد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، و رئیس پژوهشکده ابوحنیفه بیرونی.

از رسمهای پارسیان، نوروز چیست؟ نخستین روز است از فروردین ماه، و زین جهت روز نو نام کردند، زیرا که پیشانی سال نو است و آنچه از پس اوست از این پنج روز همه جشنهاست و ششم فروردین ماه نوروز بزرگ دارند.

### ابوریحان بیرونی می نویسد:

«از رسمهای پارسیان نوروز چیست؟ نخستین روز است از فروردین ماه، و زین جهت روز نو نام کردند، زیرا که پیشانی سال نو است و آنچه از پس اوست از این پنج روز همه جشنهاست و ششم فروردین ماه نوروز بزرگ دارند. زیرا که خسروان بدان پنجروز حقههای حشم و گروهان [و بزرگان] بگزاردندی و حاجتها روا کردند، آنگاه بدین روز ششم خلوت کردندی خاصگان را و اعتقاد پارسیان اندر نوروز نخستین آنست که اول روزی است از زمانه، و بدو فلک آغازید گشتن»<sup>۵</sup>.

«نوروز» در زبان عربی، به صورت فارسی آن بکار رفته و هم معرب آن بگونه «تیروز» استفاده شده است چنانکه در بیتی از جریر خطفی آمده است:

عَجِبْتُ لِفَخْرِ التُّخَلْبِيِّ وَ تَغَلَّبَ تَوَدَّى جَزَ النِّيرُوزِ خَضْعاً رَقَابِهَا

### پیدایش نوروز:

بیشتر تاریخ نویسان «جمشید» پادشاه پیشدادی را پایه گذار نوروز دانسته اند. مسعودی می نویسد: «بیشتر مردمان بر این اعتقادند که نوروز در روزگار او (جمشید) پدید آمد و در پادشاهی اش آیینی شد، اگرچه در کهنترین کتاب ایرانی، یعنی اوستا، از نوروز نامی نیست، لیکن از جمشید یاد شده است و به نوآوری های او اشاراتی رفته است».

در تاریخ الامم و الملوک محمد بن جریر طبری و ترجمه آن از ابوعلی محمد بن بلعمی وزیر آمده است:

«... و علما را بفرمود (جمشید) که آن روز که من بنشستم به مظالم، شما نزد من باشید تا ... هر چه در او داد و عدل باشد بمائید تا من آن کنم و آنروز که به مظالم نشست روز هرمز بود از ماه فروردین. پس آن روز (رسم) کردند ...»<sup>۶</sup>  
شاعران ایرانی در دوره اسلامی بسیار مکرر سروده اند که نوروز از جمشید به یادگار مانده است، چنانکه حکیم ابوالقاسم فردوسی<sup>۷</sup> سروده است:

همه کردنی ها چو آمد پدید تو گفتمی جز از خویشتن را ندید  
به فر کیانی یکی تخت ساخت چه مایه بدو گوهر اندر نشناخت  
که چون خودستی دیو برداشتی ز هامون به گردون برافراستی  
چو خورشید تابان میان هوا نشسته بر او، شاه فرمان روا  
جهان انجمن شد بر تخت اوی شگفتی فروماند از تخت اوی  
به «جمشید» بر گوهر افشاندند مر آن روز را، «روز نور» خواندند  
سر سال نو، هرمز فروردین بر آسوده از رنج تن، دل ز کین  
به نوروز نو، شاه گیتی فروز بر آن تخت بنشست فیروز روز  
بزرگان به شادی بیاراستند می و جام و رامشگران خواستند  
چنین جشن فرخ از آن روزگار بمانده است از آن خسروان، یادگار

۵. ابوریحان، محمد بن احمد بیرونی خوارزمی (۳۶۲-۴۴۰)، التفهیم للوائل صناعة التتجیم، با تجدیدنظر و تعلیقات و مقدمه تازه «به خانه» استاد جلال الدین همایی، تهران.

۶. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک.  
۷. فردوسی، حکیم ابوالقاسم، شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، دفتر یکم، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۹.



|                                                                                      |                                                                  |                                                                 |                                                                     |                                                                     |                                                                            |
|--------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------|
| برود سازان شایسته<br>بکوه اندرون لاله و سبزه<br>در سال هر جای که می<br>بهر جای که می | بزم و شایسته<br>که در بزم شایسته<br>سازان شایسته<br>سازان شایسته | ایام و شایسته<br>بزم و شایسته<br>کرازه و شایسته<br>بزم و شایسته | کفش که در شایسته<br>که در شایسته<br>نوازنده و شایسته<br>دی و شایسته | پادشاهان و شایسته<br>برادر و شایسته<br>پسر و شایسته<br>شاه و شایسته | برفت از در و شایسته<br>بر بزم و شایسته<br>سازان و شایسته<br>کفایت و شایسته |
|--------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------|---------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------|

باور به فرود آمدن فروهر در  
پایان هر سال سبب شده  
است که ایرانیان باستان و  
زرتشتیان هر سال پنج روز  
پیش از پایان سال، به خاطر  
ششمین گهنبار و پنج روز  
پس از پایان سال به خاطر  
نتیجه کیبسه روی هم برای  
ده روز میزبان فروهرها باشند

### باور یحان همچنین آورده است:

چون اهریمن برکت را از روی زمین زائل کرد و باد را از ورزش انداخت تا درختان خشک شوند، نزدیک بود که عالم وجود دچار فساد گردد، پس جمشید به امر خداوند و ارشاد او به ناحیه جنوبی رفت و قصد مقام ابلیس و یاران وی کرد و در آنجا مدتی بماند تا این غائله رفع شد. مردم به اعتدال و برکت و فراوانی برگشتند و از بلا نجات یافتند و در این هنگام «جَم» به دنیا بازگشت و در این روز مانند آفتاب طلوع کرد و نور از او ساطع شد. چه؛ مثل خورشید نورانی بوده است و از این روی مردم از طلوع دوم آفتاب تعجب کردند و آنچه چوب خشک بود، سبز شد. پس مردم گفتند: اینک روز نو!

### بیرونی در آثار الباقیه نوشته است:

و باز عید نوروز را چنین گفته‌اند که چون جمشید برای خود تخت بساخت در این روز بر آن سوار شد و جن و شیاطین آنرا حمل کردند و به یک روز از کوه دماوند به بابل آمد و مردم برای دیدن این امر، در شگفت شدند و این روز را عید گرفتند. بیرونی معتقد است که این گفته‌ها، روایات، افسانه‌ها و اساطیر را «هیچ عقلی آنها را نمی‌پذیرد ... ولی مقصود ما آن است که تواریخ را به دست آوریم نه آن که آن گفته‌ها را انتقاد کنیم.» هر چند که در ذات این افسانه‌ها و اساطیر، علاقه، میل و شوق و باور بشر به پرواز دیده می‌شود، امری که امروزه، برای همگان آنچنان پذیرفتنی است که زندگی بدون آن، بر مشکل می‌نماید...

### فلسفه نوروز؛ نزول فروهرها

جشن نوروز، هنگام نزول فروهرها از آسمان به زمین برای سرکشی و دیدار بازماندگان خود بوده است. در اوقات فروردگان، ایرانیان، مخصوصاً مردم فارس و خوارزم در اتاق مخصوص مرده و در بالای بام خانه‌ها، برای پذیرایی «فروهرهای» نیاکان خود غذا می‌گذازند و بوی خوش به خود می‌کشند. گذشته از اینکه نخستین ماه سال به اسم فروهر است<sup>۸</sup>، فروهرهای نیاکان به هنگام گاهنبار همسپتمدم (همسپه‌دیم) یعنی ۵ روز آخر سال که اهورا آنها را خلق کرده است، به زمین فرود می‌آیند و از همین روست که گیاه می‌روید و شکوفه و گل و برگ بر شاخه پدیدار می‌شود.

پنج روز آخر سال پارسی از روز اشتاد یعنی روز بیست و شش اسفندماه است تا روز وهیشتراشت و این پنج روز را روزهای گاسانیک می‌نامند و مخصوص یادآوری درگذشتگان است. در این روزها فروهرها در شادی و خوشی خانواده شریک می‌شوند و مدت ده روز مهمان خانواده خود هستند. ایتان هیچگاه خاندان خود را قراموش نمی‌کنند و علاوه بر آنکه هرگاه فرا خوانده شوند به یاری خانواده می‌شتابند، سالی یکبار نیز به طور جمع بر زمین می‌آیند. در این روزها، باید خانه پاک باشد. در خانه و خاندان باید صلح و صفا برقرار باشد و از این رو همه افراد خانواده باید در هنگام نوروز در آشتی و صلح باشند زیرا اگر چنین نباشد و خانه پرانده و غم باشد، مهمانان آسمانی دیری در آن خانه نمی‌پایند و ناخشنود از خاندان می‌روند و برکت از خانواده بریده می‌شود.<sup>۹</sup>

به طور کلی، باور به فرود آمدن فروهر در پایان هر سال سبب شده است که ایرانیان باستان و زرتشتیان هر سال پنج روز پیش از پایان سال، به خاطر ششمین گهنبار و پنج روز پس از پایان سال به خاطر نتیجه کیبسه روی هم برای ده روز میزبان فروهرها باشند.<sup>۱۰</sup> ما از آیین‌های این ده روز در ایران باستان، چیز زیادی نمی‌دانیم یا این همه از آن چه

بیرونی معتقد است که این  
گفته‌ها، روایات، افسانه‌ها و  
اساطیر را «هیچ عقلی آنها  
را نمی‌پذیرد ... ولی مقصود  
ما آن است که تواریخ را به  
دست آوریم نه آن که آن  
گفته‌ها را انتقاد کنیم.»

۸. بیرونی، ابوریحان، آثار الباقیه، ترجمه اکبر دانا سرشته این سبتا، تهران، ۱۳۵۲.

۹. آثار الباقیه، ترجمه فارسی دانا سرشته.

۱۰. دیلمانی، علی خورش، جشن‌های باستانی ایران، تهران، ۱۳۳۶.

۱۱. فرمودوشی، بهرام به کوشش: هما گرامی (فرمودوشی)، کتاب و رسوم نوروزی، تهران، ۱۳۸۶.

۱۲. فروهرهای نیک توانای پاکان را می‌ستاییم که در هنگام همسپه‌دیم از آرامگاه خود بیرون شتابند و برای ده شب پیاپی در این جا بای آگاهی به سر برند (فروردین) پشت پند ۳۹.

که تاکنون به دست آورد ایم، چنین می‌خوانیم که در این ده روز همه‌ی مردم آماده پذیرایی از فروهرها بوده‌اند و دست‌کم، بنا بر بندهای ۵۱ و ۵۲ از فروردین یشت، با شیر و پوشاک از فروهرهای خاندان خود پذیرایی می‌کرده‌اند و با روشن کردن آتش، از یک سو، گندزدایی خانه و کاشانه می‌کرده‌اند و از سوی دیگر با افروختن آتش و ساختن تنوره‌ی دود بر بام، فروهرها را به خانه‌های خویش راهنمایی می‌کرده‌اند - آتشی که امروزه - شاید به نادرستی آتش چهارشنبه‌سوری خوانده می‌شود.<sup>۱۲</sup>

### هفت‌سین

هفت‌سین نوروزی، یادگار کاشت آزمایشی بذره‌های گوناگون است. خوشبختانه ابوریحان بیرونی سندی ارزشمند در این زمینه به یادگار گذاشته است:

«... و هر شخص از راه تبرک که به این روز در طشتی جو کاشت.

سپس این رسم در ایرانیان پایدار ماند، که روز نوروز در کنار خانه

هفت صنف از غلات، در هفت استوانه بکارند و از روییدن این

غلات به خوبی و بدی زراعت و حاصل سالیانه حدس بزنند.<sup>۱۳</sup>

هفت «صنف» از سبزه‌ها، در هفت ظرف بزرگ یا در هفت‌سینی و آن‌گاه پس از پایان آیین‌های نوروزی، ماهی به جوی و رود سپرده می‌شود و به سبزه‌ها در کرانه‌ی رودها و کنار جوی، شانس زندگی بخشیده می‌شود.

نوروز، با فلسفه عمیق مادی و معنوی خود چه سلطانی تلقی شود و چه چوپانی<sup>۱۴</sup> امروزه در بین تمام طبقات، اقوام و ملل، شهری و روستایی و عشایر مقبولیت دارد و هر قشری به شیوه خود و با برگزاری نمایش‌های آیینی و سنتی و بومی، آن را گرامی می‌دارد. نهایتاً نوروز از هخامنشیان و ساسانیان و پس از اسلام - با افزودن جلوه‌های معنوی جدید و رنگ و جلا دادن این بر آن - همچنان استوار و ماندگار راه خود را می‌پیماید و برای ایرانیان شادی، سلامتی و بهروزی می‌آورد.

شاد بودن و شاد زیستن، آرزوی دیرینه آدمی بوده است. آرزویی که ریشه در خلقت و نیازهای او دارد. آرزویی که مقدمه غلبه بر ناکامی‌هاست و پیروزی بر سختی‌ها، غم‌ها، ناملايمات، سرماها، دلتنگی‌ها، کینه‌توزی‌ها و هر آنچه که مانع پیشرفت مادی و معنوی نوع بشر می‌شود. ...

شاد باشید و نوروزتان پیروز!

به طور کلی، باور به فرود آمدن فروهر در پایان هر سال سبب شده است که ایرانیان باستان و زرتشتیان هر سال پنج روز پیش از پایان سال، به خاطر ششمین گهنبار و پنج روز پس از پایان سال به خاطر نتیجه کیبسه روی هم برای ده روز میزبان فروهرها باشند.

نوروز، با فلسفه عمیق مادی و معنوی خود چه سلطانی تلقی شود و چه چوپانی امروزه در بین تمام طبقات، اقوام و ملل، شهری و روستایی و عشایر مقبولیت دارد و هر قشری به شیوه خود و با برگزاری نمایش‌های آیینی و سنتی و بومی، آن را گرامی می‌دارد.



۱۲. رجس، پرویز. جشن‌های ایرانی. آرتامیس، تهران، ۱۳۸۷.

۱۳. بیرونی، ابوریحان. آثار الیاقیه عن القرون الخالیه، همان منبع پیشین.

۱۴. نظریه‌ای وجود دارد که معتقد است که نخست نوروز از روستا منشأ گرفته است و «نوروز چوپانی» بوده است و سپس به دربار راه یافته و «نوروز سلطانی» شده است. جا برای تحقیق در این زمینه باز است!



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

## درآمدی دیگرسان به بزمگاه نوروز

دکتر عبدالمهدی مستکین

### سخن آغازین

آزمون‌های زمستان و خزان و خفتن طبیعت با وزش نسیم جان افزای باد صبا، بهار همچو جان را نوید می‌دهد و گجستگی ظلمت گون سیاهی و سرما را به خجستگی نور و زایشگری نوروز فراز می‌آورد.

نوروز به راستی جشن بازگشت به آغاز است. چرخه آفرینش به فرجام می‌رسد و سالی با فر و فروغ از نو آغاز می‌گیرد.

اما آفرینش طبیعت زنهاری غفلت‌زدا و به سان شیپور بیدارباش برای جسم و جان آدمیان نیز هست و هم بر این بنیاد نوروز را باید به گونه‌ای دیگر نگریست.

این نوشتار سر آن دارد تا رمز و راز نوروز را در فرایند بالندگی و بایستگی روح و روان آدمی با بهره‌گیری از آموزه‌ها و دستاوردهای مشاهیر گران ارج ایران زمین جستار کند و میوه‌های مینو و معطر شکوفه‌های جان‌آویز نوروزی را در کاربستی کاربردی برای خوانندگان پیش چشم نهد.

### نوروز: گرامیداشت دم (نقد اوقات را محاسبه کن)

شبی تأمل ایام گذشته می‌کردم و بر عمر تلف کرده حسرت می‌خوردم و سنگ سراچه دل را به الماس آب دیده می‌سافتم و این بیت‌ها مناسب حال خود می‌گفتم که:

هردم از عمر می‌رود نفسی چون نگه می‌کنم نمانده بسی

ای که پنجاه رفته در خوابی مگر این پنج روزه دریابی

شتاب ابلق روز و شب و سرآمدن سال و جلوه‌گر شدن نوروز همچنانی که جنبش خفتگان نبات و نبات را در مهد زمین جلوه‌گر می‌سازد و درختان را به خلعت نوروز قبا‌ی سبز ورق در برمی‌کند و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر می‌نهد؛ بر اصحاب رای و دانش و فرهنگ نیز زنهاری بشکوه و ستوار از غفلت‌زدایی و بیداری است. آنگونه که شیخ اجل سعدی در دیباجة گلستان به این شگرفی و شگفتی تأمل ایام گذشته می‌کند و بر عمر تلف‌شده حسرت می‌برد و سنگ سراچه دل را به الماس آب دیده می‌شوید، به فرجام رسیدن خزان و زمستان و طنازی خورشید نورافشان و نوروز گل‌افشان،

برای انسان‌های اهل خرد و فرزانی انقلاب و جنبشی ژرف در قدر دانستن گرامیداشت دم (اغتنام فرصت) است.

قضا روزگاری زمن در ربود که هر روزی از وی شب قدر بود  
من آن روز را قدر نشناختم بدانستم اکنون که در باختم

شیخ اجل قالب گردندگی و چرخندگی فلک را به سان حکیم و منجمی فرزانه رصد می‌کند و بیمناک از ربایش آن از سوی روزگار است.

نوروز را بر بنیاد آنچه جناب سعدی بر می‌رسد، باید از روزن و منظری دیگر نگریست و اولین پنجره نوربخش به نوروز، نواخته شدن شیپور بیدار باش آدمی از گذران شتابناک عمر و لحظات شورانگیز آن است.

پس در رویکردی بهکرد از سرمایه عمر؛ باید این مهم‌ترین آموزه و دستاورد شیخ اجل را به گوش جان نیوش کرد که فرمود:

باد بهاری وزید از طرف مرغزار باز به گردون رسید ناله هر مرغ زار  
سرو شد افراخته، کار چمن ساخته نعره‌زنان فاخته بر سر بید و چنار  
خیز و غنیمت شمر جنبش باد ربیع ناله موزون مرغ بوی خوش مرغزار

عکس: سید محمودی از ناو.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

نوروز، نواخته شدن شیپور  
بیدار باش آدمی از گذران  
شتابناک عمر و لحظات  
شورانگیز آن است.

هر گل و برگی که هست یاد خدای کند    بلبل و قمری چه خواند، یاد خداوندگار  
برگ درختان سبز در نظر هوشیار    هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

اما پرسش فراخ و فربه آن است که خیزش آدمی به چه سان باید جلوه گر گردد؟  
به دیگر سخن همچنانی که طبیعت زیباترین سویه‌های ظهور و بروز خویش را در بهار  
جان افزا پیش چشم می‌نهد: آدمی به چه سان باید داد دم را پاس بدارد؟  
پاسخ به این پرسش پهنای یکی از مهم‌ترین خارخارها (دغدغه‌های) بزرگان و مشاهیر  
ایران زمین و کل گیتی بوده است.

سعدی نازنین این آموزگار پرهیزگار ایران زمین در جای جای گلستان و بوستان آدمی  
را به غفلت زدایی و هوشیاری نسبت به گذران دمه‌های پر ارج دعوت می‌کند. چرا که از  
نظرگاه او:

هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است و چون بر می‌آید مفرح ذات: پس در هر  
نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب:

از دست و زبان که برآید    کز عهده شکرش به در آید

از نظرگاه حکیم بلندنظر ایران زمین نوروز رهاوردی پس نیکو برای اندیشه کردن  
پیرامون آغازی پرشور برای زندگی است.



بامدادی که تفاوت نکند لیل و نهار    خوش بود دامن صبحرا و تماشای بهار  
بلبلان وقت گل آمد که بنالد از شوق    نه کم از بلبل مستی تو بنال ای هوشیار  
آفرینش همه تنبیه خداوند دل است    دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار  
این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود    هر که فکر نکند نقش بود بر دیوار  
خبرت هست که مرغان سحر می‌گویند    آخر ای خفته سر از خواب خجالت بردار

انسان هوشیار از نالش شوق‌انگیز بلبل به مستی شورانگیز غلغل درون می‌رسد.  
ناله موزون و مستمر مرغان در تسبیح و تکریم لیلای عالم، آدمیان خفته در غبار غفلت  
را ندا می‌زنند که برخیزید، غنیمت شمرد، که حرم در پیش است و حرامی در پس، اگر  
خفتی مردی؛ اگر رفتی بردی!

پس نوروز به این اعتبار گذار از کوی خواب و رسیدن به بزم دیدار و بیداری است  
هرکه امروز نبیند اثر قدرت او    غالب آن است که فرداش نبیند دیدار  
و هم از این روی ایرانیان باستان نوروز را جشن بازگشت به آغاز و بیداری می‌دانستند؛  
آغازی که برای انسان هوشیار و کوشیار، خجسته و درس‌آموز است.  
او را به گسستن از تیرگی و پلیدی و پیوستن به نور و فرزانی رهنمون است.  
بگسل از پای خود این لنگر گل    گام زن شو به سوی کشور دل!

جناب جامی که او نیز دلدادۀ استاد خویش شیخ اجل است در این بیت نغز و آبدار هفت  
اورنگ، مفهوم نوروز را فرصتی مغتنم برای گسستن از لنگرگاه‌های گل و پیوستن به کشور

دل می‌داند.

و آن سوتر در ایباتی نغز و کوتاه، آموزه‌ای گران سنگ را به یادگار می‌نهد که:  
سر مقصود را مراقبه کن نقد اوقات را محاسبه کن  
باش در هر نظر از اهل شعور که به غفلت گذشته یا به حضور

مفهوم نوروز در اندیشه و خرد مشاهیر و بزرگان ایران زمین آوردگاه رویارویی فرشته‌های شور و شعور و حضور برای اهرمیان غفلت و غبار و فراموشی است.  
نقد اوقات را محاسبه کردن در عصر شتابناک هویت ستیز و آرامش گریز مدرن سخن پس دلکش و کارآمد و رامش خیزی است. در ظاهر دنیای شتاب‌آلود کنونی که برای دمه‌های گرمی عمر آدمی لاف و گزاف فراوان دارد. اما در عمل آنچه که انسان کنونی از رهاورد پربسامد پرتنین عنصر شتاب عصر مدرن دریافت کرده است، چیزی جز پریشانی، آشفتگی و آسیب‌گری نیست.

عصر کنونی دمه‌های دلاویز با خود بودن را از آدمیان بازستانده است. آدمیان این عصر دیگر فرصت با خود بودن و با دیگران پیوند را ندارند؛ و عمر گرانیمایه را در چگونه خوردن دوران سیف و شتاب به سر می‌آورند، یا به قول خواجه راز جناب حافظ:

عمر بگذشت به بی‌حاصلی و بیهوشی ای پسر جام می‌ام ده که به پیری برسی  
چه شکر هاست در این شهر که قانع شده‌اند شاهبازان طریقت به مقام مگسی

آدمیان خود کرده به طریق مگسی؛ در دنیای بیهوشی؛ منش قفسی را اختیار می‌کنند و هم بر این بنیاد است که هرگز به درکی بشکوه و استومند از نوروز دل فروز دست نمی‌یازند. پیامد دشخوار و هولناک این خوی وخیم؛ بی‌درنگی، ناشکیبایی و شتابناکی است. و چه زیبا فرزانه جام می‌فرماید:

هست یکی نیمه عمر تو روز نیمه دیگر شب انجم فروز  
روز و شب عمر تو با صد شتاب می‌گذرد آن به خود و این به خواب  
روز پی خور سگ دیوانه‌ای خفته به شب مرده کاشانه‌ای  
روز چنان می‌گذرد شب چنین کی شوی آماده روز پسین  
روز و شبت گر همه یکسان شود بر تو شب و روز تو تاوان شود

نوروز نرم نرمک می‌رسد و دو پیام ژرف به ارمغان می‌آورد، یکی آنکه به قول جناب سعدی:

بیا ای که عمرت به هفتاد رفت مگر خواب بودی که بر باد رفت

سالی گذشت و بر باد رفت و خوشه و توشه‌ای برای ایامی که با هفت هزارسالگان همنشینی نیندوختی!

شگفتا که به تازگی بانویی هفت‌هزارساله در تهران سر از نقاب خاک بیرون کشید و محل اعتبار و عبرت صاحبان خرد اولوالباب است و چه زیبا خیام خیزش گر دیار نیشابور می‌فرماید:

باری پس اولین پیام نوروز  
از زبان مردان نورانی و نوروز  
سیرت آن است که سالی با  
فراز و فرود گذشت و بهار  
طناز از راه رسید و اما پیام  
دوم نوروز آن است که از  
لحظات پیشین پند گیر، پیاموز  
و بیفروز!

عکس: س. محمودی ازناوم



فردا که از این دیر فنا در گذریم با هفت هزار سالگان سر به سریم

باری پس اولین پیام نوروز از زبان مردان نورانی و نوروز سیرت آن است که سالی با فراز و فرود گذشت و بهار طناز از راه رسید و اما پیام دوم نوروز آن است که از لحظات پیشین پند گیر، بیاموز و بیفروز!  
و یا به فرموده حکیم روشن روان طوس:

زمانی میاسای ز آموختن اگر جان همی خواهی افروختن

نوروز در گام نخست آدمی را به آموختن از گذشته و تجربه‌های پیشین فرامی‌خواند و از دیگر سو ما را به افروختن رهنمون می‌سازد و چه زیبا جناب سعدی این حکیم جان شناس می‌فرماید:

مرد خردمند هنرپیشه را عمر دو بایست در این روزگار  
تا به یکی تجربه آندوختن با دگری تجربه بردن به کار



### نوروز: جویندگی جان

با آگاهی از فربهی کلام پیشین که در قامت مفهوم «نوروز و گرامیداشت دم» در این نوشتار آراسته گردید؛ پای در آوردگاه پرهیت دیگری می‌نهیم و آن اینکه نوروز دستاورد پهناور دیگری نیز برای آدمی به ارمغان دارد.

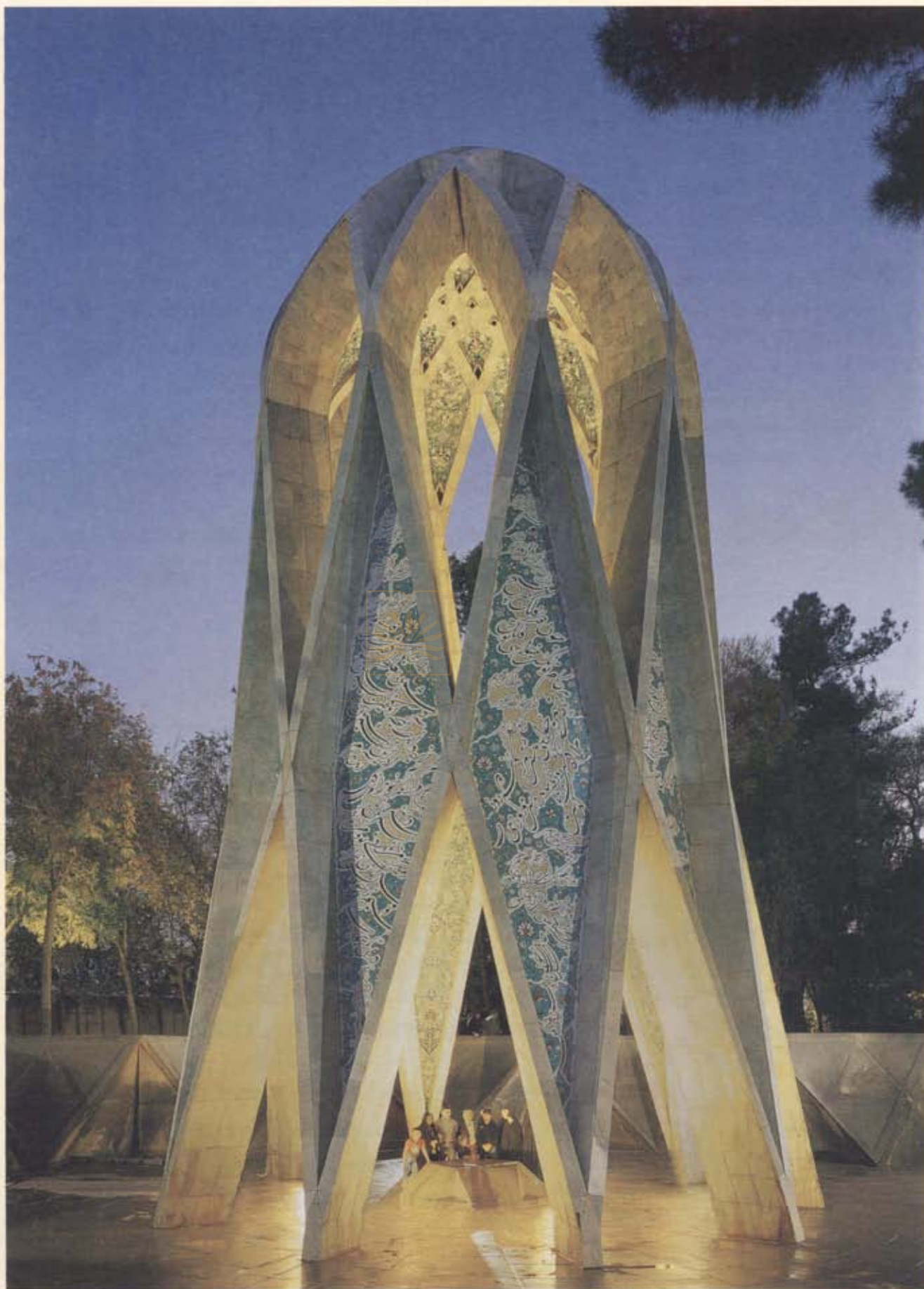
«جویندگی جان» بر این بنیاد راست می‌گردد که این پرسش اندیشه‌فزا را در خلوت خویش و در آن دمه‌های دل‌ویز از خود پرسمان کنیم. که چرا دادار یکتا و بی‌همال در فرایند شدن و صیورورت هستی، تابستان و خزان و زمستان و بهار را آراسته گردانیده است. چرا زمانی رخسار هستی با شراره‌های گرماسوز تابستان آراسته و زمانی دیگر چهره گیتی با باد خزان زعفران‌گون و زردروی می‌گردد و نیز چرا زمانی سرمای استخوان‌سوز و اندیشه‌کوب و رنج‌آور رخ می‌نماید و در فرجام طبیعت هستی، شکوفایی، پویایی و دل‌آویزی نازش‌گر و نازش‌خیز بهار جلوه‌گر می‌گردد؟

نزد اصحاب رای و خرد در این بستگی و گشادگی (قبض و بسط) حکایتی ژرف و شگفت نهفته است بیایید پاسخ این سوال فربه را از زبان پیر شوریده خراسانی‌نژاد بلخ بشنویم:

آزمون‌های زمستان و خزان تاب تابستان، بهار همچو جان  
ابرها و برق‌ها و باده‌ها تا برون آرد عوارض فرقه‌ها  
تا برون آرد زمین خاک رنگ آنچه اندر جیب دارد لعل و سنگ  
این بهاران لطف شحنه کبریاست وین خزان تهدید و تخویف خداست  
وین زمستان چهارمیخ معنوی تا تو ای دزد خفی بیرون شوی  
پس مجاهد را زمانی بسط دل یک زمانی قبض و درد و غش و غل

«جویندگی جان» بر این  
بنیاد راست می‌گردد که این  
پرسش اندیشه‌فزا را در  
خلوت خویش و در آن دمه‌های  
دل‌ویز از خود پرسمان کنیم.  
که چرا دادار یکتا و بی‌همال  
در فرایند شدن و صیورورت  
هستی، تابستان و خزان و  
زمستان و بهار را آراسته  
گردانیده است.

نوروز در این مفهوم به سان  
دوران گشادگی و بهروزی و  
فرخی و فراخی است و اما  
تا خزان و زمستان سخت  
و سوزان و دمان نباشد،  
شکوفایی در جسم و جان  
آدمی به بار نخواهد نشست.



عکس: م. محمودی اژنلود

حق تعالی گرم و سرد و ورنج درد بر تن تو می‌نهد ای هوشمند  
لطف و جوع و نقص اسوال و بدن جمله بهر نقد جان ظاهر شدن

جناب مولانا در این ابیات پاسخی شکوهمند و فرهمند فراروی قرار می‌دهد و آن اینکه مسیر جویندگی جان مسیری پر از فراز و فرود است دیولاخ و سنگلاخ، گریوه‌ها و گردنه‌ها وجود دارد و جوینده بهار جان باید مرکب خویش را از این راه‌ها پر خطر و آکنده از حرامیان و دیوان و اهرمنان به سلامت به کوی و بزمگاه بهار جان برساند. نوروز در این مفهوم به سان دوران گشادگی و بهروزی و فرخی و فراخی است و اما تا خزان و زمستان سخت و سوزان و دمان نباشد، شکوفایی در جسم و جان آدمی به بار نخواهد نشست.

در اوج ترش‌رویی دی‌ماه، اگر نیک به پدیده‌های هستی بنگریم، آموزه‌های بس دلکش خواهیم یافت. شاید بارها با این تصویر روبه‌رو شده‌ایم که در اوج زمستان باغبانان مهربان با درختان اندکی نامهربانی می‌کنند. آنها با بریدن بازوان درختان گویی زخمی جانکاه بر پیکر درختان به یادگار می‌نهند اما در ژرفا و کنه این حرکت، حکمت دیگرسان نهفته است. بریدن بازوان درختان نه به منزله زخم زدن و جراحت بر پیکر طناز درختان است که به وارونه (بالعکس) به معنای حیاتی پرشورتر و شکوفاتر بخشیدن به نسوج درخت است و این شکوفایی در بهار جلوه‌ساز می‌گردد. و درخت در بهار با لرزیدن شاخه‌های مجنون‌وار خویش و پراکندن عطر و بوی شکوفه‌های‌شان مراتب قدردانی و سپاس خویش را از باغبانان مهربان خود ابراز می‌دارند.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

یگانه باغبان هستی نیز با پیام نوروز نویدی جان‌افزا برای آدمی به ارمغان می‌آورد. نوروز به آدمی این نوید را می‌بخشد که زهی سعادت که سختی‌ها و رنج‌های خزان و زمستان روح و روان آدمی به پایان می‌رسد و بهار همچو جان بر صدر می‌نشیند. و این دستاورد و آموزه‌های شایان و شایگان برای پویندگان و جویندگان جان راستین مسیر بالندگی الهی، تفسیر و تأویل می‌گردد.

### فرجام سخن

نگارنده بر بنیاد آنچه گذشت کوشش نمود تا درآمدی دیگر سان به مفهوم پر آرایش و رامش نوروز به کار آورد. این نوشتار کوتاه کوشید تا آدمی را به ژرفای پرمایه مفهوم نوروز رهنمون سازد خاصه آنکه از زبان مشاهیر و بزرگان نوروز سیرت و نورانی طلعت ایران‌زمین مدد یافته است؛ تا هم خواننده ژرفابین را با دیرینگی، هویت و بالندگی ادب ایران‌زمین رهنمون سازد و هم ران ملخی موروار تقدیم خردمندان و اندیشه‌وران کوی پر فر و فروغ فرهنگ عرضه دارد.

پایان این نوشتار با هیبت و شکوه کلام جناب فردوسی حکیم ایران‌ستای طوس به فرجام می‌رسد:

همه ساله بخت تو پیروز باد شبان سیه بر تو نوروز باد



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

# روایت‌های اسلامی و آداب و رسم‌های نوروز

فخرالدین صابری\*

امام صادق (ع) فرمود چون عید نوروز فرا رسد، بدن خود را بشوی و پاکیزه‌ترین جامه‌هایت را بپوش و با خوشبوترین عطرها خودت را معطر کن و...

میزان الحکمه ج ۹ حدیث ۱۴۶۱۰

## اعیاد چهار نوع است:

۱- اعیاد دینی مانند عید فطر، عید قربان که همه مسلمانان جهان این روزها را جشن می‌گیرند.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

۲- اعیاد مذهبی مانند عید غدیر و نیمه شعبان که شیعیان جشن می‌گیرند.

۳- اعیاد ملی مانند روز آزادی و استقلال ملت‌ها.

۴- عید طبیعی و تکوینی مانند عید نوروز که موضوع این نوشته است و در نخستین روز فصل بهار و حلول سال نو مورد توجه قرار می‌گیرد همان روزهایی که دشت و صحرا خرم و درختها سبز و گل‌ها شکوفا می‌گردد، همه عالم خرم و خندان است؛ این عید جهانی است و تکوینی به هیچ یک از ادیان آسمانی و بشری تعلق ندارد بلکه مربوط است به تحول طبیعت.

همین عید می‌تواند موجب همبستگی اقوام مختلف و تحقق وحدت و تقویت دوستی و توسعه صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز برای همه افراد بشر از هر نژاد و ملیت و آیین و مذهبی باشد؛ و محتوای عرفانی و دینی نیز پیدا کند.

نوروز ایرانیان که در آغاز فصل بهار جشن گرفته می‌شود پیام‌آور نوشدگی سال و آمدن گرما و رویش دوباره طبیعت است همچنین فعال‌تر شدن حیات اجتماعی جامعه را در پی دارد.

نوروز نماد تحول و تغییر و دگرگونی است.

## پیشینه نوروز

عید نوروز از زمان‌های قدیم یکی از دو عید بزرگ ایرانیان بوده است و عید دیگر شانزدهم مهرماه به نام «مهرگان» است که امروزه از رونق هم‌تراز برخوردار نیست بنا بر نقل سینه به سینه افسانه‌ها نوروز در روزگار «جمشید» چهارمین پادشاه دوره پیشدادی پدید آمد و در پادشاهی او به صورت آیین درآمد (مروج الذهب و معاون الجوهر ترجمه ابوالقاسم پاینده).

از نظر اسلام، نوروز و  
بزرگداشت آن نه تنها مذمت  
نشده است که بهانه‌ای  
فرخنده برای هر انسان  
خردمند است تا بتواند شتابی  
افزون‌تر در پیمودن راه دراز  
معنویت پیدا نماید.

### اسلام و نوروز

از نظر اسلام، نوروز و بزرگداشت آن نه تنها مذمت نشده است که بهانه‌ای فرخنده برای هر انسان خردمند است تا بتواند شتابی افزون‌تر در پیمودن راه دراز معنویت پیدا کند، انسان خردمند می‌تواند مناسبت‌ها را به عید واقعی و جشن سازنده و با برکت تبدیل سازد. در سخنان پیشوایان دینی ما در مورد نوروز به دو جهت اشاره شده است یکی درباره مجموعه رویدادهای تاریخی که در نوروز اتفاق افتاده است و دیگر اینکه در نوروز به چه مسائلی باید توجه کرد و آداب مناسب ایام نوروز چیست.

معلى که از دوستان امام صادق<sup>(ع)</sup> است می‌گوید در روز نوروز خدمت امام رسیدم حضرت فرمود آیا این روز را می‌شناسی؟ گفتم قربانت گردم، این روز را ایرانیان گرامی می‌دارند و به یکدیگر هدیه می‌دهند.

فرمود: سوگند به خانه کعبه که این ریشه‌ای دیرینه دارد و برای روشن می‌سازم تا آگاه گردی. گفتم سرورم! آموختن این امر از شما برایم بهتر از آن است که مردگان زنده شوند و دشمنانم بمیرند.

آنگاه فرمود: ای معلى روز نوروز، همان روز است که خداوند از بندگان پیمان گرفت

عکس: سعید محمودی از ناو

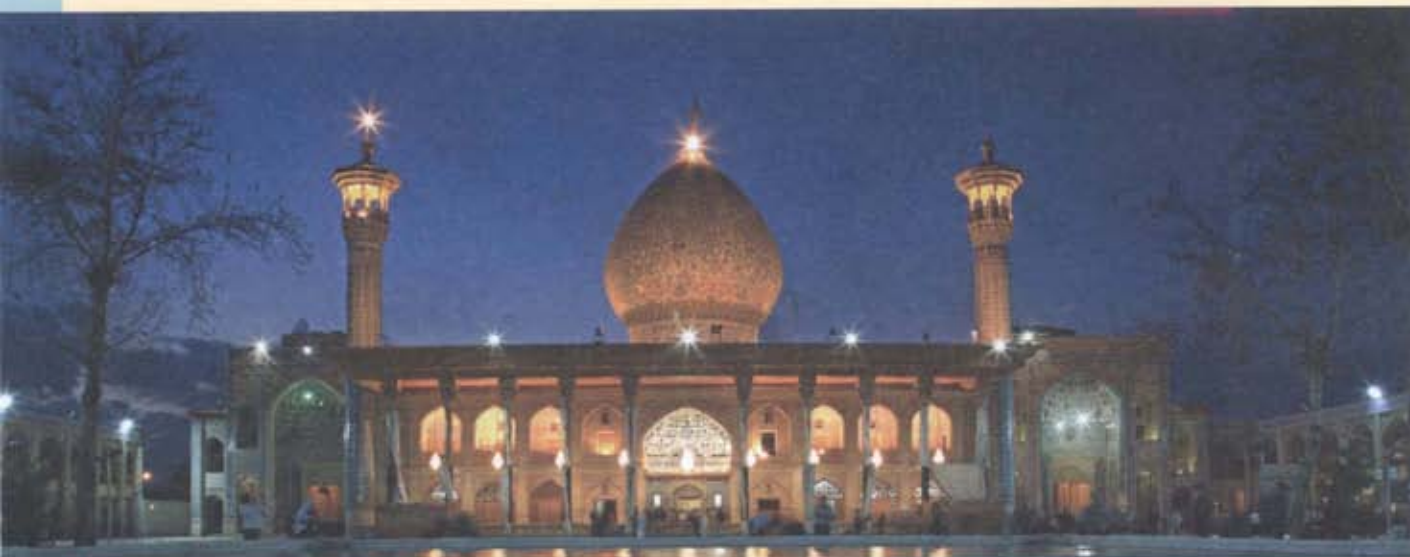


ای معلی روز نوروز، همان روز  
است که خداوند از بندگان  
پیمان گرفت او را بپرستند  
و به او شرک نورزند. به  
پیامبران و صحبت‌هایش  
بگروند و به امامان ایمان  
آورند. این همان روز است  
که خورشید طلوع کرد، بادهای  
وزیدن گرفت و گل‌های زیتنی  
روئیدند. این همان روزی  
است که کشتی نوح بر ساحل  
جودی آرامش یافت.

او را بپرستند و به او شرک نورزند. به پیامبران و صحبت‌هایش بگروند و به امامان ایمان آورند. این همان روز است که خورشید طلوع کرد، بادهای وزیدن گرفت و گل‌های زیتنی روئیدند. این همان روزی است که کشتی نوح بر ساحل جودی آرامش یافت. همان روزی است که خداوند گروهی چند هزار نفره را که از ترس مرگ از خانه‌ها بیرون رفته و مرده بودند زنده ساخت. این روز، روز فرود جبرئیل بر پیامبر اسلام (ص) است. نوروز روزی است که پیامبر (ص) امام علی (ع) را بر دوش گرفت و به جانشینی خود برگزید و در همین روز بود که حضرت ابراهیم بت‌های قریش را در مسجد الحرام شکست، در این روز قائم‌ها و شایستگان قیام کرده و پیروز می‌شوند در هر روز نوروزی ما آرزوی فرج و ظهور امام مهدی را داریم چرا که آن از روزهای ما و پیروان ماست. فارسیان نوروز را گرامی داشتند و شما (اعراب) آن را ضایع کردید و فرمود: یکی از پیامبران بنی اسرائیل از خداوند پرسید چگونه مردمانی را که خارج شدند از خانه‌هاشان گرفتار مرگ شدند زنده کردید؟ خداوند بدو وحی کرد که در نوروز آب بر قبر آنان بپاشید و آن اولین روز سال فارسیان است و آنها زنده شدند. از همین روز پاشیدن آب در نوروز سنت دیرینه شد. سبب آن را جز آنان که دانشی پایدار دارند، ندانند. همچنین از امام صادق (ع) نقل می‌کند که خداوند بر جبرئیل وحی فرستاد که این روز، روزی گرامی و بلندمرتبه نزد من است. با خود عهد کرده‌ام هر مؤمنی در این روز از من حاجتی بخواهد آن را برآورده سازم و آن روز نوروز است. (مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۴۷۱). باز آورده‌اند که در نوروز، جامی سیمین پر از حلوا برای پیامبر (ص) هدیه آوردند آن حضرت پرسید این چیست؟ گفتند امروز، روز نوروز است. پرسید نوروز چیست؟ گفتند عید بزرگ ایرانیان است. فرمود آری در این روز بود که خداوند عسکره را زنده کرد. پرسیدند عسکره چیست؟ فرمود عسکره، هزاراد مردمی بودند که از ترس مرگ، ترک دیار کرده، سر به بیابان نهادند و خداوند به آنها فرمود بمیرید. پس مردند. سپس با پاشیدن آب بر قبور آنان، آنان را زنده کرد و از این رو، سنت آب پاشیدن در نوروز رواج یافته است. پس از این بیان، حضرت از حلوای اهدایی تناول فرمودند و گفتند کاش هر روز برای ما نوروز بود (القاموس، ج ۲، ص ۲۷۹).

### آداب نوروز

در خصوص روز نوروز در روایات متعدد، آداب گوناگونی ذکر شده است که به پارامی از آنها اشاره می‌شود.





دوفصلنامه آیین نوروز  
پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و  
گردشگری  
سال نخست، شماره ۱، نوروز ۱۳۹۵



صاحب امتیاز: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی،  
صنایع دستی و گردشگری  
مدیر مسئول: سید محمد بهشتی  
سر دبیر: محمد میرشکری  
معاون سر دبیر: شبان میرشکری

شورای علمی و تحریریه:

|                                |                            |
|--------------------------------|----------------------------|
| خانم دکتر بدرالزمان قریب       | آقای دکتر محمدرضا کارگر    |
| خانم دکتر ژاله آموزگار         | آقای دکتر جبرئیل نوکنده    |
| خانم دکتر کنایون مزداپور       | آقای دکتر یداله پرمون      |
| آقای سید احمد محیط طباطبایی    | آقای دکتر فرهاد نظری       |
| آقای دکتر سمیع اله حسینی مکارم | آقای دکتر عبدالمهدی مستکین |
| آقای دکتر بهمن نامور مطلق      | آقای دکتر علیرضا حسن زاده  |
| آقای جلیل گلشن                 | آقای جمشید گیانفر          |
| آقای دکتر محمدحسن طالبیان      | آقای فرامرز طالی           |

مشاوره هنری - فنی و کتاب آرایی: انتشارات ایران نگار

پردازش تصویرها و طرح جلد: وحید روزبهانی

طرح و گرافیک: نگار خراسانی ینگجه (ایران نگار)

طرح نشان واره عنوان مجله: اعظم امینی سردشت، بازاچراغ ن. خراسانی ینگجه

خوشنویسی «به نام خداوند جان آفرین...»: استاد رسول مرادی

عکس: سعید محمودی ازناوه، عباس شاکری، بهمن رحیمی، رها روزبهان، شبان  
میرشکری.

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: هور رنگ

نظارت بر چاپ: عباس محبی مزلقانی و حجت خلعتی

چاپ و صحافی: دفتر فنی نقش جهان، چاوش، تصویر گیلان

- نشریه آیین نوروز مقالات رسیده را در صورت ضرورت ویرایش و اصلاح  
خواهد کرد.

- نظرات نویسندگان لزوماً نظر دوفصلنامه/ آیین نوروز نیست.

- مقالات رسیده بازپس فرستاده نمی شود.

- نقل مطالب درج شده در دوفصلنامه/ آیین نوروز تنها با ذکر مأخذ و نام  
نویسنده و پدیدآورنده اثر مجاز است.

نشانی: تهران، خیابان امام خمینی، ابتدای خیابان سی تیر، روبه روی موزه ملی

ایران (بخش اسلامی)، کد پستی: ۱۱۳۶۹۱۷۱۱۱

Nowrouz.journal@gmail.com

عکس روی جلد: کاشی کاری ورودی مسجد آقا احمد (شیراز)، اعظم امینی  
سردشت

عکس پشت جلد: ماسوله، سعید محمودی ازناوه

## نوروز، شناسنامه ایرانی

یادداشت سردبیر

۳

## نوروز، در گفتگو با مهندس سید محمد بهشتی

رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی

۵

## برگزاری جشن نوروز در گفتگو با سمیع اله حسینی مکارم

۹

## نوروز در متون کهن فارسی

دکتر کیانوش کیانی هفتلنگ

۱۳

## درآمدی دیگرسان به بزمگاه نوروز

دکتر عبدالمهدی مستکین

۱۹

## روایت های اسلامی و

## آداب و رسم های نوروز

فخرالدین صابری

۲۷

## جشن بزرگداشت انسان

(جستاری در خاستگاه نوروز)

حمیدرضا دالوند

۳۳

## آیین ها در گستره فرهنگ نوروز

دکتر بهرام امیراحمدیان

۳۹

## از نوروز در تهران قدیم چه می دانید؟

پیرایه یغمایی

۵۱

## آیین نوروز در ایبانه

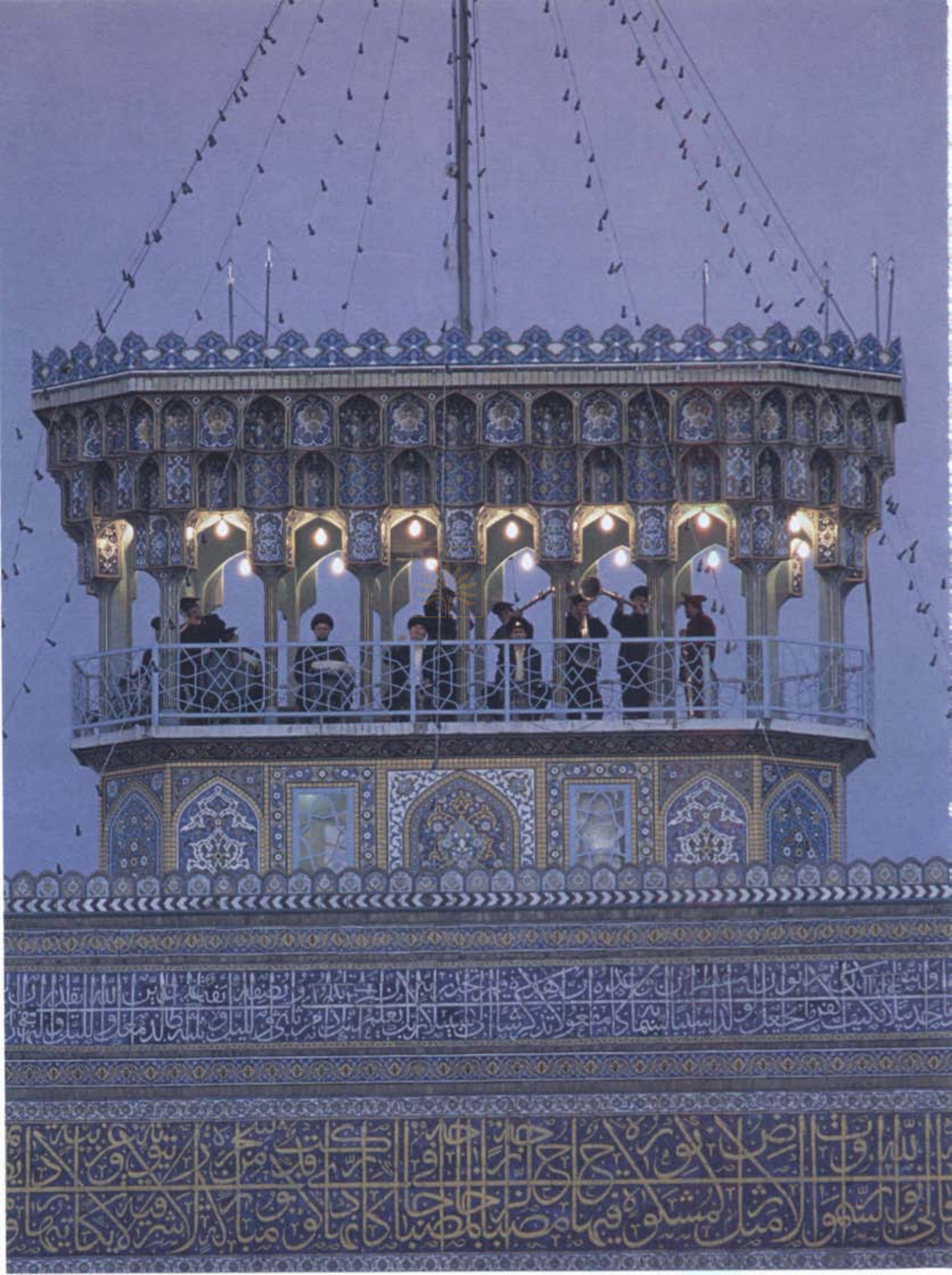
عظیمه ریاحی دهکردی

۶۱

## تأملی بر چند رسم نوروزی در چند نقطه از ایران

بهمن رحیمی

۶۷





سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران



## جشن بزرگداشت انسان (جستاری در خاستگاه نوروز)

حمیدرضا دالوند\*

جشن بزرگ نوروز به عنوان یکی از برجسته‌ترین نشانه‌های فرهنگی زنده و رایج در سرزمین‌های آریایی و حوزه فرهنگی ایران از سند تا کرانه‌های مدیترانه و از نواحی شمالی دریای مازندران تا کرانه‌های جنوبی خلیج فارس به سوی شبه‌قاره هند و دیواره هیمالیا، هنوز هم دست‌آویزی مطمئن و شاخصی گویا در تعیین قلمرو تمدن و فرهنگ ایرانیان است. در زیر نام و نشان نوروز می‌توان شکوه پیشین را باز یافت و میراث موجود را در هم تنید و به هم پیوند زد.

نوروز چه در نام و قالب و نشانه‌های ظاهر و چه در محتوا و درونمایه‌ها و بین‌مایه‌ها، هر کجا باشد و جشن گرفته شود؛ خواه در میان تورانیان و خواه تازیان، ایرانی است و ریشه و منشأ در فرهنگ و اسطوره‌های ایران دارد.

در چند و چون آن سخن‌ها گفته‌اند و خاستگاه آن را دوست و دشمن کاویده‌اند. به هم پای دین‌ها وحدت‌بخش بوده است و خویش و بیگانه را در گذر زمان به یک روز سر یک خوان نشاند و به یک سور خوانده است. چنان به کام همه خوش آمده است که کمتر کسی از آن سر باز زده است و روی برتافته است. اسلام نه تنها آن را در شمار احکام امضائیه درآورد که قدسیتی بدان بخشید و بر خجستگی آن مهر تأیید زد و یا ترکان در بالندگی و گسترش آن کم از پارسیان نکوشیدند.

شاید به سبب این گستردگی و همیاری و همراهی مردمان گوناگون، امروزه بیش از هر زمان دیگر جستجو در ریشه‌های نوروز و شناختن هویت آن بر ما ایرانیان لازم باشد. آنچه در زیر آیین‌های پراکنده و گونه به گونه جشنواره نوروز در حوزه تمدنی ایران بزرگ و در میان کشورهای نوظهور دیده می‌شود، نه قالب و ظاهر که درونمایه و اندیشه نهفته در پس آن است؛ گوهری که با وجود این همه تنوع برای همیشه ایرانی خواهد ماند زیرا برآمده از اسطوره‌های ایرانی است و با هیچ پیرایه‌ای دگرگون نمی‌شود. کنکاش در خاستگاه نوروز و روشن ساختن سرچشمه‌های اندیشه ایرانی آن کمک بزرگی به پاسداشت آن و باطل‌السحر دستبردهای جاهلانه فرهنگی و ثبت‌های کورکورانه مدعیان است.

### در خاستگاه نوروز

گستردگی، اهمیت و جذابیت‌های نوروز سبب شده است تا ادبیات گسترده‌ای پیرامون آن پدید آید که بی‌گمان پرداختن بدان از توان این گفتار بیرون است (نک. اذکایی، ۱۳۵۳). در

نوروز چه در نام و قالب  
و نشانه‌های ظاهر و چه  
در محتوا و درونمایه‌ها و  
بن‌مایه‌ها، هر کجا باشد و  
جشن گرفته شود؛ خواه در  
میان تورانیان و خواه تازیان،  
ایرانی است و ریشه و منشأ  
در فرهنگ و اسطوره‌های  
ایران دارد

روزگار پس از مشروطیت، به تدریج با رشد ایران‌شناسی و پیدایش و رواج علوم انسانی نو چون زبان‌شناسی، مردم‌شناسی، باستان‌شناسی و تاریخ‌نگاری مدرن، آگاهی ایرانیان درباره گذشته قومی و سرزمین‌شان افزوده شد و بازخوانی میراث بر جای مانده آغاز گردید. از جمله موضوع‌ها و مفاهیمی که در این راه‌آورد مورد توجه قرار گرفت پژوهش درباره نوروز و گستره و پیشینه آن بود. تا پایان روزگار پهلوی در دهه ۵۰ حجم قابل توجهی از متون در قالب کتاب و مقاله تهیه و منتشر شد (نک. همو ۳۸-۶۳). پس از انقلاب اسلامی نیز پژوهش‌های نوروزشناسی، به ویژه در دهه هفتاد به بعد، ژرفا و پهنای بیشتری یافت و سرانجام در یک فرایند طولانی و پرفراز و نشیب، پرونده نوروز به عنوان نخستین اثر از میراث ناملموس ایرانی در یونسکو ثبت شد.

اما آنچه در اینجا اهمیت دارد، موضوع خاستگاه و هویت نوروز در پژوهش‌های صورت گرفته است. شاید پربسامد ترین عبارت‌ها در ادبیات نوروزشناسی ترکیب‌های «نوروز ایرانی»، «نوروز باستانی ایران»، «نوروز جمشیدی» و... مفاهیمی از این دست باشد که اغلب بیانگر کهن بودن، دیرینگی و ایرانی بودن آن است. از اینروست که در بیشتر نوشته‌ها چه مستقیم و با بیانی روشن و چه در لافافه و با ابهام، پژوهشگران ایرانی گریزی به هویت و خاستگاه نوروز زده‌اند. در میان نویسندگان متأخر ایرانی ابراهیم پورداوود، مهرداد بهار، ژاله آموزگار، کتابون مزدآپور، محمدتقی راشد محصل، پرویز رجبی و... (نک. منابع مقاله) نوشته‌های ارزشمندی درباره نوروز و خاستگاه آن منتشر کرده‌اند. همه آنها تحصیل‌کردگان فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران هستند که کوشیده‌اند تا در پرتو آگاهی‌های مندرج در متون کهن به تحلیل خاستگاه و هویت نوروز بپردازند. در مطالعات مردم‌شناسی ایران بیشتر به گردآوری آیین‌ها و چگونگی اجرای نوروز در طول تاریخ و یا در گستره تمدنی و فرهنگی ایران توجه شده است و هر جایی که بحثی در خاستگاه نوروز توسط مردم‌شناسان صورت گرفته است، اغلب بر مبنای پژوهش‌های زبان‌شناسی و ترجمه متون اوستایی و پهلوی بوده است.

پور داود در گزارش اوستا، به ویژه جلد نخست یشت‌ها (۱۳۷۷: ۵۹۳) و نیز برخی مقالات پراکنده خاستگاه نوروز را بررسی کرده است و بررسی‌های بعدی تا دهه ۱۳۵۰ ذیل نگاه او شکل گرفته‌اند. مهرداد بهار در دهه یاد شده با چاپ کتاب «اساطیر ایران» (۱۳۵۲ ش.) کوشید تا با نگاهی متفاوت به بررسی موضوع بپردازد و سهمی برای سنت‌ها و آیین‌های نوروزی در ایران پیش از آریایی و نیز جشن‌های رایج در بین‌النهرین و غرب آسیا قائل شود (نک. ۱۳۷۶: ۴۹۵-۴۹۶). نوشته‌های او در فضای فرهنگی دهه ۱۳۵۰ مورد توجه قرار گرفت و در میان شاگردان و همکاران او کم و بیش نقد و بررسی شد. گذشته از تحولات فکری و تغییر نگاه بهار در سال‌های پایانی زندگی؛ کمترین تأثیر وی اهمیت بخشیدن به خاستگاه نوروز و بحث هویت آن در میان پژوهشگران ایرانی بود. از اینرو آثار یاد شده در بالا که از دوستان و شاگردان وی بودند، اهمیت ویژه‌ای دارند و به نوعی پژواک موضوعی است که بهار مطرح کرد.

افزون بر این، تحولات روزگار پس از انقلاب اسلامی ایران و اهمیت پیدا کردن مقوله هویت در پژوهش‌های ایران‌شناسی و تلاش غیررسمی اما گسترده ایرانیان در سراسر گیتی برای بازشناسی و بازاندیشی هویت ایرانی در واکنش به مظاهر غیر ایرانی، سبب شد تا موضوع هویت نوروز و خاستگاه آن در سه دهه گذشته مورد توجه قرار بگیرد. عامل دیگری که این روند را تشدید کرد، استقلال کشورهای حوزه نوروز و رقابت برای

هویت‌سازی بود. رقابتی که در قالب ذخایر و میراث فرهنگی ایران بزرگ و در راستای اجرای برنامه‌های کلان یونسکو در ثبت میراث فرهنگی ملموس و ناملموس ملت‌ها نمود یافته است.

بنا بر آنچه اشاره شد، باید گفت بررسی و جمع‌بندی - هر چند کوتاه و به اشاره - از بحث هویت نوروز و تلاش برای بازشناسی و یا بازتعریف نوروز آن گونه که هم مبنایی برای حفظ منافع ملی و فرهنگی ایران و هم نشانی از بلنداندیشی و انسان‌دوستی و صلح‌جویی ایرانیان باشد، امری ضروری است که کم و بیش مورد توجه بوده است. آنچه درباره منشأ پیدایش و خاستگاه نوروز نوشته اند، به شرح زیر می‌تواند دسته‌بندی شود:

۱. نگاه نجومی و تقویمی: بنابراین نگاه نوروز به ضرورت قرار گرفتن در آغاز سال و به عنوان نخستین روز اعتدال بهاری جشن گرفته شده است و علت پیدایش و خاستگاه آن ضرورت‌های تقویمی و طبیعی است. این دیدگاه در میان منجمان قدیم شکل گرفته است (نک. خیام ۱۳۵۷: ۱۰) و تا به امروز کم و بیش مورد توجه بوده است و در اغلب پژوهش‌ها به پیوند نوروز با تقویم و انواع تقویم‌ها و بررسی جشن نوروز در بستر گاهشماری اشاره شده است (نک. آموزگار ۱۳۸۶: ۲۴۶-۲۴۹؛ راشد محصل ۱۳۹۴: ۷۷؛ هنری ۱۳۵۳: ۱ به بعد).

۲. نوروز جمشیدی: نوروز یادگار جمشید پادشاه اسطوره‌ای است. شخصیتی که در کهن‌ترین متن‌های هند و ایرانی نام و نشان او به ثبت رسیده است. این نگاه در متن‌های پهلوی و نیز آثار روزگار اسلامی پدیده غالب بوده است (نک. راشد محصل ۱۳۹۴: ۷۸؛ آموزگار ۱۳۸۶: ۲۵۱-۲۵۳). با این همه، در دوره اسلامی با درآمیختن شخصیت جم ایرانی و سلیمان سامی، گاه نوروز را به سلیمان نسبت داده‌اند و یا برای مشروعیت‌دادن بدان در فرهنگ شیعه، نوروز با حضرت علی (ع) پیوند خورده است و نیز سخنانی از دیگر ائمه در تأیید آن نقل گردیده است (نک. اذکایی ۱۳۵۳: ۲؛ هنری ۱۳۵۳: ۹).

۳. منشأ ایرانی بودن نوروز: بنا بر این دیدگاه، از آنجا که نوروز در متن‌های اوستایی جایگاهی ندارد و از آن یادی نشده است و فقط در متون دینی دوره میانه بدان اشاره رفته است، همچنین طبق پژوهش‌های باستان‌شناسی و زبان‌شناختی شواهدی در دست است که در سرزمین ایران پیش از ورود آریاها و نیز در بین‌النهرین و حتی غرب آسیا جشن‌هایی همانند نوروز در آغاز سال برگزار می‌شده است؛ ممکن است نوروز منشأ غیرایرانی داشته باشد و ایرانیان در هزاره اول ق.م که بر این سرزمین تسلط یافتند، آن را گرفته و با میراث خویش پیوند زده‌اند. چنان که اشاره شد، بهار (۱۳۷۶: ۴۹۵-۴۹۶) این بحث را مطرح کرد و در آثار بعدی خواه به تأیید و خواه به نقد و تفسیر آن مورد توجه قرار گرفت و پی‌گیری شد (نک. مزدایور ۱۳۹۱: ۸۶-۱۱۰؛ آموزگار ۱۳۸۶: ۲۵۳).

۴. نوروز ایرانی: بنابراین دیدگاه نوروز ریشه و منشأ ایرانی دارد و در فرهنگ، تاریخ و اساطیر ایرانی به مواردی برمی‌خوریم که بی‌گمان در پیدایش نوروز مؤثر بوده‌اند و آن را پدید آورده‌اند. این نگاه که نگاه غالب در میان پژوهشگران معاصر در ایران بوده است، بر شناسایی و تحلیل اساطیر و آیین‌های کهن ایرانی و ایجاد پیوند میان آنها و نوروز و آیین‌های جاری و رایج آن، تمرکز دارد. طبق این نظرگاه نوروز نماد فرسگرد، بزرگداشت آتش (راشد محصل ۱۳۹۴: ۷۷)، بزرگداشت شهادت (مزدایور ۱۳۹۱: ۱۰۹)، نماد اسطوره ستیز اهورا و اهریمن، پیوند یافته با ریثتین (آموزگار ۱۳۸۶: ۲۴۹-۲۵۰) و... تفسیر شده است و یا از همه مهم‌تر، در پیوند با گاهنبار ششم و بازگشت فروهرها و آیین‌های آن شکل گرفته است (نک. پور داود ۱۳۷۷: ۵۹۳).

## اسلام نوروز را در شمار احکام امضائیه درآورد که قدسیتی بدان بخشید

رقص مردان تایباد، گاهی به گونه‌ای ناپیش می‌ماند؛ عکس: سعید محمودی آرنالو.



در میان خاستگاه‌های مختلف ایرانی که برای نوروز یاد شده است، پیوند آن با گاهنبار ششم یکی از پرطرفدارترین دیدگاه‌ها است و کمتر کسی است که در پژوهش‌های خود بدان اشاره نکرده باشد.

### نوروز و گاهنبار ششم

در میان خاستگاه‌های مختلف ایرانی که برای نوروز یاد شده است، پیوند آن با گاهنبار ششم یکی از پرطرفدارترین دیدگاه‌ها است و کمتر کسی است که در پژوهش‌های خود بدان اشاره نکرده باشد. این نظر نتیجه بازخوانی متون کهن اوستا و پهلوی و آشنایی ایرانیان با مفهوم فروهر و گاهنباری‌های زرتشتی است. ابراهیم پور داود از پیشگامان این دیدگاه است و خطوطی که وی ترسیم کرد (۱۳۷۷: ۵۸۲-۶۰۲)، کم و بیش در آثار پژوهشگران بعدی تکرار شد (نک. رجبی ۱۳۷۵: ۹-۳۲؛ بهرامی ۱۳۸۶: ۵۰ و ۵۱؛ هنری ۱۳۵۳: ۱۰-۱۷؛ اورنگ ۱۳۵۱: ۳۰ به بعد؛ اذکایی ۱۳۵۳: ۵۰ و ۶؛ مزدایور ۱۳۸۹: ۷۴ و ۷۵). از اینرو در این بررسی برای پرهیز از تکرار، از بیان دوباره مفهوم گاهنبارها، به ویژه گاهنبار ششم و ابعاد مختلف آن در متون زرتشتی و نیز منابع فارسی و عربی می‌گذریم و با فرض آشنایی خواننده فرهیخته با این مفاهیم، بر پیوند نوروز و گاهنبار ششم تأکید می‌شود.

فروهر به عنوان یکی از مهم‌ترین اجزای تشکیل‌دهنده آدمی در کنار دوقوه و نیروی تن و روان (نک. آموزگار-تفضلی ۱۳۸۰: ۳۱-۳۳؛ قس. گزیده‌های زادسپرم ۱۳۶۶: ۴۲-۴۳)، صورت مینوی انسان در عالم بالاست که اهورا آفرید. فروهر آدمی آمدن به زمین و رنج پذیرش قالب گیتی را برگزید تا برای یاری خیر با شر و پلیدی بستیزد (نک. بهار ۱۳۷۶: ۷۴؛ مزدایور ۱۳۸۹: ۷۳). اگرچه متون موجود، به ویژه آنچه در پیوند با گاهنبار ششم پدید آمده است، بیشتر بر فروهر در گذشتگان تأکید دارد و در آنها موضوع بازگشت فروهر آنان مطرح شده است؛ ولی نیک می‌دانیم که فروهر بخشی از وجود آدمی است (نک. گزیده‌ها



زن خانواده لباس بچه‌ها و اهل خانه را برای نوروز آماده می‌کند؛ عکس: س. محمودی از ناو.

پیش از تولد، در حین زندگی و پس از مرگ، حضور داشته و تنها بخشی که بقا خواهد داشت و سرانجام کار به ذات اهورایی می‌پیوندد، فروهر آدمی است (نک. پور داود ۱۳۷۷: ۵۹۰-۵۹۲؛ مزدایور ۱۳۸۹: ۷۳).

چنان که می‌دانیم گاهنبار ششم جشن تکریم آفرینش انسان است. آنچه از آیین‌های فروردیگان در پیوند با مردگان و وظایف بازماندگان در برابر آنها است. با این حال، هر چه به پایان دوره یاد شده و آغاز سال نو نزدیک می‌شویم، آیین‌ها رنگ و بوی این جهان پیدا می‌کنند و بیشتر با زندگی و برکت و تندرستی پیوند می‌خورند.

چند سال پیش نگارنده توفیق یافت، پرونده موسوم به «جمعه آخر سال» را در گنجینه فرهنگ مردم صدا و سیما بررسی کند. پرونده‌ای که زنده‌یاد انجوی شیرازی در فاصله دو دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ از مطالب ارسالی مردم سراسر ایران تهیه و تدوین کرده بود. حاصل کار به نشر مقاله‌ای با عنوان «عید مردگان» در فصل‌نامه پازند (۱۳۸۹: ش ۲۰ و ۲۱، ص ۷-۲۳) انجامید. در آنجا گزارشی مفصل از محتوای آن پرونده ارائه شد.

در آن مقاله آیین‌ها و باورهای مربوط به عرفه مردگان و عرفه زندگان تفکیک و طبقه‌بندی گردید. بنا بر متن‌های بررسی شده، آنچه با زندگان پیوند داشت؛ بتدریج پس از برگزاری آیین‌های مردگان اجرا می‌شده است و یا حتی امروزه نیز اجرا می‌شود. برکت‌بخشی، تندرستی، به‌سامان کردن زندگی، با هم بودن و در کنار هم زیستن، امید به رحمت الهی، برآمدن آرزوها، رشد و رویش طبیعت و کشت و کار، میمنت و خوش‌یمنی، ازدیاد محصولات و دام‌ها، پایداری و سلامت کودکان، دفع بلا و بیماری، جلب محبت و ایجاد مودت در خانواده، بخت‌گشایی، حاجت‌خواهی، پیش‌بینی تقدیر و سرنوشت، شادی و خوشبختی و... از مهم‌ترین درونمایه‌های باورها و آیین‌های عرفه زندگان بودند که از مطالب مختلف فراهم شده می‌شود استخراج کرد (نک. دالوند ۱۳۸۹: ۲۲-۲۶).

آن گونه که از فهرست بالا برمی‌آید، همه این مفاهیم در پیوند با انسان و زندگی اوست. همچنین نشان می‌دهد که عرفه در فرهنگ ایرانی اسلامی به عنوان با زمان فروردیگان زرتشتی و گاهنبار ششم دو وجه دارد: وجه مردگان و وجه زندگان. این واقعیت همخوانی شگفتی با مفهوم فروهر در دو وجه فروهر زندگان و مردگان می‌تواند داشته باشد. حال اگر بپذیریم که گاهنبار ششم جشن تکریم انسان است، این تکریم که در قالب بزرگداشت فروهرها نمود یافته است، در دو مجموعه یا جشن بزرگ فرهنگ ایرانی تحقق یافته است: نخست در فروردیگان و عرفه و جمعه آخر سال برای مردگان و دیگری در نوروز که اختصاص به زندگان دارد. گویا با گسترش نوروز و آیین‌های آن، بتدریج این دو وجه یک حقیقت یعنی تکریم انسان و بزرگداشت آفرینش او، به ظاهر فاصله پیدا کردند و به دو کنش اجتماعی مستقل تبدیل شدند.

آنچه چنین نگاهی را تقویت می‌کند، تحلیل باورها و آیین‌های نوروزی است. در جشنواره نوروز یعنی مجموعه‌ای از باورها و آیین‌های مختلف که در یک بازه زمانی معین برگزار می‌شوند، فهرست درونمایه‌های بالا تکرار می‌شود: برکت‌بخشی، دوستی، تندرستی، باهم بودن بودن، برآوردن آرزو، تقدیر و پیش‌بینی سرنوشت، و... شادی و... همه و همه در پس باورها و آیین‌های نوروزی دیده می‌شوند. همه مفاهیم نوروزی مفاهیم انسانی و در پیوند با زندگی انسان هستند. از اینروست که نوروز را می‌توان تکریم انسان دانست یعنی وجه دیگر گاهنبار ششم و جشن فروهرها.

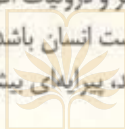
حال اگر بپذیریم که گاهنبار ششم جشن تکریم انسان است، این تکریم که در قالب بزرگداشت فروهرها نمود یافته است، در دو مجموعه یا جشن بزرگ فرهنگ ایرانی تحقق یافته است: نخست در فروردیگان و عرفه و جمعه آخر سال برای مردگان و دیگری در نوروز که اختصاص به زندگان دارد.

آنچه در اینجا اشاره می‌شود، توجه به درونمایه آیین‌ها و باورهای نوروزی است و این که آنها جزئی از یک کل بزرگتر هستند. کلیتی که هدف غایی آن بزرگداشت و کرامت انسان است.

### جمع‌بندی موضوع

نوروز در حقیقت گسترشی از وجه دوم گاهنبار ششم است. هر چند کم و بیش پیوند نوروز و گاهنبار ششم بارها مورد توجه قرار گرفته است ولی آنچه در اینجا اشاره می‌شود، توجه به درونمایه آیین‌ها و باورهای نوروزی است و این که آنها جزئی از یک کل بزرگتر هستند. کلیتی که هدف غایی آن بزرگداشت و کرامت انسان است.

این رویکرد می‌تواند چهارچوبی مطمئن برای توجیه و تفسیر همه باورها و آیین‌های نوروزی باشد. شاخصی دقیق برای ارزیابی سهم ایرانیت در نوروز و بازشناسی و جداسازی آن از آیین‌ها و باورهای همانند، حتی پیش از آریاها و یا رایج در حوزه‌های تمدنی همسایه؛ چرا که نوروز و آیین‌های آن تجلی باوری ژرف و دیرینه هستند که تنها در اسطوره‌ها و جهان‌بینی ایرانی قابل رهگیری اند. ممکن است در میان آیین‌ها و جشن‌های دیگر ملل، حتی بیرون از حوزه تمدن ایرانی به کنش‌های اجتماعی فرهنگی همانند با نوروز برخوردیم ولی آنچه نوروز ایرانی و ایرانیت نوروز در قلمرو تمدن ایرانی را از پای دیوار چین تا کرانه‌های دریای مدیترانه بازمی‌شناساند و همواره به نام ایران ثبت می‌کند، اندیشه کرامت انسانی است که در پشت آن نهفته است. چنین نشانه‌ای را باید به مثابه امضای شاهکاری هنری دانست که مهم نیست در کدام موزه باشد و در کجا به نمایش درمی‌آید، هر کجا که باشد تجلی گاه هنر و درونیات آفریننده آن است. نوروز ایرانی و آیین‌های آن اگر در پیوند در کرامت و بزرگداشت انسان باشد، ایرانی است حتی اگر در میان ترکان و تازیان رایج باشد و اگر جز این باشد، پیرایه‌ای بیش نیست حتی اگر ایرانیان در اجرائش متعصبانه بکوشند.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

### منابع

- آموزگار، ژاله (۱۳۸۶)، *زبان فرهنگ اسطوره*، تهران: معین.
- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی (۱۳۸۰)، *اسطوره زندگی زردشت*، تهران: چشمه.
- اورنگ، مراد (۱۳۵۱)، *جشن نوروز جشن آفرینش آدمیان*، تهران: بی‌تا.
- اذکایی، پرویز (۱۳۵۳)، *نوروز تاریخچه و مرجع‌شناسی*، تهران: مرکز مردم‌شناسی ایران.
- بهار، مهرداد (۱۳۷۶)، *پژوهشی در اساطیر ایران*، ویراسته کتابون مزداپور، تهران: آگه.
- بهرامی، عسکر (۱۳۸۶)، *جشن‌های ایرانیان*، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- پور داود، ابراهیم (۱۳۷۷)، *یشت‌ها، ج ۱*، تهران: اساطیر.
- خیام نیشابوری، عمر بن ابراهیم (۱۳۵۷)، *نوروزنامه*، بکوشش علی حسوری، تهران: طهوری.
- دالوند، حمیدرضا (۱۳۸۹)، «*عید مردگان با زمان‌های فروردیگان در میان مردم*»، فصل‌نامه پازند، سال ۶، ش ۲۰ و ۲۱، ص ۷-۳۳.
- راشد محصل، محمدتقی (۱۳۹۴)، *فروردگ*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رجبی، پرویز (۱۳۷۵)، *جشن‌های ایرانی*، تهران: فرزین.
- گزیده‌های زادسپرم (۱۳۶۶)، ترجمه محمدتقی راشد محصل، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مزداپور، کتابون (۱۳۸۹)، *نوروز رودها و شکوه روشن مرگ*، فصل‌نامه پازند، سال ۶، ش ۲۰ و ۲۱، ص ۷۳-۸۳.
- مزداپور، کتابون (۱۳۹۱)، *چند سخن، بکوشش ویدا نداف*، تهران: فروهر.
- هنری، مرتضی (۱۳۵۳)، *آیین‌های نوروزی*، تهران: مرکز مردم‌شناسی ایران.

## آیین‌ها در گستره فرهنگ نوروز

دکتر بهرام امیراحمدیان\*

### مقدمه:

نوروز آیینی است کهن و ماندگار با تاریخی شکوهمند که در گستره جغرافیایی جهان ایرانی، از شبه‌قاره هند و افغانستان در شرق تا بین‌النهرین در غرب و از سین کیانگ و آسیای مرکزی در شمال شرق تا دامنه‌های شمالی قفقاز بزرگ در شمال و آسیای صغیر در شمال غربی را شامل می‌شود که دور تا دور ایران‌زمین را به عنوان خاستگاه تمدن ایرانی در بر می‌گیرد. این آیین کهن با جشن‌ها و آیین‌های ارزشمند علاوه بر ایران زمین در همه جمهوری‌های آسیای مرکزی و استان سین کیانگ در غرب چین با شکوه تمام برگزار می‌شود. اوغورها، ترکمن‌ها، ازبک‌ها، قره‌قالپاق‌ها، قزاق‌ها و قرقیزها، آذری‌ها، ترک‌های شمال قفقاز از جمله ترک‌های دربند در داغستان، افغان‌ها، تاجیک‌ها و کردهای ترکیه، عراق و سوریه و تات‌ها و تالش‌ها و بلوچ‌های آسیای مرکزی و قفقاز، و ترک‌های آناتولی همه در باور به این آیین شکوهمند در برگزاری آن با هم سهیم‌اند و از مراسم «میر نوروزی»، تا سبز کردن گندم در تمامی این گستره عظیم تا پختن سمنو در جای جای این قلمرو در پیشباز به نوروز باستانی و عید نوزایی طبیعت و دگرگونی جان و تن و نبات و جماد به هم می‌پیوندند و تازه می‌گردند. این ویژگی‌های رحمانی و الهی و فرهنگی و خدایی، راز ماندگاری این سنت از پیش از اسلام تا همین امروز و سال‌ها و دهه‌ها و سده‌های آینده است که آیین‌ها، سنت‌ها، باورها و جشن‌های آن سرشار از معنویت و نوع‌دوستی و شکران نعمات الهی و دوستی و مهربانی و احترام به هم‌نوع و زدودن کدورت‌ها و پاک و تازه گردانیدن دل‌ها و الهی شدن قلب‌هاست.

نوروز از معدود آیین‌هایی است که در آن رابطه انسان و طبیعت و پاسداری از محیط زیست متجلی می‌شود. آیین‌های نوروزی آن چنان در دل مردم نشاط می‌آفریند که از گذشته دور تا کنون نه تنها از بین نرفته بلکه بر شکوه آن افزوده شده است. کمتر آیینی را می‌توان یافت که ضمن برخورداری از جنبه‌های مردمی توانسته باشد بر روح و جان مردم ریشه دواند. آیینی است که هم ویژگی‌های مردمی و انسانی در آن وجود دارد و هم آیین دینی و مذهبی است.

آیین نوروز، سیاست‌گذاری به درگاه یزدان پیاس نعماتی است که در اختیار انسان گذاشته شده است. با نگاهی به آیین‌های نوروز از جمله چهارشنبه آخر سال، سفره هفت‌سین،

در بندی از وندیداد آمده  
است: «کسی که گندم  
می‌کارد راستی می‌افشاند...».

مراسم تحویل سال، دید و بازدیدهای نوروزی، اهدای عیدیانه، و مراسم سیزده بدر، همه به نحوی با روابط انسان و طبیعت و روابط بین انسان‌ها گره خورده است. در مراسم نوروز سبز کردن گندم در یک بشقاب رسم معمول است که در تمام کشورهایی که در حوزه نوروز قرار دارند بدون هیچ‌گونه تفاوتی انجام می‌گیرد. سبزی گندم نشانه احترام به طبیعت و رستنی است. از طرفی گویای این واقعیت است که برای پاسداری از نعمات الهی باید آن را عزیز داشت.

در بندی از وندیداد آمده است: «کسی که گندم می‌کارد راستی می‌افشاند...». قلمرو حوزه نوروز در ناحیه کم آب کره زمین واقع شده است. در اینجا آب ارزش بسیار دارد. در آثار تمام شاعران و هنرمندان و نقاشان آب عنصر اساسی است. همین‌طور در کنار آب رستنی و گیاهان به ویژه باغ عنصری نمادین است. به همین سبب در آیین نوروزی در سفره هفت‌سین سبزی یا گندم سبز شده عنصر اساسی و نمادی از حیات دوباره طبیعت است. سمی که یکی از عناصر اصلی سفره هفت‌سین است، از جوانه گندم تهیه می‌شود و برای حفظ جوانی، سلامتی و رفع افسردگی بسیار مفید بوده و ضد پیری است. بنا بر آنچه گفته شد در این حوزه گندم و در نهایت نان دارای ارزش مادی و معنوی بسیار است. تکه نان را کسی زیر پا نمی‌گذارد. نان کسی را نمی‌زنند و به گرسنه نان می‌دهند و هزاران پند و امثال و حکم در باره نان گفته شده است. بی‌جهت نیست که گندم

دکتران آذربایجان؛ عکس: آرشیو پرونده نوروز.



عید نوروز که برای  
بدخشانیان عید ملی اجدادی  
است به عنوان رمز دوستی و  
زنده شدن کل موجودات به  
شمار می‌رود.

در بعضی از مناطق نوروز را در  
نیمه دوم ماه فوریه یا همزمان  
با مراسم «جفت براران»  
(یعنی برآوردن ورز گاوان گاو  
نر) برای شدگار (شخم زدن)  
جشن می‌گیرند.

سبز زینت بخش سفره هفت‌سین است. هم نعمت و هم سبزی است.  
در آثار تمام شاعران حوزه نوروز به نحوی به عید نوروز و رسم‌های آن اشاره رفته  
است. فردوسی، ناصر خسرو، حکیم عمر خیام، سعدی، حافظ، نظامی، منوچهری، و بسیاری  
دیگر در وصف بهار و نوروز سخن گفته‌اند.

در کتیبه‌های داریوش گفته شده است که اهورمزدا این سرزمین را از خشکسالی و  
دروغ در امان نگهدارد. زحماتی که دهقان برای رویاندن گندم می‌کشد در این گفته زرتشت  
نهفته است: «هر کسی که گندم می‌کارد راستی می‌افشاند»، نهفته است.

اکنون که دو دهه از فروپاشی اتحاد شوروی می‌گذرد، در زمینه مسائل سیاسی و  
اقتصادی در قفقاز و آسیای مرکزی که از گذشته‌های دور در حوزه تمدن ایرانی قرار  
داشته‌اند؛ می‌توان با تکیه بر عناصر فرهنگی و آیین‌ها و مراسمی که به نحوی بر شالوده  
فرهنگ ایرانی استوار است، نسبت به تقویت حضور فرهنگی ایران در این گستره اقدام  
کرد. برای نمونه می‌توان از شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی نام برد که در تمام قفقاز و  
آسیای مرکزی و افغانستان با آن آشنایند و آن را می‌خوانند، چه به فارسی و چه ترجمه‌های  
آن به زبان‌های گوناگون.

در این بخش با استفاده از منابع منتشر شده شامل کتاب، مقاله، و تارنماها، مطالبی  
در باره نوروز فراهم آمده است که در هر مورد منابع مورد استفاده نشان داده شده است.  
تعدادی از مقالات نوشته مؤلف است که بدان‌ها اشاره رفته است. در آغاز درباره نوروز،  
چارشنبه‌سوری، سفره هفت‌سین و اهمیت هر یک سخن به میان رفته و سپس نوروز در  
میان اقوام ایرانی آورده شده است. علاوه بر آن نوروز در جمهوری‌های قفقاز و آسیای  
مرکزی به عنوان قلمروهای ایران فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است. ایران‌پناه و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران  
در پایان این بخش جمع‌بندی ظرفیت‌های نوروز برای دیپلماسی فرهنگی آورده شده  
است. در این مبحث نوروز در قلمروهای خارج از ایران مورد بحث قرار می‌گیرد، چه آنکه  
نوروز در ایران که خاستگاه و زادگاه اصلی آن است، از بحث ما بیرون است و ما در نظر  
داریم نوروز را در خارج از قلمرو ایران و در جهان ایرانی بررسی کنیم.

### نوروز در قلمروهای ایرانی تباران

نوروز بیرون از جغرافیای ایران کنونی که گستره و زادگاه و خاستگاه مادری آن است، در  
بین همه اقوام ایرانی که آن را با شکوه تمام جشن می‌گیرند و در کنار دیگر عناصر اصلی  
و اساسی هویت ایرانی از جمله زبان فارسی، مذهب شیعه، خوراک و پوشاک ملی، زبان و  
ادبیات، موسیقی، هنر و معماری و عناصر دیگر فرهنگ ایرانی به بخش بزرگی از هویت  
ایرانی تبدیل شده است، در دیگر قلمروهای ایران فرهنگی از جمله تاجیکستان، و در میان  
تاجیکان ازبکستان در سمرقند و بخارا و خوارزم، تشکیل دهنده و عنصر اصلی هویت آنان  
است. بنا به نوشته اصل بیگم منظر شاه آوا، از اندیشمندان تاجیکی برای نیاکان تاجیک  
نوروز معنای پیروزمندی عدالت و آغاز زندگی جدید را داشت. آن‌ها اول بهار را که ایام  
برابری شب و روز و هنگام احیای طبیعت و موسم کشت و کار بود جشن می‌گرفتند. از  
نظر آن‌ها جشن نوروز نسبت به دیگر جشن‌ها اعتبار بیش‌تری داشت. مسلم است که نوروز  
یکی از جشن‌های ایرانیان بوده و رسم و سنت‌های خوبی را تجسم می‌کند. در بدخشان  
هم عید نوروز را به شکل گسترده‌ای برگزار می‌کنند. عید نوروز که برای بدخشانیان عید  
ملی اجدادی است به عنوان رمز دوستی و زنده شدن کل موجودات به شمار می‌رود و

## نیایش نوروزی که کوچندگان تاجیک می خوانند:

فاتح کار فاتح کار مبارک شگون بهار  
سال نو، ماه نو، روز نو، ساعت نو، کار نو،  
عمر نومبارک  
یک دانه هزار دانه هزار دانه بی شمار  
عمر دراز، بنیاد سبز مبارک باد  
هر بلا، هر قضا که از پیش آید  
دفع کن پروردگار  
از کل پریشان در امان  
کارهای گندگی بماند و کارهای خوب  
برآید  
از یک دانه هزار دانه، از هزار بی شمار  
الله اکبر

به اسم «خیدیر ایام» یا عید بزرگ معروف است. معمولاً بدخشانیان به ویژه در محلات «روشان» و «شغن» عید را «ایام» می خوانند و برای هریک از آن ها سنت های خاصی دارند، از جمله این که در بعضی از مناطق نوروز را در نیمه دوم ماه فوریه یا همزمان با مراسم «جفت براران» (یعنی برآوردن ورزگاو و گاو نر) برای شدگار (شخم زدن) جشن می گیرند. اما معمولاً جشن عید نوروز هنگام برابری شب و روز به وقوع می پیوندد. چنان که از پیشینیان میراث مانده است هر خانواده چند روز قبل از نوروز برای برگزاری عید آماده می شود. خانه را پاک کرده، تمام ظرف های خانه را تمیز می کند تا گردی از سال پیشین باقی نماند. روز نوزدهم را خلیفه ده (خادم مذهبی) معین نموده به همه مردم اعلام می دارد. برابر رسم، دو روز قبل از نوروز کدبانوی خانه وقتی که خورشید به اندازه یک قد نیزه بالا آمد دو جارو را بسته آن را جایی راست می گذارد. می گویند که این جارو از جاروهای معمولی نیست رنگش سرخ است و آن را در فصل پاییز از کوه و پشته برای نوروز جمع کرده و تا جشن نوروز نگاه می دارند. این به آن خاطر است که رنگ سرخ برای بدخشانیان رمز نیکی و پیروزی است و جارو را هم در سر چوبی که ارتفاع آن به اندازه یک نیزه است با پارچه سرخ می بندند. کودکان، جوانان و کهنسالان با بی قراری منتظر فرا رسیدن نوروز هستند. با دمیدن صبح کاذب همه از خواب بلند می شوند که این نیز رمز خاصی دارد. یعنی تا پایان سال جسم و روح انسان پاک، سالم و نیرومند خواهند ماند.<sup>۱</sup>

تاجیکان چین، نوروز را روز «شگون» نیز می نامند. پیش از رسیدن روز شگون، نخست خانه تکانی می کنند و بر دیوارها نقاشی های نمادین و نشانه های خوشبختی می کشند که معنای آنها، شکوفایی و از نو زاده شدن جهان هستی، انسان، حیوان و گیاه است. در بامداد نوروز، بر پایه یک سنت بسیار کهن، گاوی را به درون خانه یا چادر کوچروی می کشند، آن را به دور اتاق می گردانند و سپس کمی آرد گندم را به نشانه خیر و برکت به روی گاو می پاشند. آنگاه کمی نان به گاو می دهند و آن را از خانه بیرون می برند. پس از آن، کلان سال ترین دهگان یا کدخدای ده بیرون می آید و در میان خانواده ها که یک جا، گرد آمده اند، نخست نیایش نوروزی می خواند و سپس نوروز را به همه خانواده ها شادباش گفته، سالی خوش و پر برکت را برای مردم آرزو می کند.

نیایش نوروزی که کوچندگان تاجیک می خوانند این گونه است و لازم به یاد آوری است که از این نیایش روایات چندی موجود است که با هم تفاوت هایی اندک دارند:

فاتح کار فاتح کار مبارک شگون بهار

سال نو، ماه نو، روز نو، ساعت نو، کار نو، عمر نو مبارک

یک دانه هزار دانه هزار دانه بی شمار

عمر دراز، بنیاد سبز مبارک باد

هر بلا، هر قضا که از پیش آید

دفع کن پروردگار

از کل پریشان در امان

کارهای گندگی بماند و کارهای خوب برآید

از یک دانه هزار دانه، از هزار بی شمار الله اکبر

سپس دید و بازدیدهای نوروزی آغاز می شود و خانواده ها به دیدار یکدیگر می روند و نوروز را شادباش می گویند. تاجیکان به جای هفت سین «هفتی» می گویند و نوروز در میان اینان بر شگون عدد هفت استوار است. هنگام آمدن مهمانان نوروزی اگر تعدادشان

۱. اصل بیگم منظر شاه اول.

زیاد باشد، هر هفت نفر، هفت نفر، در یک جا می‌نشینند، نان را که مقدس‌ترین خوراک آنان به شمار می‌رود، هفت تکه کرده بر خوان نوروزی می‌نهند و هفت تکه نان سرخ کرده را از خانه بیرون می‌اندازند.

در نیایش نوروزی حتماً نام هفت تن از نیکان را می‌برند و بر خوان نوروزی، هفت ظرف یا سینی که در آنها انواع خوراکیها، گوشت، شیرینی و میوه چیده شده است، می‌نهند و بر پایه کهن ترین سنت نوروزی، هفت چین می‌گذارند نه هفت سین! به هنگام رسیدن میهمان، بانوی خانه در کنار می‌ایستد و کمی آرد گندم را به روی شانه مهمان می‌ریزد که به معنای آرزوی سالی خوش و پر برکت است.

روز سوم نوروز، مراسمی ویژه برگزار می‌گردد که همانند چهارشنبه‌سوری است. در این روز به هنگام فروختن خورشید، هر خانواده به تعداد اعضای خود مشعل آماده می‌کند و هنگام آغاز مراسم، همه افراد خانواده گرد هم می‌آیند و نام هر فرد خانواده را می‌خوانند. هر کس که نامش خوانده می‌شود بر می‌خیزد و یکی از مشعل‌ها را به نام خود روشن می‌کند و شامگاهان مشعل‌های روشن را بر پایه‌های چوبی بلند قرار می‌دهند و بر بام خانه می‌گذارند و سپس در حیاط یا فضایی باز، آتش می‌افروزند و ضمن پریدن از روی آتش در زیر پرتو مشعل‌ها و در کنار آتش تا بامداد دست‌افشانی و پای کوبی می‌کنند و شام را به بام می‌رسانند و چنان که در باورهای آیینی کهن آمده است، در نوروز «فروهر» رفتگان از آسمان‌ها به زمین می‌آیند تا هنگام فرا رسیدن سال نو در کنار خانواده و فرزندان خود باشند و به همین دلیل در روزگاران گذشته، بر فراز خانه‌ها مشعل یا آتش می‌افروختند تا فروهران را نیک آید. در وادی فرغانه که بنا به نوشته حدود العالم من المشرق الى المغرب (قرن چهارم هجری) «در ترکستان است» و موزائیکی است از اقوام، نوروز پرفروز را تاجیکان، ازبکان، ترک‌ها، قرقیزها و اوغورها با هم جشن می‌گیرند. زیرا آنها خلق‌هایی‌اند که در طول چند عصر هم‌زیستی و از فیض دوستی و برادری با هم قرین گشته‌اند.

ساکنان موضع «سوخ» نوروز عجم را «عید سرسال» نام می‌برند. آنها به مثل اکثر مردم ایرانی‌نژاد هفته پیش از آغاز نوروز آمادگی می‌گیرند. مردان بام و دیوارها را ترمیم کرده، زنها در نوبت اول آتشدان (اجاق) را با گل سرخ، اندوده می‌کنند. چونکه آتشدان تمثال زندگی است. کدبانوان بالین و بستر، لباس و پلاس را بیرون برآورده، آفتاب می‌دهند. خانه را تازه و تمیز می‌کنند. مردها با همیاری یکدیگر جویبارهای دیه را ترمیم می‌سازند. سوخیان، سومنک (سمنو) را «بی‌بی سومنک» می‌گویند و زن‌ها با پای طهارت به طبق پرگندم، که رویش با پارچه پوشیده شده است، نزدیک می‌شوند و تا نیش زدن آن، هر روز یک پنجه آب می‌پاشند.

قاسم مولوداوا می‌نویسد در بخارا آن سرزمین شریف و ایرانی، واقع در ازبکستان کنونی و سرزمینی پارسی‌زبان و ایرانی‌تبار، در فاصله سه کیلومتری شهرک «کاگان» استان بخارا، روستایی به نام «زیرآباد» واقع شده است. مردم این روستا را «ایرانیان» و یا به تعبیری دیگر «فارس‌ها» یا «فارسیان» می‌خوانند. مردم این روستا رسوم فراوانی دارند که از سرزمین آبا و اجدادی‌شان به این دیار کشانده‌اند. یکی از این مراسم «جشن نوروز» است که جایگاه ویژه‌ای در بین مردم دهستان دارد.

ایرانیان بخارا و ایرانی‌تباران «زیرآباد» گرامی داشت سال نو را به زمان خلافت حضرت علی<sup>(ع)</sup> نسبت می‌دهند. نقل است: آن روز که حضرت محمد<sup>(ص)</sup> تاج و تخت خلافت را به داماد خود حضرت علی شیر خدا می‌سپارند، دوستان و پیروان امام علی<sup>(ع)</sup> بی‌نهایت

اما آیین دیگر نوروزی که همزمان صورت می‌گیرد آوردن غذاهای جشنی به خانه‌های همدیگر است که در سغد با نام «آش عوض کنان» معروف است. چون حالا در تاجیکستان غذای معروف سنتی تاجیکان پلو است، بیشتر ساکنان سغد در شب نوروز به خانه‌های همدیگر از همین نوع غذا می‌فرستند.

شادمان می‌شوند و با خرسندی جشن می‌گیرند و هم آن روز را نوروز می‌خوانند. مردم «زیرآباد»، به ویژه زنان و کودکان، دو سه ماه مانده به جشن نوروز، آمادگی خود را برای برگزاری جشن تدارک می‌بینند. والدین به مناسبت عید برای فرزندان و اهل خانواده، لباس‌های نو می‌دوزند و یا می‌خرند.

مردم ده اعتقاد دارند که باید در روز عید لباس نو بپوشند. افراد فقیر نیز که توانایی خرید لباس نو را ندارند با دوختن یک پارچه نو بر روی لباس کهنه به استقبال جشن نوروز می‌روند. خرید لباس نو و پوشیدن آن، یکی از برنامه‌های گوناگون عید نوروز است و آن را «عید لباس‌پوشی» می‌خوانند.

به مناسبت نوروز، ۴۰ تا ۸۰ نوع شیرینی و غذاهای نوروزی تهیه می‌شود. خانم‌ها، یک هفته پیش از فرا رسیدن عید نوروز، در بشقاب‌هایی گندم را سبز می‌کنند و خانه و ایوان‌ها را ترمیم و تمیز می‌کنند. تازه عروس‌ها به آرایش و تزیین می‌پردازند و موهای‌شان را می‌بافند که در اصطلاح محلی به آن «میده‌بافی» می‌گویند.

در آستانه عید، دامادها به نامزدهای‌شان به مناسبت عید نوروز تبریک می‌گویند و برای آن‌ها هدایای عیدی می‌فرستند. صبح نوروز، هر یک از افراد خانواده، با فرارسیدن بهار نازنین، به همدیگر مبارک‌باد می‌گویند و آرزو می‌کنند ارزانی و امانی (امنیت) برقرار شود، فیض و برکت افزایش یابد، خانواده‌ها آباد و افراد خانواده شاد و خرم باشند، گرانی و سختی، رنج و محنت و مرارت و غم و درد از سر مردم دور گردد.<sup>۲</sup>

بنا نوشته پروانه فیروز از خجند (شمال تاجیکستان) جشن نوروز در استان سغد، روز ۸ مارس آغاز می‌شود که این عتونه شبیه مناطق دیگر تاجیکستان نیست.

نخستین سنتی که به این جشن در این منطقه آغاز می‌بخشد، آیین نوروزی با نام «سر سال» یا جشن فرا رسی بهار محسوب می‌شود. در این روز، بخشی از قطعه زمین کشت انتخاب می‌شود تا پیرمردی با بزم ساز و موسیقی به زمین دانه امید بپاشد و همگی دست دعا بردارند.

این آیین به باور مردم حاصل کشت را در سال نو فراوان می‌کند. در مناطق کوهستان از این جشن با نام «جفت پراران» یاد می‌کنند.

در روزهای اول مارس کدبانوها دانه‌های گندم را برای درست کردن سبزه در ظرف‌ها می‌گذارند تا اینکه تا جشن دوم و بزرگ‌تر نوروز در ۲۱ مارس این گندم نیش بزند و سبز شود. زیرا جشن نوروز تاجیکان بدون سبزه گندم که در تهیه سمنو از آن استفاده می‌شود، صورت نمی‌گیرد. روز ۲۱ مارس روزی که کلیه مردم تاجیکستان فرارسی سال نو خورشیدی را جشن می‌گیرند، ساکنان این کشور برای بار دوم از نوروز تجلیل به عمل می‌آورند.

سغدی‌ها نیز به مثل ساکنان مناطق مختلف تاجیکستان معتقدند که نوروز را حتماً باید با لباس نو استقبال کرد، در این صورت به باور مردم، تمام سال صفا و نور و ضیا زندگی آنها را لبریز خواهد گردانید. در آستانه فرارسی نوروز آنها به منازل همدیگر می‌آیند و به دوستان و پیوندان هدیه‌ها می‌دهند.

اما آیین دیگر نوروزی که همزمان صورت می‌گیرد آوردن غذاهای جشنی به خانه‌های همدیگر است که در سغد با نام «آش عوض کنان» معروف است. چون حالا در تاجیکستان غذای معروف سنتی تاجیکان پلو است، بیشتر ساکنان سغد در شب نوروز به خانه‌های همدیگر از همین نوع غذا می‌فرستند. بیشتر مراسم نوروزی ساکنان شمال کشور عمدتاً در

۲. قاسم مولود آوا، نوروز در بخارا

در روزهای اول سال همه  
دشت‌های بلخ و دیوار و  
پشت بام‌های گلی آن پر از  
گل سرخ می‌شود گویی بلخ  
سبیدی از گل سرخ است یا به  
عبارتی مانند اجاق بزرگی که  
در آن لاله می‌سوزد. این گل  
فقط در بلخ به وفور و کثرت  
می‌روید و از این رو جشن  
نوروز و جشن گل سرخ هر دو  
به یک معنی به کار می‌رود.

میدان‌های فراخ و باغ‌های سرسبز و گلپوش برگزار می‌شود.

صبح روز جشن نوروز آنها «خوان نوروزی» را با هفت سین و یا هفت شین می‌آریند و همان صبح صدای غلغله دار کرنای‌ها آنها را به جشنگاه دعوت می‌کنند. دوشیزه‌ای با لباس سفید یا سبز که سمبول پاکی و بهار است، در جمع مردم در جشنگاه از آمدن بهار و رسیدن نوروز خبر می‌دهد. در جریان بزمهای رقص و ترانه خوانی، سیر باغ و گلگشت‌ها، در ایام نوروز چند مراسم خاصی هست که نیز در فرهنگ اجدادی به میراث مانده است.

سمنویزی، مسابقات ورزشی سنتی و بازیهای مختلف با کبک و خروس و اسبدوانی و چوگان‌بازی از ویژگی‌های جشن نوروز در سراسر تاجیکستان است که در استان سغد نیز همه ساله با شکوه خاصی در میدان‌های نوروزی صورت می‌گیرد. باید گفت که در نوروز هدیه‌ها و پیشکش‌هایی که برای غالبان مسابقات آماده می‌شود به طور غیر معمولی گران‌بها هستند و این امر ذوق مردم را برای شرکت در این بازی‌ها بیش از پیش می‌افزاید.<sup>۳</sup> اما در افغانستان آن سرزمین آریایی و ایرانی‌تبار و جهان ایرانی، از هزاران سال پیش، روز اول سال و آغاز بهار را با برگزاری مراسم ویژه و توأم با سرور و شادمانی جشن می‌گرفتند و سرور و شادمانی در این روز را به فال نیک گرفته و به برکت فیوضات آن، سالی را که پیش رو داشتند، نیک بخت می‌پنداشتند.

بنا به نوشته عبدالحکیم صافی<sup>۴</sup>، در افغانستان از روزگاران قدیم تاکنون ساکنان این سرزمین باستانی و ساکنان سرزمین آریانا (ایران، افغانستان و تاجیکستان)، قدرشناسی و بزرگداشت از نوروز تاریخی را فراموش نکرده و در هر عصر و زمانی از آن قدردانی و تجلیل می‌کنند.<sup>۵</sup>

سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

جشن نوروز در بسیاری از نقاط افغانستان، با شکوهمندی خاصی برگزار می‌شود، در مزارشریف، در زیارتگاه منسوب به حضرت علی<sup>(ع)</sup>، جشن بزرگی به نام میله‌های گل سرخ برگزار می‌شود و همه ساله، هزاران نفر از زائران آن زیارتگاه و علاقه‌مندان نوروز از نواحی مختلف کشور، حتی از کشورهای ایران و تاجیکستان و دیگر کشورهای آسیای میانه به شهر مزارشریف می‌روند و این جشن ملی و پارینه را با شکوهمندی هرچه بیشتر برگزار می‌کنند. در شهر کابل (پایتخت) نیز، «میله‌های نوروزی» در محلاتی به نام خواجه صفا، شاه شهید، دامنه سخی، کاریز میر، تپه زیبای استالف، و گلغندی چاریکار برگزار می‌شود. در هرات نیز، مردم به این مناسبت، روزهای اول سال و چهارشنبه اول سال و نیز در سیزدهمین روز از نوروز، در تفریحگاه‌های داخل و خارج شهر گرد هم می‌آیند و جشن نوروز را گرامی می‌دارند.

از جمله سنت‌های جشن‌های نوروزی و آغاز سال نو، راهاندازی میله سمنک (سمنو) در شب اول نوروز، همراه با سرور و شادمانی و همچنین تهیه و توزیع آب هفت میوه است.<sup>۶</sup> تهیه هفت سین نیز در برخی نقاط افغانستان متداول است.

عبدالحکیم میثاق می‌نویسد که نوروز در افغانستان یا به عبارتی در بلخ و مرکز آن، مزار شریف، هنوز به همان فر و شکوه پیشین برگزار می‌شود. در روزهای اول سال همه دشت‌های بلخ و دیوار و پشت بام‌های گلی آن پر از گل سرخ می‌شود گویی بلخ سبیدی از گل سرخ است یا به عبارتی مانند اجاق بزرگی که در آن لاله می‌سوزد. این گل فقط در بلخ به وفور و کثرت می‌روید و از این رو جشن نوروز و جشن گل سرخ هر دو به یک معنی به کار می‌رود. در اولین روز عید نوروز علم امام علی<sup>(ع)</sup> با مراسم خاص و با شکوهی در صبح

۳. پروانه فیروز، نوروز در سغد

۴. پژوهشگر افغان

۵. عبدالحکیم صافی پژوهشگر افغان.

۶. هفت نوع آجیل که در افغانستان به نام میوه خشک معروف است.

آن روز برافراشته می‌شود. با افراشته شدن آن جشن نوروز نیز رسماً آغاز می‌شود و تا چهل شبانه‌روز ادامه می‌یابد و در این چهل شبانه‌روز حاجت‌مندان و بیماران برای شفا در پای این علم مقدس به چله می‌نشینند. گفته شده بسیاری از بیماران لاعلاج در زیر همین علم شفا یافته‌اند. مردم این سرزمین بر این باورند که اگر علم به آرامی و بدون لرزش و توقف از زمین بلند و برافراشته شود سالی که در پیش است نیکو و میمون است. از آیین و رسم نوروزی در سرزمین بلخ می‌توان به شستشوی فرش‌های خانه و زدودن گرد و غبار پیش از آمدن نوروز و انجام مسابقات مختلف از قبیل بزکشی، شتر جنگی، شترسواری، قوچ جنگی و کشتی خاص این منطقه اشاره کرد. گفته می‌شود که ترانه معروف «بیا بریم به مزار ملامدجان» در ارتباط با نوروز است.

در قلمرو عثمانی یا ترکیه امروز، عید نوروز را به عنوان یکی از معدود ایام جشن می‌گرفتند. در این روز حکیم باشی معجون مخصوصی که (نوروزیه) نامیده می‌شد جهت پادشاهان و درباریان تهیه می‌نمود که گفته شده است این معجون از چهل نوع ماده مخصوص تهیه می‌شده است که شفابخش بسیاری از بیماری‌ها و دردها بوده و باعث افزایش قدرت بدنی می‌شده است. مردم این سرزمین نوروز را آغاز بهار طبیعت و شروع تجدید حیات و طراوت در جهان و برخی روز مقدس در مقابل شب قدر و شب براهت و برخی عامل اتحاد و همبستگی و حتی آن را زادروز امام علی<sup>(ع)</sup> و تعیین ایشان به خلافت و سالروز ازدواج ایشان با حضرت فاطمه<sup>(س)</sup> دانسته‌اند.<sup>۷</sup>

### جمع‌بندی

از اهمیت نوروز علاوه بر عامل همگرایی بین ملت‌ها و فرهنگ‌ها به نوعی می‌توان آن را به عنوان عاملی برای وحدت منطقه‌ای و افزایش ارتباطات فرهنگی و در عین حال جلوگیری‌کننده از دشمنی‌ها دانست. بی‌دلیل نیست همان‌طور که گفته آمد، سرانجام نوروز به عنوان جشنی جهانی در مهر سال ۱۳۸۸ از سوی سازمان ملل به رسمیت شناخته شده و در تقویم جهان ثبت شده است و به عنوان جشنی بین‌المللی در سازمان ملل به ثبت جهانی رسیده است.

با توجه بر آنچه گذشت، آیین‌های نوروزی در قلمرو وسیعی که معرفی شد، پابرجاست و



۷. نوروز در ترکیه، عبدالکریم میثاقی، ویکی‌پدیا.

سمویران، تاجیکستان؛  
عکس: آرشیو پرونده نوروز.

گرامی داشته می‌شود. این قلمرو فرهنگی بر چندین منطقه همکاری‌های اقتصادی نیز انطباق دارد که از آن جمله می‌توان به سازمان همکاری‌های اسلامی (OIC)، سازمان همکاری شانگهای، بخش وسیعی از اوراسیا و سازمان‌های مرتبط با آن، سازمان همکاری‌های اقتصادی (اکو) و مهم‌تر از همه قلمرو سه کشور هم‌زبان ایران، افغانستان و تاجیکستان اشاره داشت. توانمندی‌های نهفته در جوهره نوروز برای جلب همکاری در چارچوب دیپلماسی فرهنگی برای ایران به عنوان خاستگاه نوروز بیش از همه و بیش‌تر از گذشته فراهم است. برگزاری نشست‌ها و همایش‌های مربوط به فرهنگ نوروز نظیر آنچه در کمیته ملی یونسکو در تهران در سال ۱۳۸۳ برگزار شد، می‌تواند در بهره‌گیری از نوروز برای نزدیک‌تر کردن ملل منطقه و همگرایی ملل و اقوام حوزه نوروز یاری‌رسان باشد. برگزاری جشنواره‌های نوروزی و اشاعه فرهنگ نوروز از طریق تهیه فیلم‌های مستند تلویزیونی و نمایش آن از شبکه‌های ماهواره‌ای، به ویژه آداب و رسوم و آیین‌های زیبای آن در بین نواحی مختلف ایران و در میان اقوام ایرانی از جمله فارس‌زبانان، بلوچ‌ها، کردها، لرها، گیلک‌ها، مازنی‌ها و طبری‌ها، خوزی‌ها و دیگر اقوام ایرانی از جمله آذری‌ها (که ایرانی‌ترین اقوام ایرانی و از بازماندگان آتروپاتن کهن هستند) و ترکمن‌ها، جاذبه‌های بسیاری برای نشان دادن همبستگی بین اقوام ایرانی و الگوی قابل تعمیم و توسعه آن به ملل منطقه دارد. اکنون که سازمان‌های فرهنگی و رسانه‌ای دولتی و خصوصی ایران توانایی پرداختن بدان را دارا هستند، می‌توان با مدیریت و سازمان‌دهی

▲ اسبخوانی از رسوم نوروزی قزاقستان؛ عکس: آرشیو پرونده نوروز.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران



با همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد ایرانی و دیگر کشورهای منطقه نوروز و نهادهای بین‌المللی از جمله یونسکو از آن بهره گرفت و آن را به کار بست. سازمان‌های مرتبط با مسائل فرهنگی کشور باید در راستای دیپلماسی فرهنگی و گفت‌وگو بین اقوامی و بین فرهنگی و با توجه به استعدادهای ملل و اقوام حوزه نوروز گام بردارند و از این عنصر فرهنگی، آیینی و مذهبی و دینی برای گسترش نفوذ ایران و نشان دادن دوستی ملت ایران با ملل منطقه در همگرایی بهره گیرند. ملل منطقه اکنون بیش از هر زمان دیگری به وحدت و همگرایی فرهنگی نیاز دارند و برای دوری از نایره جنگ سردی دیگر، می‌خواهند با یکدیگر در ارتباط باشند و از فرصت‌های همگرایی بهره مند شوند.

هنگامی که ملل منطقه متوجه شوند که دولت و ملت ایران در راستای همگرایی با آنان می‌خواهد سیاست فرهنگی پیش گیرد و در راستای هم‌افزایی فرهنگی و گفت‌وگو بین فرهنگی گام بردارد بطور یقین نظر آنان درباره کج‌فهمی ایجاد شده از سوی رسانه‌های مغرض درباره ایران کاملاً تغییر خواهد کرد. نگارنده در دیدار با گردشگران خارجی در سراسر ایران همیشه سعی کرده است با گفت و گو با گردشگران خارجی، تفاوت دیدگاه و نظر آنان را پیش و پس از آمدن به ایران جویا شود. اغلب آنان اظهار داشته‌اند که هرگز فکر نمی‌کردند که مردم ایران اینگونه خوب و مهمان‌نواز باشند. آنان می‌گویند ایران برایشان بسیار جالب و صمیمی بوده و آرزو می‌کنند که باری دیگر به ایران بیایند. این موضوع می‌رساند که برای جلب و جذب ملت‌های همسایه و اقوام حوزه نوروز برای رسیدن به همگرایی منطقه‌ای، نوروز قابلیت‌های زیادی دارد. هرگاه در زمان برگزاری آیین‌های نوروزی بتوانیم گردشگرانی را برای دیدار از کشور جلب کنیم می‌توانیم در این زمینه موفقیت‌های بی‌شماری به دست آوریم. در این صورت نفوذ فرهنگی ایران در منطقه و در جهان افزایش می‌یابد. این دیپلماسی فرهنگی سبب خواهد شد که کشورهای حوزه نوروز به نوعی همگرایی فرهنگی دست یابند.

در این زمینه انجام کارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

- تأسیس سازمانی مردم‌نهاد به نام «سازمان فرهنگی نوروز» مرکب از فعالان فرهنگی کشورهای نوروز و ثبت بین‌المللی آن
- ترغیب کشورهای حوزه برای تولید فیلم‌های تلویزیونی درباره نوروز و مبادله این فیلم‌ها برای نمایش در تلویزیون‌های کشورهای عضو
- برقراری تورهای گردشگری ارزان‌قیمت
- تسهیل در صدور روادید
- سیاست‌گذاری برای برگزاری جشن‌های مشترک و دوره‌ای در کشورهای حوزه
- انتشار تمبرهای مشترک یادبود نوروز
- برگزاری همایش‌های مشترک فرهنگی در این زمینه
- گنجاندن مفاهیم و آداب نوروز در کشورهای نوروز در کتاب‌های درسی کشورهای حوزه
- تأسیس پایگاه اطلاع رسانی نوروز به زبان‌های فارسی، انگلیسی از سوی مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد و تشویق ملت‌ها به مبادله اطلاعات نوروزی
- گنجاندن مطالبی درباره نوروز در کتاب‌های درسی
- معرفی نوروز به عنوان میراث فرهنگی مشترک در پشت اسکناس‌های کشورهای حوزه نوروز

## منابع:

- هراند پاسدارماچیان، تاریخ ارمنستان، ترجمه محمد قاضی، انتشارات زرین، تهران، سال ۱۳۶۹
- دانشنامه ایران‌یان ارمنی، انتشارات هیرمند، تهران ۱۳۸۲
- قاسم مولود آوا، نوروز در بخارا
- پروانه فیروز، نوروز در سعد
- روزنامه ایران ۲۷ اسفند ۱۳۸۴
- رشید الدین فضل‌الله همدانی، جامع‌التواریخ، چاپ م. روشن و م. موسوی، تهران ۱۳۸۳، جلد دوم.
- عمر خیام، نوروزنامه، چاپ مجتبی مینوی، تهران، کتابخانه کاوه ۱۳۱۲ (ص ۱۰).
- ابوساجد عبدالحی بن دهاق بن محمود گردیزی، تاریخ گردیزی، چاپخانه ارمغان، تهران ۱۳۶۳
- Nigosian, S.A. *The Zoroastrian Faith*. Montreal: Mb Gill-Queen's University Press, 1993
- Steingass, F. *A comprehensive Persian - English Dictionary*, Beirut: Libartie du Liban, 1892/1975

## توصیف نوروز در نوروزنامه خواجه علی ترمذی

بسم الله الرحمن الرحيم

خداوند، هزاران شکر بر او باد، که هیجده هزار جهان را از عدم به وجود آورده است و جهان را با همه الطاف خود تبدیل به باغ گل سرخ گردانیده است. نمایندگان او هزاران نمازگزار برای او، ما را به راه راست هدایت کرده اند و دوستان مسجدی او مال و جان خود را برای دین قربانی کرده اند. بگذار خداوند از آنان خشنود باشد.

آنها می گویند که، روزگاری یک نفر قاضی مشهوری بود به نام خواجه علی حکیم ترمذی. خداوند به او عمری ۱۲۰ ساله داده بود. او مردی خردمند، با تقوا و با ایمان بود. آگاهی و دانش او درباره مسائل دینی کامل بود. او سال ها زندگی کرده و دوره های آشوب را دیده و تجارب بسیاری اندوخته بود. حتی امپراتور و روستاییان در دوره او اگر روش های بهتر را برای کارها و کشاورزی خود از او آموخته بودند، سود و منفعت زیادی تری بدست آورده بودند. به همین دلیل امپراتور وقت، تعارفات بسیاری به حکیم اعطاء کرده و گفت: «اگر شما یک کتابچه ای برای ما بنویسید و به نظر خود کارهای ضروری را که طی سالهای زیاد و به دفعات تجربه کرده اید به ما بگویید، تا قیامت به نام شما به یادگار خواهد ماند؛ کسانی که آن را بخوانند یا بشنوند، از این موارد سود سرشاری نصیب آنها خواهد شد؛ بگذار که این مورد هدیه ای باشد».

او به فرمان امپراتور گوش فرا داد و این موهبت را به زبان خودش نوشت و گفت: «خداوند زندگی صد و بیست ساله به من اعطاء کرد. من بیشتر این عمر را به ستاره شناسی و علوم صرف کردم. من تجربیات زیادی را از تغییرات زمان و گذر روزها بدست آوردم. من حرکت آسمان و ستارگان، و سیارات و ماه را که در عرش در هنگام طلوع و غروب با صور فلکی و در چه هنگامی طلوع می کنند و چه نشان می دهند و در چه هنگامی طلوع می کنند و چه نشان می دهند و چه چیزی را ترتیب می دهند که خوب و بد را می آورند، همه را مطالعه کرده ام. من مشکلات بسیاری با نو شدن نوروز عالم و نشانه هایی که در این سال اتفاق می افتند و از وضعیت خود خبر می دهند، آموختم. من دانش ماه را در یک ماه آوردم. مسلمانان ممکن است از آن استفاده کنند، به ویژه کشاورزان ممکن است محصولات خود را بر طبق آن درو کنند، آنها با آگاهی از اینکه کدام محصول در سال بهتر و ارزشمندتر است و کدام غلات ارزاتر است کار خواهند کرد. من آنها را گفتم و همه روزه حالات آنها را تجربه کردم و در این کتاب نوشتم.

من وضعیت کوه ها، دشت ها، امپراتور و فقیر، بازرگانان و تجار غلات و احشام را در آغاز، در میانه و در پایان سال با تجربیات خود نوشتم. هر که آنها را بخواند به هیچ تقویمی نیاز نخواهد داشت. این نسخه در گذر زمان هیچگاه کهنه نخواهد شد. خداوند به همه امور خیر آگاه است.

**اگر نوروز عالم در سنبه باشد، وابسته به زحل خواهد بود.** در این سال در برخی شهرها کمیابی روی خواهد داد. باران زیاد می بارد و برخی قتل ها روی می دهد. سربازان از جبهه های جنوبی خواهند آمد. جنگ، دزدی، راهزنی، زیاد خواهد شد. بدخواهی و دروغ گسترش می یابد. محصولات کشاورزی فراوان و مقدار میوه اندک می شود. سرما در پایان سال سخت می شود. زمستان طولانی خواهد بود.

۱. خواجه علی ترمذی در سال ۸۵۹ (ق) به دنیا آمد و در سال ۹۳۲ (ق) چشم از جهان فرو بست. نسخه های متعددی از «نوروزنامه» در کتابخانه «شرق شناسی انستیتوت کولیاژمالار» (موسسه آثار خطی شرق شناسی آکادمی علوم ازبکستان) موجود است که در زیر از ترجمه نوروزنامه چاپ محمود حسنی و غالیه جورایووا، تحت عنوان «نوروز و تاشکند در رموز طبیعی» انتشارات محنت در سال ۱۹۹۱ (ص ۹ - ۱۱) آمده است.

**اگر نوروز عالم در یکشنبه اتفاق بیافتد،** وابسته به خورشید است. آن سال، خوردنی‌ها فراوان خواهد شد، وفور نعمت خواهد بود، بدخواهی‌ها و چیزهای بد کاهش خواهد یافت، پنبه خوب خواهد روید، کشت در کوهستان‌ها و کشتزارها خوب خواهد روید، کشت در روستاها خوب خواهد روید. در آغاز سال همه چیز ارزان خواهد شد و به همان میزان گران خواهد شد که کمی ادامه خواهد داشت. در میان مردم مخالفت‌هایی رخ خواهد داد و چندین طاعون روی خواهد داد. برخی بدخواهی‌ها و کشتارها از سوی شرق روی خواهد داد. زمانی پس از سنگینی‌ها به نیکی خواهد گرایید.

**اگر نوروز عالم در دوشنبه روی دهد،** وابسته به ماه خواهد بود. آن سال فراوانی خواهد بود. خوردنی بیشتری تولید خواهد شد و باران زیاد خواهد بارید. این سال ممکن است برای امپراتور کمی مخاطره‌آمیز باشد و وضعیت برخی از بازرگانان ممکن است بدتر شود. تولید پنبه خوب خواهد بود و تولید کنجد، ذرت و غلات متوسط خواهد شد. در آغاز سال برف و باران خواهد بارید. در کوهستان‌ها و نواحی دوردست زلزله روی می‌دهد. برخی سبزیجات زیان خواهد دید و برخی فراوان خواهد شد. اما گندم لذیذ بوده و به سرعت رشد خواهد کرد. تجارت اندک خواهد بود. در این سال ضعفا در شرایط خوبی خواهند بود و به قدرتمندان بسیار خوب خدمت خواهند کرد.

**اگر نوروز عالم در سه شنبه باشد،** به مریخ وابسته خواهد بود. این سال ثروت بدست خواهد آمد و خوردنی‌ها روز به روز فراوان خواهد شد. حیوانات آسوده خواهند بود. در جهان جنگ روی خواهد داد. از سوی مغرب مزاحمت‌هایی برای امپراتور پیش خواهد آمد. این سال بهتر است محصول دیرتر درو شود. بزها صدمه خواهند دید و مقدار میوه کم خواهد شد. در پایان سال سیل زیادی رخ خواهد داد و باران کم خواهد بود. در این سال قیمت‌ها کاهش خواهد یافت و خوردنی‌ها بسیار خواهد بود. علوفه زیاد خواهد شد. انگور فراوان و وضعیت فقرا بدتر می‌شود.

**اگر نوروز عالم در چهارشنبه باشد،** وابسته به تیر (عطارد) خواهد بود. این سال کمایی می‌شود. کشت و کشتار و بدخواهی زیاد می‌شود. اما اینها به زودی بسر می‌رسد. چاودار، ذرت، فراوان می‌شود. مار، کرم و هزارپا در این سال زیاد می‌شود. در میان ضعفا و کودکان مرگ بسیار روی می‌دهد اما تجارت بسیار خوب می‌شود. در میان مردم چشم‌درد رخ می‌دهد.

**اگر نوروز عالم در پنجشنبه باشد،** وابسته به مشتری (برجیس) خواهد بود. آن سال کالا در برخی جاها زیاد و در برخی جاها کم خواهد بود. باران به موقع می‌بارد و برف و باران بسیار خواهد بود. وضعیت امپراتور بسیار خوب خواهد بود و همه هنرمندان از حرفه خود راضی خواهند بود. کشتی‌ها در رودها سلامت و ثروتمند خواهند بود، اما دروغ زیاد گسترده خواهد شد. برخی بیماری‌ها شایع خواهد شد. تجارت نیکو باشد. وضعیت سربازان نیکو باشد.

**اگر نوروز عالم در جمعه باشد،** وابسته به زهره خواهد بود. این سال ثروت و فراوانی خواهد بود. بارن زیاد می‌بارد زمستان سرد، سخت و طولانی خواهد بود. باید غلات ذخیره کرد. تجارت نیکو باشد و در کشاورزی فاجعه روی خواهد داد. قیمت‌ها ارزان و خوردنی‌ها و در این سال زیاد می‌شود. کشاورزی نیکو باشد. مقدار کنجد در سطح متوسط خواهد بود. وضعیت سربازان بسیار بد می‌شود.

## از نوروز در تهران قدیم چه می‌دانید؟

پیرایه یغمایی

نوروز در تهران قدیم بسیار پرشورتر از این زمان برگزار می‌شد و اصلاً یک اتفاق عمده و عظیم سالی یک بار بود.

با آغاز اسفندماه که به آن برج حوت (= ماهی) می‌گفتند، کم‌کم اندیشه‌ی ورود به سال نو و رویارویی با نوروز به صورت جدی در دل مردم - از هر طبقه و دسته‌ای - اعم از تاجر، کاسب، کارگر و خلاصه فقیر و ثروتمند راه می‌یافت. بازار به جنب و جوش در می‌آمد و مغازه‌دارها هماهنگ با شور و ولوله‌ی مردم کالاهای نوروزی خود را تبلیغ می‌کردند.

نخستین برنامه‌ای که پیشاهنگ همه‌ی برنامه‌های نوروزی بود تهیه‌ی رخت و لباس نو بود که مقدم بر هر چیز دیگر و مسأله‌ای جدی به نظر می‌رسید و نیز وقت بیشتری را می‌طلبید. زیرا در آن زمان‌ها هنوز دوخته‌فروشی‌ها بویژه برای زنان و بچه‌ها رایج نبود، این بود که مردم ناگزیر بودند پارچه بخرند و به خیاط بدهند تا بدوزد. البته زنانی که خود هنر خیاطی را می‌دانستند، خودشان برای این کار دست بکار می‌شدند. اما همه چیز می‌بایست تا وقت داشتند انجام شود. زیرا اگر دیر به فکر می‌افتادند، خیاط‌ها سرشان بسیار شلوغ می‌شد بطوریکه حتی گاهی مجبور می‌شدند مشتریان همیشگی خود را به علت نداشتن وقت نرساندن لباس تا شب عید جواب کنند.

زنان لباس‌های خود را نو می‌کردند و اگر احتمالاً زنی آن بودجه‌ی کافی را برای خریدن لباس در خود نمی‌دید، حتماً دو دست چادر نماز، یکی چادر سیاه براق آهار دار خش‌خشی، برای میهمانی‌های نوروزی و یکی دیگر چادر نمازی از پارچه‌های گلدار لطیف برای سفره‌ی هفت سین و نیز یک جفت کفش که به آن «چارق» می‌گفتند، برای خود تهیه می‌کردند. لازم به ذکر است که در آن زمان‌ها هنوز جوراب زنانه رایج نبود و اصلاً جوراب زنانه از دوره‌ای به ایران آمد که ناصرالدین شاه به فرنگ رفت و آن را به عنوان یک پدیده‌ی جالب برای زنان دربار و سوگلی‌های خود به ایران آورد. البته جوراب‌های پشمی دست‌باف وجود داشت که برای زمستان مورد استفاده قرار می‌گرفت.

برای مردان هم خرید یک قبا و یک جفت گیوه و یک کلاه از واجبات بود که بنا بر ضرب‌المثلی می‌گفتند: «دوست به سر نگاه می‌کند و دشمن به پا...». پس حتماً اگر نان شب هم نداشتند کفش و کلاه خود را برای نوروز نو می‌کردند و قبا هم که روی همه‌ی لباس‌ها پوشیده می‌شد، باید نو می‌شد.

لباس کودکان هم بیشتر از رنگ‌های شاد و زنده مثل سرخ و زرد و آبی تهیه می‌گردید. بعد از اینکه خیال‌ها از پایت رخت و لباس عید راحت می‌شد، نوبت به خانه‌تکانی

گاهی گرد و خاکی که بر اثر این عمل به هوا بر می‌خاست، موجب درگیری عابران و همسایگان با یکدیگر می‌شد که البته بخاطر نوروز، بسیار زود به آشتی می‌انجامید.

می‌رسید و این سنتی بود که در هیچ محله و خانه‌ای حتی در مسجد و مغازه هم برو و برگرد نداشت و حتماً باید انجام می‌گرفت.

برای خانه تکانی اول کرسی را که وسیله‌ی گرما در زمستان بود و تلویحاً به آن تنبل‌خانه می‌گفتند، (چون جای گرم و نرمی بود و همه زیر آن می‌لمیدند و بر چیدن آن هم همیشه باعث ملولی اهل خانه به ویژه آقای خانه می‌شد) بر می‌چیدند، بطوریکه کمتر خانه‌ای یافت می‌شد که از پانزدهم اسفند کرسی در آن بر قرار باشد و بعد از آن به فرش تکانی یا فرش شویی می‌پرداختند و همه‌ی این کارها نیز در کوچه و خیابان اتفاق می‌افتاد، بدین ترتیب که قالی یا گلیم یا نمد و یا هر چه را که با آن اتاقشان را مفروش می‌کردند، به کوچه می‌آوردند و با چوب زدن به آن گرد و غبارش را می‌گرفتند و گاهی گرد و خاکی که بر اثر این عمل به هوا بر می‌خاست، موجب درگیری عابران و همسایگان با یکدیگر می‌شد که البته بخاطر نوروز، بسیار زود به آشتی می‌انجامید. شستشوی پرده‌ها و روف‌های و چادر شب‌ها و رویه‌ی پشتی‌ها و دیگر چیزها بعد از تکاندن فرش اتفاق می‌افتاد.

بعد از آن نوبت به ظرف و ظروف می‌رسید. مس‌ها برای سقید کردن به رویگری سپرده می‌شد. ظروف برنجی از قبیل سماور و جام پای آن با گرد آجر و سرکه برق می‌افتاد. شستن ظروف نقره از قبیل سینی و قنددان و انگاره (=زیراستکانی) با لیف و صابون انجام می‌شد، اما اگر در طی سال خیلی سیاه شده بود به آبکاری می‌بردند تا آبکارها به آن آب نقره بدهند. آخرین مرحله هم بیرون ریختن وسایل از اتاق‌ها و آشپزخانه بود و در این مرحله چیزهای به درد نخور و بی‌مصرف از قبیل وسایل حلبی کج و کوله و سوراخ شده، شیشه پیل‌های شکسته، لیوان‌ها و استکان‌های لب‌پریده، کاسه‌های ترک خورده که دیگر در مدت یک سال خدمت خود را انجام داده بودند، به بیرون ریخته می‌شدند و بعد از تمیز کردن همه‌ی گوشه و کنارها و کنج‌های اتاق‌ها و و گردگیری و دوده‌گیری و شستن در و پنجره و گاهی هم دیوار، دوباره وسایل تمیز و برق‌افتاده به سر جای خود گذاشته می‌شدند و احتمالاً ممکن بود در این میان تغییر و تحولی هم در شکل چیدن آنها اتفاق بیافتد که آن هم تنوعی برای افراد خانواده به وجود می‌آورد.

از ۱۵ روز به عید مانده نوبت سبز کردن سبزه می‌شد، برای این کار شخص خوش‌دستی از خانواده (معمولاً مادر) به نیت همه‌ی افراد خانه مشمت مشمت گندم یا عدس را در ظرفی سفالین می‌ریخت و هنگام ریختن سعی می‌کرد اولاً دانه‌ای از دستش به زمین نیافتد و دیگر اینکه با ریختن هر مشمتی صلوات می‌فرستاد و برای سلامتی و موفقیت آن شخص تا آخر سال دعا می‌کرد. سپس روی دانه‌ها را آبی نیم‌گرم می‌ریخت و آن را در جای گرمی می‌گذاشت تا دانه‌ها به خود آب جذب کند و نیش بزند. بعد آنها را در دستمال مرطوبی قرار می‌داد و ساعت به ساعت به آنها سر می‌زد تا جوانه‌ها کاملاً خودشان را نشان بدهند، آنگاه آنها را به بشقاب‌های چینی بزرگ که به آن دوری یا قاب می‌گفتند، منتقل می‌کرد و تا مدتی رویش را دستمال می‌کشید تا خوب رشد کنند. پس از آنکه سبزه‌ها کمی بلند می‌شدند یا به اصطلاح رخ می‌کشیدند، پارچه قرمزی که به آن شله می‌گفتند، دور آن می‌بست، تا هم از پراکنده شدن دانه‌ها جلوگیری کرده باشد و هم آنها زیباتر به نظر بیایند. بعضی از زنان با ذوق علاوه بر این کارها بروی دانه‌های نخود با ظرافت چشم و ابرو می‌کشیدند و چارقد به سرشان می‌کردند، یا از پارچه‌های رنگارنگ گل‌های کوچکی می‌چیدند و به سر چوب می‌زدند و در میان سبزه‌ها می‌گذاشتند.

بعضی از زنان با ذوق علاوه بر این کارها بروی دانه‌های نخود با ظرافت چشم و ابرو می‌کشیدند و چارقد به سرشان می‌کردند، یا از پارچه‌های رنگارنگ گل‌های کوچکی می‌چیدند و به سر چوب می‌زدند و در میان سبزه‌ها می‌گذاشتند.

گاهی گرد و خاکی که بر اثر  
این عمل به هوا بر می‌خاست،  
موجب درگیری عابران و  
همسایگان با یکدیگر می‌شد  
که البته به خاطر نوروز، بسیار  
زود به آشتی می‌انجامید.

تره تیزک (= شاهی) را در آب می‌خیساندند و پس از اینکه به لعاب می‌نشست، آن را به پشت کوزه می‌مالیدند و داخل کوزه را آب می‌ریختند و سبزه با رطوبت کوزه سبز می‌شد و هنگامی که آن را بر سفره‌ی هفت سین می‌گذاشتند با گذاشتن چند شاخه گل سرخ در داخل کوزه به هفت سین جلوه‌ی بسیار زیبایی می‌بخشیدند.

در همین ایام خانم خانه‌دار به فکر آماده کردن شیرینی عید خود می‌افتاد و چون هنوز دکانی به صورت شیرینی فروشی وجود نداشت، آن را به زنان شیرینی‌پزی که این کار حرفه‌ی آنان به حساب می‌آمد، سفارش می‌داد یا اگر خانه‌دارتر بود، شخصاً شیرینی عید را در خانه می‌پخت و فضایی نشاط‌انگیز و خوش‌بو در خانه ایجاد می‌کرد، زیرا عطر آن بوهای مطبوع، در فضای آن خانه‌ی پاک و پاکیزه به‌ویژه برای بچه‌ها عالمی بهشتی بوجود می‌آورد. شیرینی عید معمولاً عبارت بود از نان برنجی (خمیر آرد برنج و کره و گلاب

سبزه‌پدر در تهران امروز! عکس: سعید محمودی ازنالود.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران



کار و کاسبی بوته‌فروشان در  
این روزها برای خود رونقی  
داشت زیرا شب چهارشنبه  
سوری خانه‌ای نبود که از آن  
شعله‌ی آتش زیانه نکشد.

و شکر یا تزیین سیاه‌دانه)، نان ولیعهدی (ننان‌های کوچکی از آرد گندم و کره و برنج و شکر که روی آن زرده‌ی تخم مرغ و زعفران و عسل می‌مالیدند)، مسقطی و راحت‌الحلقوم (این دو نوع شیرینی را از نشاسته و شکر درست می‌کردند)، نان بادامی (ساخته شده از بادام رنده شده و شکر و آرد و کره)، نان نخودچی، قطاب، باقلوا و... که همه با کره‌های معطر و طبیعی ساخته می‌شد و پر واضح است که بسیار هم ماکول و خوشمزه بود.

در همین روزها بود که سر و کله‌ی «آتش افروز» و «غول بیابانی» هم در کوچه و خیابان پیدا می‌شد که فقط سالی یک بار به نمایش می‌پرداختند.

آتش‌افروزها لباس سرخ می‌پوشیدند و کلاه منگوله‌دار به سر می‌گذاشتند و صورت‌شان را با دوده و یا زغال سیاه می‌کردند. لب استین لباس‌شان زنگوله داشت و هنگام دست افشانی زنگوله‌ها بهم می‌خورد و جرینگ جرینگ صدا می‌کرد و حالتی با نشاط بوجود می‌آورد. آنان با مشعلی که در دست داشتند در کوچه و محله براه می‌افتادند و چون به میان مردم می‌رسیدند مشعل را می‌افروختند و به آتش‌بازی می‌پرداختند و از این جهت آنان را آتش‌افروز می‌گفتند. آتش‌افروزها ضمن آتش‌بازی و پایکوبی اشعاری از این قبیل می‌خواندند و پول جمع می‌کردند: «آتش‌افروزه / سالی یه روزه / دنیا دو روزه / مثل نیم سوزه / دس (= دست) خالی نیا / دلم می‌سوزه ...».

غول بیابان هم به کسانی می‌گفتند که مثل آتش‌افروزها سالی یک بار پیدایشان می‌شد. آنها دو نفر، دونفر، در کوچه و محله راه می‌افتادند و سر و روی ژولیده و ریشی بلند و درهم برای خود درست می‌کردند، لباسی از پوست ببر یا پوست پلنگ و دامنی کوتاه از چرم به جای شلوار می‌پوشیدند. کاسه‌ی سر گاوی را بر سر می‌گذاشتند و ناگهان با پای برهنه در مکان‌های شلوغ در میان مردم جست می‌زدند و با صدایی گوش‌خراش می‌خواندند که: «ما غول بیابانیم / سرگشته و حیرانیم / ما روح شما زشتان / از دست شما



بازی با آتش گردان،  
در آتش‌بازی  
چهارشنبه‌سوری؛  
عکس: بی. محمودی  
از ناو.

نالان / اینگونه پریشانیم / از ما زجه بگریزید / از خویش بپرهیزید / تا خوی شما زشت است / ما نیز ز زشتانیم / گاهی به توی خانه / گاهی توی دکانیم ...» مردمی هم که به دور معرکه‌ی آنان جمع می‌شدند، هر کس به فراخور خود پولی در کلاه‌شان می‌ریخت.

خلاصه با این برنامه‌ها به شب چهارشنبه‌سوری نزدیک می‌شدند، که آن هم برای خود آدابی ویژه داشت که مهم‌ترین آن از روی آتش پریدن بود. بوته‌های شب چهارشنبه‌سوری را معمولاً از بیابان‌های شهر ری و ورامین و بوسیلای شتر می‌آوردند و سر گذرها و کوچه‌ها تل‌انبار می‌کردند و می‌فروختند. کار و کاسبی بوته‌فروشان در این روزها برای خود رونقی داشت زیرا شب چهارشنبه‌سوری خانه‌ای نبود که از آن شعله‌ی آتش زیانه نکشد. از شرایط بوته‌افروزی این بود که تعداد کُپه‌ها (=دسته‌ها) حتماً باید به عدد فرد باشد مثلاً سه یا پنج یا هفت، که از آن میان عدد هفت از همه گرامی‌تر بود. بوته‌ها را هنگام غروب که هوا رو به تاریکی می‌رفت آتش می‌زدند و چون شعله می‌کشید همه‌ی افراد خانواده پشت سر هم صف می‌بستند و در حالیکه می‌خواندند: «سرخ تو از من / زردی من از تو»، از روی آن می‌پریدند. هنگامی هم که آتش خاموش می‌شد و خاکستر آن سرد می‌گردید هر یک از افراد خانه مشتی از خاکستر آن را بر می‌داشت، به کنار آب روانی می‌رفت و در حالیکه خاکستر را به آب می‌ریخت، می‌گفت: «ریختم و از غم گریختم...» و با این کار خمودگی و برودت و سیاهی را از زندگی خود دور می‌کرد. در دوره‌ی سلطنت ناصرالدین شاه آتش‌بازی باروتی هم که تا آن زمان سابقه نداشت، توسط فرانسوی‌ها وارد شده بود و آن عبارت بود از آتش‌بازی‌هایی که چون در هوا پخش می‌شد به صورت ماه و ستاره و تاج و پیام مبارک باد در می‌آمد. البته این آتش‌بازی در آغاز فقط در باغ اندرونی شاه و به مناسبت جشن‌های مذهبی انجام می‌گرفت، اما پس از چندی دستور نمایشش در شب چهارشنبه‌سوری و در میدان توپخانه صادر شد و از آن پس مردم از بعد از ظهر برای تماشای آن در میدان مزبور حاضر می‌شدند و جا می‌گرفتند.

یکی از آداب بسیار جدی دیگر در شب چهارشنبه‌سوری، آرایش یا بزک هفت قلم خانم‌ها بود که حتماً باید از بعد از ظهر سه شنبه و حدود ساعت دو و سه آغاز می‌شد. البته کوتاه کردن موی سر و زدودن موی صورت (=بند انداختن یا نخه کردن) را حتماً روز قبل انجام می‌دادند. آرایش هفت قلم عبارت بود از: «وسمه» برای سیاهی ابروان، «سرمه» برای جلوه‌ی چشمان، «حنا» برای نقش و نگار کف دست و پا و به ویژه نوک انگشتان، «سفیدآب» برای سفید کردن صورت (=سفیدآب در حکم پودرهای امروزی بود)، «غازه» یا سرخاب برای گلگون کردن گونه‌ها، «غالیه» برای خوشبو کردن روی و موی و بدن (=غالیه ماده‌ی معطری بود که از مشک و عنبر می‌ساختند)، «زُزک» که عبارت بود از غبار زرینی که در آخر کار به سر و موی خود می‌افشاندند تا بدرخشند. بعد از آرایش هفت قلم لباس مناسبی می‌پوشیدند و آنچه از زینت‌آلات از قبیل دست‌بند و انگشتر و گردنبند و نیمتاج و خلخال داشتند به خود می‌آویختند و عقیده داشتند که این آراستگی و پیراستگی در چنین شبی چهره را تا آخر سال درخشنده و با طراوت نگاه می‌دارد.

«فال گوش» و «قاشق‌زنی» هم از مراسم سنتی چهارشنبه‌سوری بود که گاه باعث به وجود آمدن اتفاق‌های شیرینی می‌شد که خالی از لطف هم نبود. البته چون در این دو مورد زیاد گفته شده، از بازگویی آن خودداری می‌شود.

یکی دیگر از مراسم عمده‌ی شب چهارشنبه‌سوری دورانداختن کوزه‌ی کهنه بود که آن را از واجبات می‌دانستند زیرا بر این باور بودند که کوزه که در طی یک سال همواره

آتش‌بازی در آغاز فقط در باغ اندرونی شاه و به مناسبت جشن‌های مذهبی انجام می‌گرفت، اما پس از چندی دستور نمایشش در شب چهارشنبه‌سوری و در میدان توپخانه صادر شد و از آن پس مردم از بعد از ظهر برای تماشای آن در میدان مزبور حاضر می‌شدند و جا می‌گرفتند.

بچه‌ها مشتاق پریدن از روی آتش چهارشنبه‌سوری هستند! عکس: س. محمودی ازناوم



بعد از خوردن سبزی پلوی  
آخر سال همه‌ی چراغ‌هایی  
را که در خانه داشتند، روشن  
می‌کردند و تمام مدت مواظب  
بودند که نفتشان تمام نشود  
و لوله‌هایشان ترک بر ندارد  
و دود نزنند، حتا آتش منقل و  
اجاق را هم دیدبانی می‌کردند  
که خاموش و سرد نشود  
و بر این باور بودند که اگر  
چراغ‌ها تا آغاز سال نو - حتا  
در روز - روشن بماند و به  
درستی بسوزد و نور افشانی  
کند، اجاقشان کور نمی‌شود،  
سالشان پر برکت و راهشان  
روشن و زندگی‌شان بی  
مشکل خواهد بود.

خدمت کرده و هر دستی به آن رسیده است و دسته و دهانه‌ی آن سیاه گشته، سر چشمه‌ی  
پلیدی‌هاست. بنا بر این بر کوزه‌ی قدیمی نام شیطان را می‌نوشتند و آن را از بام به کوچه  
می‌انداختند تا هزار تکه شود و با خود می‌خواندند که: «دور کردم و دور کردم / چشم دشمنو  
(دشمن را) کور کردم...» و به این یقین داشتند که غم‌ها و سیاهی‌ها را شکست داده‌اند.  
آنگاه کوزه‌ی نویی را که همان روز خریده بودند، پر از آب می‌کردند و اندکی گلاب هم  
در آن می‌ریختند و آن را در برای سفره‌ی هفت سین در کناری می‌گذاشتند.

اجیل چهارشنبه‌سوری هم از مواردی بود که در این شب برای خود حرمتی داشت و  
هیچ خانه‌ای آن را فراموش نمی‌کرد. این آجیل از هفت نوع میوه‌ی خشک یعنی: کشمش،  
نخودچی، توت، انجیر، خرما، قیسی (= برگه‌ی زردآلو)، و باسلق تهیه می‌شد و افراد  
خانواده آخر شب پس از همه‌ی برنامه‌ها دور هم می‌نشستند و در حالیکه فقط سخنان  
خوب و شادی آور و لطیفه‌های شیرین برای هم نقل می‌کردند، آن را نوش جان می‌نمودند.  
البته در این گیر و دارها حمام شب عید هم فراموش نمی‌شد و چون در آن روزها  
خانه‌ها حمام نداشت، مردم ناگزیر بودند که به حمام‌های خزینه‌دار بیرون بروند. اما با نزدیک  
شدن نوروز، همه باید سر و تن خود را از سیاهی‌ها و دوده‌های زمستانی پاکیزه می‌کردند.  
بنابراین حمام‌ها هم در این روزها از مکان‌های شلوغ به حساب می‌آمد و بخصوص دو یا  
سه شب مانده به تحویل سال، جای سوزن‌انداز نداشت و شبانه‌روزی داغ و برای ورود مردم  
آماده بود. گاهی مادرها نصف شب بچه‌های خود را برای حمام نوروزی از خواب بیدار  
می‌کردند و با بچه و بندیل سنگینی، روانه‌ی گرمابه می‌شدند و در آنجا آن چنان آنها را  
می‌شستند که گویی می‌خواستند پوست از بدنشان ور بیاورند، اما چون همه‌ی این برنامه‌ها  
برای نوروز بود، بچه‌ها هم صدای‌شان در نمی‌آمد.

بعد از چهارشنبه‌سوری نوبت به مراسم شب علفه می‌رسید و آن شب پیش از سال نو،  
یعنی آخرین شب سال کهنه بود و بدان جهت به آن علفه می‌گفتند که باید سبزی (علف)  
یکی از مواد اصلی شام باشد. شام شب علفه تشکیل می‌شد از سبزی‌پلو با سبزی تازه و  
نوبرانه‌ی بهاری، کوکوی سبزی یا سبزی تازه و سیر تازه و ماهی، که ماهی بیشتر از نوع  
دودی بود چون در آن زمان وسیله‌ای برای تازه نگاه داشتن ماهی نبود، بنا بر این ماهی را  
در همان جایی که صید می‌کردند، در آب نمک غلیظ می‌خوابانند و سپس دود می‌دادند  
و از این جهت به آن ماهی دودی می‌گفتند. ماهی دودی بسیار خشک و شور بود و خانم  
خانه چندساعت پیش از طبخ آن را قطعه قطعه می‌کرد و در آب می‌انداخت و هر نیم‌ساعت  
به یک بار آب آن را عوض می‌کرد تا شوری‌اش از بین برود و تازگی‌اش را به دست آورد  
و گو اینکه طبخ آن بسیار تخصصی و دشوار بود اما به خوردنش که بسیار خوشمزه بود،  
می‌ارزید. سر سفره‌ی آخرین شام سال کهنه (شب علفه) حتماً قابی هم از سبزی خوردن  
تازه شامل نعناع (نعنا) و پودنه (پونه) و ترخان و تربچه و مرزه وجود داشت که معمولاً  
آنها را دوره‌گردها بر طبقی گذاشته و در کوچه و محله می‌گرداندند و با صدای بلند مردم  
را برای خریدشان تشویق می‌کردند. تبلیغ شاعرانه‌ای که آنان با آواز برای فروش سبزی  
خود به کار می‌بردند معمولاً از این دست بود: «آی تربچه نقلیه / تربچه‌ش گلیه / گل پونه  
نعنا پونه / نوبر بهاره گل پونه / آقارو می‌خوای؟ توی خونه / خانومو می‌خوای؟ خیابونه /  
آی گل پونه نعنا پونه...» و گاهی‌ها هم از سطل آبی که کنار سبزی‌ها بود، پشنگی آب  
روی آنها می‌پاشیدند و صفا و طراوت‌شان را جلوه‌ای می‌دادند. سبزی خوردن را حتماً سر  
سفره‌ی هفت سین هم می‌گذاشتند.

آتش چهارشنبه‌سوری؛ عکس: رها روزبهان.





در چهارشنبه‌سوری بنه می‌سوزانند و از روی آن می‌پزند؛ عکس‌ها رها روزبهان.



بعد از خوردن سبزی‌پلوی آخر سال همه‌ی چراغ‌هایی را که در خانه داشتند، روشن می‌کردند و تمام مدت مواظب بودند که نفت‌شان تمام نشود و لوله‌های‌شان ترک بر ندارد و دود نزنند، حتی آتش منقل و اجاق را هم دیدبانی می‌کردند که خاموش و سرد نشود و بر این باور بودند که اگر چراغ‌ها تا آغاز سال نو - حتی در روز - روشن بماند و به درستی بسوزد و نورافشانی کند، اجاق‌شان کور نمی‌شود، سالشان پر برکت و راهشان روشن و زندگی‌شان بی‌مشکل خواهد بود. حتی در این شب مردان کاسب هم چراغ دکان خود را روشن نگاه می‌داشتند، تا چراغ کار و کسب‌شان در سال نو همیشه روشن بماند و ساعت به ساعت به آن سر می‌زدند تا مبدا در آغاز سال آتش‌سوزی یا حادثه‌ی ناگواری اتفاق نیافتد.

دو، سه ساعت به تحویل سال نوبت چیدن سفره‌ی هفت سین می‌شد که مقدمات آن از قبل آماده شده بود. برای این منظور سفره‌ی سفید پاکیزه‌ای را بر زمین می‌گسترانند. البته گاه برای زیبایی روی آن سوزنی ترمه یا پته‌ی کرمان یا بقچه‌ی قلمکار می‌انداختند، اما عقیده داشتند که سفره‌ی اصلی به نیت پاکی و روشنایی حتماً باید سفید باشد. طرز چیدن سفره‌ی هفت سین معمولاً بدینگونه بود:

در وسط سفره قرآنی باز شده که لابلای صفحات آن سکه‌های طلا و نقره بود. در دو طرف قرآن کاسه‌ای آب و شیشه‌ای گلاب به نیت روشنایی و پاکیزگی و در دوطرف دیگرش بشقابی آرد و بشقابی نان بریده شده به نیت برکت و نعمت، کمی آن طرف‌تر تنگ یا کاسه‌ی بلوری با چند ماهی سرخ پر جنب و جوش به نیت حرکت و تلاش، قابی پر از تخم مرغ رنگ شده به نیت دوام نسل، نقل و یک شاخ نبات به نیت شیرین کامی، منقل نقره‌ای کوچک پر آتش یا ظرف پاکیزه‌ای از اسفند برای دود کردن اسفند بعد از تحویل سال، سینی یا قابی از نمک به نیت شور و حرارت زندگی که در آن به نام تمام افراد خانواده شمع می‌گذاشتند، ظرفی از آب زلال با نارنجی شناور در میان آن، یک پیاله شیر به نیت نو زایی و باروری، یک پیاله ماست، یک پیاله عسل، آیین به نیت شفافیت و صفای درونی، سنجد به نیت دلدادگی و زایش، سیب به نیت راز و ارگی عشق، انار به نیت تقدس، چند کله سیر، یک ظرف سمنو، یک پیاله سرکه، بشقاب کوچکی سماق، گلدان سنبل، سبزه‌هایی که سبز کرده بودند و در پایان هم در چهار گوشه‌ی سفره چهار لاله یا چهار چراغ روشن می‌گذاشتند.

آنگاه تمام افراد خانه لباس‌های نوی خود را می‌پوشیدند و سر سفره می‌نشستند و از آن زمان به طور کلی از گفتن سخنان کنورت آمیز و دلتنگ کننده و آزار دهنده و بحث و جدل و مشاجره‌های لفظی و افکار ناامید کننده مثل قرض و بیماری و ناتوانی و نفرین دیگران، پرهیز می‌نمودند و سعی می‌کردند که به جز به خیرطلبی و امیدواری و روشن‌نگری و شادمانی و عروسی و پایکوبی و زندگی بهتر و سر و سامان مرتب‌تر به چیزی دیگر فکر نکنند. و علاوه بر آن در مورد آرزوهای خوب مرتب زیر لبی دعا می‌خواندند و از خداوند تندرستی و بخت و سرمایه و راحتی و آسایش می‌طلبیدند. دعای تحویل سال را معمولاً بزرگ‌تر خانواده می‌خواند و دیگران با او هم‌زمانی و همراهی می‌کردند که مضمون آن چنین بود:

«یا مقلب القلوب و الابصار/یا مدبر الیل و النهار/یا محول الحول و الاحوال/حول حالنا الی احسن الحال (= ای کسی که می‌توانی قلب‌ها را بگردانی و از خوب به بد و از بد به خوب بکشانی، ای تدبیر کننده کار عالمیان که تدبیر روز و شب به دست توست و ای گرداننده‌ی زندگی و سرنوشت و احوال آدمیان، حال ما را به بهترین احوال تحویل کن!)» و بدین ترتیب برای حرمت نوروز که در آستانه ایستاده بود، بی‌صبرانه در انتظار می‌ماندند تا توپ سال نو به صدا در آید و سال تحویل شود، آنگاه صدای شادمانه‌ی هلهله‌شان

دید و باز دیده‌ها همه با ارادت  
قلبی صورت می‌گرفت و همه  
از آن استقبال می‌کردند و آن  
را وسیله‌ی تحکیم دوستی  
و تجدید ارادت و مهر ورزی  
نسبت به هم می‌دانستند.

به آسمان برمی‌خاست و چنان کسانی که سال‌هاست از هم دور بوده‌اند، یکدیگر را با مهربانی و عشق در آغوش می‌گرفتند و می‌بوسیدند و سپس بزرگ خانواده عیدی کوچکترها را که بیشتر همان سکه‌های لای قرآن بود، به آنها می‌داد و دیگران هم هدایای خود را که تا آن لحظه نمی‌دانستند چیست، به یکدیگر رد و بدل می‌کردند و دوباره همدیگر را بنا بر تجدید مهربانی می‌بوسیدند و بعد از خوردن شیرینی برای شیرین‌کامی (اولین چیزی که بعد از تحویل سال به دهان می‌گذاشتند، یک خوراکی شیرین بود، حتی اگر شده یک خبه‌قند)، اگر بزرگ فامیل بودند، منتظر می‌ماندند که کوچکترها به رسم عید دیدنی به خانه شان بیایند و اگر کوچک‌تر بودند، برای رفتن به خانه‌ی بزرگ‌ترها آماده می‌شدند.

پذیرایی نوروزی هم برای خود آب و تابی داشت، از جمله اینکه بهترین و بزرگترین اتاق خانه را که عبارت بود از سه دری یا پنج دری با قالی و قالیچه و گلیم و هر چه که داشتند (اما تمیز و گرد گرفته) فرش می‌کردند و دور تا دور آن را تشکچه‌های سفید و تمیز و پستی‌های قالی می‌گذاشتند. جلوی هر تشکچه‌ای سفره‌ای تمیز یا مجمعه مسی سفید شده‌ای (مجمعه سینی بزرگ لب کنگره‌ای از مس بود که امروزه هم کم و بیش در خانه‌ها وجود دارد)، می‌گذاشتند که در آن انواع و اقسام شیرینی‌های نوروزی که شرح آن رفت، در شیرینی‌خوری‌های بلور پایه‌دار رنگی چیده شده بود و افزون بر شیرینی آب نبات، آجیل شور شامل پسته و بادام و فندق و تخمه‌ی کدو و تخمه‌ی هندوانه، نخودچی گل و آجیل شیرین شامل کشمش و انجیر و توت خشک و غیره، یک بشقاب تخم مرغ رنگی و یک ظرف پر از سکه‌های نو البته در رقم پایین برای هدیه به بچه‌ها وجود داشت.

دید و باز دیده‌ها همه با ارادت قلبی صورت می‌گرفت و همه از آن استقبال می‌کردند و آن را وسیله‌ی تحکیم دوستی و تجدید ارادت و مهرورزی نسبت به هم می‌دانستند. آنهایی که در طول سال آزرده‌گی و کدورتی از هم داشتند یا پا در میانی بزرگترها در این دیدارهای سالانه آن را به دوستی و مهربانی تبدیل می‌کردند، زیرا ریش‌سفیدان قوم عقیده داشتند که ناراحتی‌های سال کهنه را نباید با خود به سال نو برد.

اگر این دید و باز دیده‌ها نزدیک ظهر یا طرف غروب اتفاق می‌افتاد، میزبان حتماً سفره‌ی شام و ناهار با صفا‌یی هم برای مهمانش می‌گسترانید و او را در برکت خانه‌ی خود در سال نو شریک می‌کرد.



عکس: رها روزبهان



روز دوم نوروز، مرد خانه حتماً  
چند ساعتی را برای شگون  
به کسب و کار می پرداخت و  
قدم اولین مشتری را به فال  
نیک می گرفت...

روز دوم نوروز، مرد خانه حتماً چند ساعتی را برای شگون به کسب و کار می پرداخت و قدم اولین مشتری را به فال نیک می گرفت. در این روزها تا سیزدهی نوروز، آوردن تلخی و سیاهی و گریه و زاری و صحبت مرگ و میر مطلقاً ممنوع بود و تا آنجا هم که ممکن بود از رفتن به حکیم و دواخانه پرهیز می کردند و سعی می کردند که دست کم تا روز سیزدهی فروردین را در شادمانی بگذرانند و زندگی را خیلی سخت نگیرند. گو اینکه در آن زمان ها مسافرت و مهاجرت هایی که امروزه به سادگی اتفاق می افتد، نبود و یا به ندرت پیش می آمد و اصلاً از وسایل مدرن امروزی که جهان را در چشم به هم زدنی به هم وصل می کند، خبری نبود، اما مردم اینگونه گرفتار تلاش های کشنده شبانه روزی برای درآمد بیشتر نبودند و زندگی ساده تر و بی شیله و پیله تری داشتند، پیران خردمندتر، میان سالان سلامت تر، کوچک تران مؤدب تر و حرف شنوتر، برکت و آرامش بیشتر و اندوه و نگرانی کمتر بود ... و اینک با آرزوی اینکه همه ی موارد خوب آن دوره و این دوره در سال تازه به هم در آمیزد و زمانی نیکو و ایامی خوش فراهم آورد، سال نو را به شما عزیزان شادباش گفته و برایتان آرزوی سالی داریم که هر چهار فصلش:

طراوت باشد،

بهار باشد،

سبز باشد

و سبز بختی و اقبال بیاورد ...

سیزده به در تهران با رنگ و بوی امروز: عکس: س. محمودی ازنلوه



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

## آیین نوروز در ایبانه

عظیمه ریاحی دهکردی\*

ایبانه، یکی از زیست‌گاه‌های ایران‌زمین، به واسطه پیشینه تاریخی غنی، برای برگزاری جشن آغاز سال نو و برپایی عید نوروز، آیین‌های ویژه‌ای داشته است که از هفته‌های پیش از عید تا سیزدهمین روز سال نو ادامه می‌یافت.

علی‌رغم اینکه مراسم سال نو در میان اقوام و خرده‌فرهنگ‌های ایران‌زمین مشابه و مشترک است، با این حال بخشی از این آیین‌ها مختص این خطه محسوب می‌شود. آغاز سال و ایام عید که مصادف است با بیداری طبیعت و رویش و شکوفایی گیاهان، با خود حال و هوایی پر طراوت و سرزندگی به همراه می‌آورد از این‌رو در گذشته‌ای نه چندان دور، اهالی ایبانه با شادی و نشاط منبعث از این ایام، ساعتی از روز خود را به بازی و تفریح در دشت و باغ می‌گذراندند. اما طی دهه‌های گذشته جمع‌گیری از اهالی، بالاخص جوانان، از روستا مهاجرت کردند و این مسئله باعث شد تا در ایام عید و سال نو برخی از آیین‌ها، از جمله بازی‌های محلی، انجام نشود و مردم فقط به اجرای بخش‌هایی از این آیین‌ها بسنده کنند. خوشبختانه در سال‌های اخیر به یمن حضور جوانان و شکل‌گیری انجمن‌های محلی، این آیین‌ها پس از وقفه چند ساله دوباره رواج یافته و مطابق با الگوهای گذشته برگزار می‌شوند.

• خانه‌تکانی از مهم‌ترین برنامه‌های پیش‌نیاز آیین‌های نوروزی است که در آخرین روزهای اسفندماه و قبل از آغاز سال انجام می‌شود. در ایبانه خانه را رفت‌وروب و گردگیری می‌کردند، برای پذیرایی از مهمانان زیباترین ظروفی که در صندوقچه‌ها داشتند را دم دست می‌آوردند و طاقچه‌ها را با اشیاء زیبا می‌آراستند. سماور، یکی از مهم‌ترین وسائل پذیرایی، را تمیز کرده و اسباب چای‌خوری مخصوص را کنار آن می‌چیدند. برای بچه‌ها لباس نو تهیه می‌کردند و خود نیز بهترین لباس‌های‌شان را می‌پوشیدند، صبح روز عید بچه‌ها لباس‌های نو می‌پوشیدند و دختر بچه‌ها سریند و زیورآلات نقره به خود می‌آویختند.

• در ایام پاییز با میوه‌های باغ‌های‌شان شیرینی‌هایی مثل گلابی‌جوزقند و هلو جوزقند درست می‌کردند. برای تهیه جوزقند هسته داخل میوه را خارج کرده و آن را با مخلوط گردوی ساییده شده، زنجفیل، هل، دارچین و خاکه قند پر می‌کردند. سپس آن‌ها را تا روز عید در جایی سرد و دور از دسترس بچه‌ها نگهداری می‌کردند. سبزه را با گندم، جو و یا عدس سبز می‌کردند. سفره هفت‌سین را روی زمین پهن کرده و هر خانواده‌ای علاوه بر سبزه و هفت قلم «سین»، هماهنگ با وسع مالی خود، میوه، تنقلات، شیرینی، گلابی‌جوزقند و هلو جوزقند می‌چیدند. نان و پنیر، کاسه‌های فرنی و ظرف قورمه نیز جزء لاینفک سفره هفت‌سین بود.

\* کارشناس ارشد بناها، بافت‌ها و محوطه‌های تاریخی.

**جوی روبی و پاک کردن  
مسیر عبور آب از مراسم  
مهمی بود که در روز دوازدهم  
فروردین ماه انجام می شد.**

نوروز و ایبانه. عکس‌ها: عباس شکری



را که آماده کرده بودند به همراه برده، برای تاب‌بازی طناب‌های بلند به درختان می‌آویختند، مرد و زن، بزرگ و کوچک تا غروب آفتاب به تفریح و بازی می‌پرداختند بازی‌های ماندند: الک‌دولک، طناب‌بازی و طناب‌کشی.

\* یکی دیگر از رسوم که طی سالیان گذشته به فراموشی سپرده شده بود، یعنی چهارشنبه‌سوری، در سال‌های اخیر و به همت جوانان ایبانه دوباره احیا شده است. این آیین بسیار جالب در آخرین سه‌شنبه شب سال برگزار می‌شود. با غروب خورشید و تاریک شدن هوا، مردم به صورت گروهی در محل‌هایی از ده جمع می‌شدند. داخل کوزه‌های کهنه چند عدد سکه می‌انداختند و آن‌ها را با آب پر می‌کردند، چند نفر کوزه در دست بر بام یکی از خانه‌های مجاور می‌رفتند و آماده ادامه مراسم می‌ماندند. مردان نیز با تفنگ‌های بادی بر بام می‌رفتند. عده‌ای بوته‌های خار را با فاصله از یکدیگر در معابر می‌چیدند و آتش می‌زدند. با روشن شدن آتش، تفنگ‌های بادی رو به آسمان شلیک می‌شد، کوزه‌ها از پشت بام به سوی بوته‌های مشتعل پرتاب شده و سعی بر این بود که با نشانه‌گیری درست، به آتش برخورد کرده و آن را خاموش کنند.

در این آیین کوزه‌های کهنه می‌شکست، آب و سکه به اطراف پخش می‌شد، کودکان سکه‌ها را جمع می‌کردند و از روی بوته‌های آتش می‌پریدند و این برنامه تا زمانی که آتش خاموش می‌شد ادامه داشت. با خاموش شدن آتش، مردم به صورت گروهی به محلی دیگر می‌رفتند، به آن‌هایی که آنجا جمع بود می‌پیوستند و مراسم عیناً تکرار می‌شد. این برنامه تا نیمه‌های شب ادامه می‌یافت.

\* قاشق‌زنی جزو مراسم چهارشنبه‌سوری است و در بسیاری از مناطق ایران رواج داشت، اما در ایبانه فقط کسانی به قاشق‌زنی می‌رفتند که در خانه‌شان بیمار داشتند. به این منظور یک خانم و یا آقا چادری بر سر کرده، روی خود را می‌پوشاند و با قاشق و یک الک به در خانه همسایگان می‌رفت، صاحب‌خانه نیز تکه‌ای قند، نبات و یا شکلات در الک می‌گذاشت و برای شفای مریض دعا می‌کرد.

همان‌طور که گفته شد، بخشی از آیین‌هایی که سال‌ها ترک شده بود، در سال‌های اخیر با حضور جوانان ایبانه، انجمن‌های محلی و علاقه‌مندان برگزار می‌شود که با استقبال اهالی ایبانه روبه‌رو شده است.



برای مهمانانی که از نظر  
شان اجتماعی جایگاه بالایی  
داشتند فرنی می شکستند.  
فرنی شکستن یعنی به فرنی  
که داخل کاسه بود قاشق  
می زدند تا مهمان آن را میل  
کند

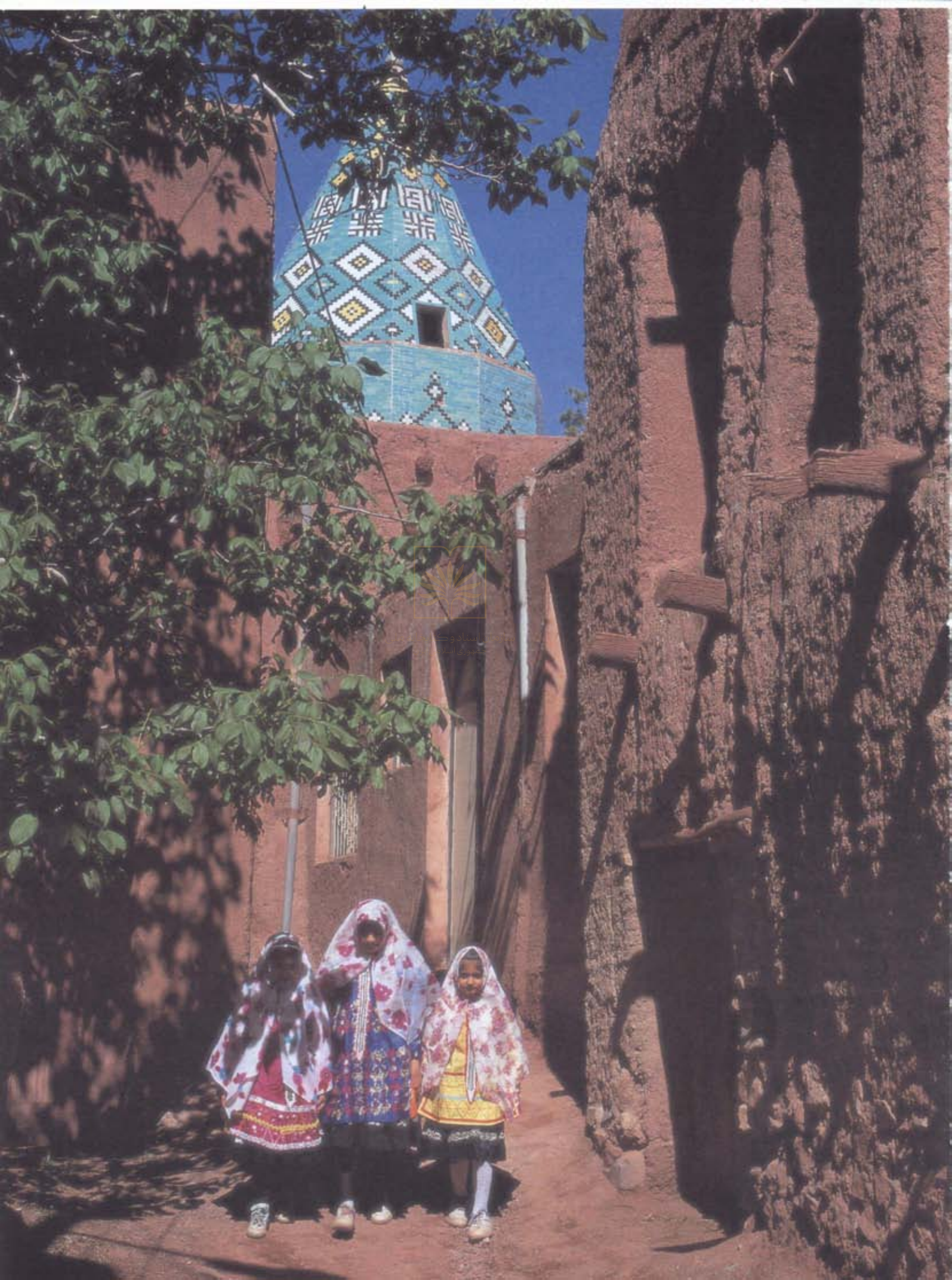
• در آیین دید و بازدید عید، معمولاً در دو روز اول به دیدن بزرگترها و اعیان ده می رفتند و رسم بر این بود که مهمان به هر خانه‌ای وارد می شد از سر سفره هفت‌سین لقمه‌ای نان و پنیر می خورد تا به اصطلاح در سال نو نمک تازه کند. به بچه‌ها از یک ریال تا پنج ریال عیدی می دادند و برای مهمانانی که از نظر شان اجتماعی جایگاه بالایی داشتند فرنی می شکستند. فرنی شکستن یعنی به فرنی که داخل کاسه بود قاشق می زدند تا مهمان آن را میل کند. سماور نزدیک سفره هفت‌سین گذاشته می شد و یکی از اهل منزل مأمور بود تا برای مهمان تازه‌وارد چایی بریزد. چایی در زیباترین استکان‌هایی که داشتند ریخته می شد و خانواده‌های متمول‌تر استکان‌هایی داشتند کوچک، از جنس بلور نازک به رنگ‌های قرمز و سبز. این استکان‌ها کمیاب بود و فقط در ایام عید استفاده می شد.

از روز سوم عید بازدیدها شروع می شد و بزرگترها که در دو روز اول میزبان بودند اغلب به صورت دسته جمعی به بازدید جوان‌ترها می رفتند. از آنجایی که برای افراد کم بضاعت امکان پذیرایی در سطح مهمان‌های متمول مقدور نبود، برنامه‌ریزی مدیریت روستا اینگونه بود که بزرگان و اعیان به هنگام بازدید، بدون اینکه وارد خانه‌شان شوند از بیرون در با صدای بلند به صاحب خانه سلام می کردند و عید و سال نو را تبریک می گفتند. با این کار، از یک طرف بازدید عید را پس داده بودند و از طرف دیگر مراعات حال میزبان را کرده بودند. • جوی‌روبی و پاک کردن مسیر عبور آب از مراسم مهمی بود که در روز دوازدهم فروردین ماه انجام می شد. در این روز تمامی جوی‌ها را، از آسیاب بالا تا روستای طره، از خاشاکی که سیلاب‌های زمستانی با خود آورده بود پاک‌سازی کرده و مسیر عبور آب را برای آبیاری باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی در سال جدید آماده می کردند. انجام این کار بر عهده مردهای ده بود و در صورتی که نیاز به نفرت بیشتری داشتند، کارگر استخدام می کردند. • ایام عید در روز نهم، با حسن ختام تفریح در طبیعت، به پایان می رسید. اهالی آبیانه این روز را از صبح تا شام در باغ‌ها و دشت‌های پیرامون ده سپری می کردند. خوراک‌هایی



سبزه گره زدن نوعی نقال است؛ حتی زنان سالمند هم از این رسم غافل نیستند. عکس: سعید محمودی ازناروم.







سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران



## تأملی بر چند رسم نوروزی در چند نقطه از ایران (مراسم کوسه گلین، قاشق زنی، شال اندازی، تخم مرغ بازی)

بهمن رحیمی\*



از خود می‌پرسیم رسمی چنین زیبا و قدیمی که سابقه طولانی در میان مردم روستاها و شهرهای سنتی ایران داشته است، چه ساده در معرض خاموشی و فراموشی است. امروزه قاشق زنی را نوعی بازی کودکان می‌بینند که جز سرگرمی و تفریح حاصل از آن نیست در صورتی که این سنت قدیمی کارکردهای ارزشمند در سطح جامعه و در میان مردم داشته است. قاشق زنی اگر در شهرهای بزرگ از میان رفته اما کورسویی از آن هنوز در شهرهای سنتی ایران باقی مانده است و فانوس روشنش در روستاها و در میان عشایر شائبه سردی و تاریکی را دارد. خانه‌هایی که به جای تیر چوبی و سقف کاهگلی از تیر آهن و پوشش‌های بامی امروزی استفاده می‌شود محلی برای شال اندازی نیست. شال اندازی روزن بام (باجه) می‌خواهد، کوبه در چوبی می‌خواهد، شال بلند دستبافته مادرها را می‌طلبد و مهمتر از همه دلگرمی باور دستمایه چنین آیینی است. با خود بیانداشیم که همین رسم ساده معمولی چه میزان در نزدیک کردن افراد به همدیگر در ایجاد شادی و نشاط، آفرینش امنیت و زدودن ترس و بی‌قراری به انسان کمک می‌کند. این سنت در واقع قبول و درک دیگری است، ارزش گذاری به زمان تقویمی و تبدیل آن به زمان آیینی است، با کمرنگ شدن سنت‌های شفاهی لحظه‌های آیینی جایش را به گذران روزمره در پای رسانه‌های پرهیاهوی امروزی می‌دهد، قهوه‌خانه برچیده می‌شود، ترنا بازی انجام نمی‌شود، دیگر کسی شاه نمی‌شود، دیگر مناسبت‌های قدرت و زورمداری در قالب یک بازی به نقد گرفته نمی‌شود، در ساختار خانواده سنتی با حفظ شعائر و مناسبات اخلاقی در گذشته به رابطه آزاد دختر و پسر اجازه داده نمی‌شد اما رسم‌ها و سنت‌هایی بود که در درون همین ساختار مذهبی افراد گفتگوی عاطفی داشتند، پسر شالش را از روزنه بام خانواده نامزدش آویزان می‌کرد و دختر با پر کردن آن مهر و عاطفه‌اش را نشان می‌داد، والدین دختر با گذاشتن جوراب یا هدیه‌ای در شال پسر به او قوت قلب می‌دادند و او را برای شروع زندگی تازه آماده می‌کردند. نقل و شیرینی قاشق زنی یا شال اندازی نقل آیینی است، شیرینی مقدس است، هر جبهه‌اش امید و سلامتی

کوسه گلین هر روز در سطح  
شهر و روستا خانه به خانه  
می گشت و خبر شکستن  
کمر زمستان و آمدن بهار را  
می رساند.

می آورد. همین است که در فرهنگ مردم آذربایجان به آن پای (سهم) می گویند، سهم یک جوان از برکت یک خانه در قاشق زنی قسمت کردن برکت و شادی خانه هاست. تمام شعائر و سنت های نوروزی یک هدف بزرگ را در پی دارند و آن درک و قبول دیگری و آرزوی زندگی شاد و پر برکت برای همه است. عشایر ایران نوروز را در قشلاق برگزار می کنند و سپس به کوچ بهار می روند، همانجایی که همه دست بافته ها و صنایع دستی در این زمان بافته و ساخته می شود. نوروز رسمی مبتنی بر کشاورزی است و ییلاق زمانی برای دام و دامداری است پس چه بهتر که مقدمه آن برگزاری این آیین ملی باشد، هر چند عشایر در موعدهای ویژه ای در ییلاق همدیگر را از سهم شیر و روغن خود برخوردار می کنند. از این دست رسوم، رسم چهلیم بهار در میان عشایر مرکزی و طوایف و ایلات کرمان است. میان تمام سنت ها و آیین های قومی این ویژگی برجسته و مشترک است، تمام آیین ها در سطح ملی تنوع و پراکندگی واژگانی دارند. یک مفهوم و یک آیین به فراخور زبان و باورها و اعتقادات اصطلاح و واژه ویژه خود را پیدا می کند، با زایش آیین واژه آن نیز آفریده می شود، هر کدام از این وجه تسمیه ها بخشی از شیوه برگزاری و یا نمایی است که مفهوم آیین در خود گنجانده است.

### کوسه گلین

در گذشته یکی از مراسم دل انگیز و تماشایی، در آمدن کوسه گلین بود. مردم شهر با آمدن کوسه گلین به استقبالش می رفتند و مقدمش را به فال نیک می گرفتند، زیرا آمدن کوسه گلین نوید شکستن هوای سرد و رخت بستن تاریکی و ظلمت را به ارمغان می آورد. مردم معتقد بودند، آمدن کوسه گلین مژده رسیدن نوروز خجسته، جاوید و فصل بهار را دارد و از شدت سرمای سخت گانسه می شود به همین خاطر همه جا مردم از کوچک و بزرگ با شادمانی از آنها استقبال می کردند. در گذشته معتقد بودند که زمستان از دو چله تشکیل می شود. چله بزرگ و چله کوچک، چله بزرگ را چهل روز می دانستند یعنی از اول دی ماه تا دهم بهمن و چله کوچک را از دهم بهمن تا بیستم اسفند. و زمان آغاز مراسم رسم کوسه گلین از سی و هفتمین روز چله بزرگ، به مدت سه هفته بود (از هفتم بهمن تا سی ام بهمن ماه). کوسه گلین هر روز در سطح شهر و روستا خانه به خانه می گشت و خبر شکستن کمر زمستان و آمدن بهار را می رساند (فیضی، مجموعه خطی).

### قاشق زنی

این واژه، واژه ای شهری است و در خرده فرهنگ های شهرهای سنتی از آن استفاده می شود. قاشق زنی در تهران قدیم در محلات سنتی و در شهرهای بزرگ و کوچک دیگر رسمی شناخته بود. برای انجامش جوان ها با پوشاندن صورت و چهره خود کاسه و بشقابی در دست گرفته و به در خانه همسایه ها می رفتند و با زدن قاشق و پشت کاسه هیاهو و شادی به راه می انداختند و صاحب خانه نیز آمدن قاشق زن ها را به فال نیک گرفته و برای افزونی روزی خانواده و یوم و برکت سال آینده از تمام تنقلات سهمی را به قاشق زن ها می داد. در شهرهای آذربایجان، شال اندازی به قاشق زنی تبدیل شده بود زیرا در شهر سقف ها پی روزنه هستند و پریدن از بامی به بام دیگر کار راهزن های شیانه است و برای شال اندازان ممنوع این است که شیوه ای جدید جایگزین رسم قدیم می شود.

کوسه گردی، تفرش، گبوران! عکس: شیان میرشکرایی



## شال اندازی

در آذربایجان و کردستان، در قزوین و سمنان، و در بسیاری از مناطق روستایی که خانه‌ها هنوز معماری سنتی خود را حفظ کرده‌اند، رسم شال اندازی به قوت خود باقی است. جوان‌ها از بامی به بام دیگر به سراغ روزنه سقف می‌روند و از آنجا شال یا شال‌هایی را که به هم گره زده‌اند آویزان می‌کنند و صاحب خانه نیز آنها را بی‌نصیب نمی‌گذارد. تفاوت در اینجاست که از پیش نامزد و داماد خانه که هنوز زندگی‌اش را شروع نکرده به بهانه‌ای شالش را نشان خانواده عروس می‌دهد تا آنها با دیدن آن سهم داماد یا نامزد را پریمان‌تر بدهند. رسم است که جفت جورابی پشمی از همان دست‌بافته‌های زنان روستا هدیه شب چهارشنبه می‌شود. در کردستان شال اندازی را در شب عید برگزار می‌کنند همان‌گونه که آتش‌افروزی‌شان در چهارشنبه آخر سال نیز، هر چند امروزه رسم چهارشنبه‌سوری در میان کردها نیز برگزار می‌شود و گاه شال اندازی نیز در همین شب انجام می‌شود و در واقع کردها دو بار مراسم شال اندازی و آتش‌افروزی برگزار می‌کنند یکی در چهارشنبه‌سوری که جدید و متأخر است و دومی در شب عید که به گذشته‌های باستانی این دیار کهن برمی‌گردد.

## تُخ‌تُخ

همدان پایتخت و دیار کهن مادهاست. آریائیان بعد از رسیدن به همدان، هگمتانه را برای پایتختی انتخاب می‌کنند و در آنجا فرهنگی پای می‌گیرد که مظاهر باستانی و تاریخی آن را امروزه می‌شناسیم. در روستاهای همدان، گویش همدانی یکی از اصیل‌ترین گویش‌های فارسی دری است. گویش همدانی بنا به ذکر پرویز ادکایی نشان از گویش فارسی میانه دارد. در این مراسم دستمال یا قوطی را به طنابی بسته از سقف سوراخ سقف (باجه) آویزان می‌کنند و برای اینکه صاحب خانه متوجه آمدن آنها شود می‌گویند تُخ‌تُخ و اگر باز هم صاحب خانه نفهمید با قوطی آویزان از نخ به در و پنجره می‌زند و در واقع با ایجاد سر و صدا صاحب خانه را متوجه می‌کند و صاحب خانه از تنقالات نوروزی سهمی را داخل دستمال یا قوطی می‌اندازد. وی هم از تخم‌مرغ‌های عید نوروزی هم به تُخ‌تُخ‌بازان می‌رسد و با کشیدن دستمال آنها را آگاه می‌کند که دستمال را بکشید و عیدی‌شان را ببرند. این رسم پس از آنکه هوا تاریک شد، انجام می‌شود و هیچکس هدیه‌گیرنده را نمی‌بیند. تعدادی از روستاهای آذربایجان شرقی به این رسم پلی‌پلی می‌گویند. پلی‌پلی ویژه کودکان است و قورشا ق سالاماق رسم بزرگ سالها و تفاوتش هم در اندازه و نوع شالی است که از روزنه سقف آویزان می‌شود (رحیمی، ۱۳۸۵).

## شال سالاماق (شال اندازی)

در گذشته یکی از رسومی که هر سال شب عید انجام می‌شد این نوع خاص شال اندازی بود. در این شب جوانان بر بالای پشت بام آتش روشن کرده به شادی می‌پرداختند. بسیاری از جوانان در حالیکه صورت خود را پوشانده‌اند به بالای پشت بام‌ها رفته و از دریچه آن (باجه) شالی را داخل خانه می‌انداختند صاحب خانه با دیدن شال، هدایایی از جمله گردو، شیرینی، تخم‌مرغ، پول، جوراب داخل شال گذاشته و آن را تکان می‌داد و صاحب شال نیز آن را بالا می‌کشید. در این شب بیشتر مرسوم است که جوانانی تازه نامزد کرده به پشت بام خانه نامزد خود رفته و شال اندازی می‌کنند (رحیمی، ۱۳۸۵).

نوعی شال اندازی خاص نوجوانان و جوانان هم وجود دارد که به صورت انفرادی و در

در بسیاری از مناطق روستایی  
که خانه‌ها هنوز معماری  
سنتی خود را حفظ کرده‌اند،  
رسم شال اندازی به قوت  
خود باقیست. جوان‌ها از بامی  
به بام دیگر به سراغ روزنه  
سقف می‌روند و از آنجا شال  
یا شال‌هایی را که به هم گره  
زده‌اند آویزان می‌کنند.

کوسه گردی، نفرش، کپوران؛ عکس: س. میرشکرایی



شب عید نوروز، و پنهانی به طوری که شناخته نشوند صورت می‌گیرد. ابتدا به پشت بام اقوام و آشنایان و کسانی که مورد نظر است و یا شال‌انداز احتمال گرفتن هدیه و عیدی خوبی را می‌دهد رفته، در گذشته پشت بام آبادی گنبدی شکل (طاق ضربی) بود و در وسط گنبد روزنه یا باجا قرار داشت که کاربری آن برای تأمین روشنایی اتاق در روز و برای تهویه هوای اتاق بود، و یک سر طناب را به دستمال یا سبد کوچکی گره زده و سر دیگر طناب در دست می‌گرفت و سر طنابی را که به آن دستمال یا سبد بسته شده بود را از روزن بام (باجه) به داخل اتاق آویزان می‌کرد و برای اینکه صاحب خانه متوجه شود و معمولاً طناب از وسط اتاق با دستمال به وسط جمع می‌آمد و صحنه جالبی را پیش می‌آورد و بلافاصله صاحب خانه متوجه رسم می‌شد و حتی از قبل منتظر این رسم و بازی نیز می‌بود و پول یا تنقلات، هدیه یا چیزی را بعنوان عیدی در داخل سبد یا دستمال می‌گذاشت و با کشیدن دستمال شخص روی بام را آگاه می‌کرد که طناب را بالا کشیده و عیدی را بگیرد جالب اینکه غالباً چون تاریکی بود کسی شناخته نمی‌شد (نعمتی، ۱۳۸۶).

### تخم مرغ بازی

یکی از مراسم عید که از سه روز قبل از عید آغاز می‌شد، تخم مرغ بازی بود. بر سر هر کوی و برزن و در هر خانه بین خرد و کلان بازی تخم مرغ رواج داشت و بانوان نیز در آن شرکت می‌جستند. تخم مرغ‌ها را سفت می‌پختند و بر پوستشان با رنگ‌های جالب نقش و نگار می‌زدند. بعضی از رندها، برای تأمین موفقیت تخم مرغ‌هایی تعبیه می‌کردند که آن‌ها را زاج جوش می‌نامیدند. بدین معنی که ته تخم مرغ را با سنجاق سوراخ کرده محتوی آن را می‌مکیدند سپس پوست تهی را از ماده‌ای انباشته می‌ساختند که پس از اندک زمانی سخت و محکم می‌شد و در نتیجه تخم مرغ در برابر ضربه‌ها مقاومت می‌کرد و صاحبش پیوسته برنده می‌شد. از این رو بازیکنان وارد، پیش از آغاز بازی تخم مرغ‌ها را مورد آزمایش قرار می‌دادند تا اگر در آنها این حيله به کار رفته باشد کشف گردد. بانوان نیز از هر طبقه که بودند، بین خود به این بازی می‌پرداختند و در ایام عید چون به دید و بازدید می‌رفتند، دستمال محتوی تخم مرغ‌های خود را همراه می‌بردند. ناگفته نماند که آن زمان بهای یک تخم مرغ یک شاهی و ارزش یک تخم مرغ پخته و رنگ کرده دوشاهی بود (خاطرات نیم‌قرن نوروز).

### نومور تا اوینامخ

این بازی بیشتر در روزهای ایام نوروز صورت می‌گرفت که حال و هوای تخم مرغ عیدی گرفتن و اوقات فراغت بیشتری بود. در این بازی افراد، دو به دو مقابل هم قرار می‌گیرند و بازی شروع می‌شود. ابتدا دو بازیکن دو عدد تخم مرغ را برای آغاز در دست می‌گیرند و سختی و محکمی آنها را با دندان امتحان می‌کنند. سپس هر کدام تخم مرغ خویش را برداشته و یکی از آنان به دیگری می‌گوید، تو برو، منظور آنکه تخم مرغ را هر اندازه که صلاح می‌دانی از دست بیرون بگذار و طرف مقابل (فرد دوم) با تخم مرغی که در دست دارد به تخم مرغ دیگر زده و در صورت شکستن تخم مرغ را از فرد اول می‌گیرد در غیر این صورت بالعکس یعنی اینکه فرد اول تخم مرغ فرد دوم را می‌گیرد و مجدداً با داشتن تخم مرغ‌های دیگر بازی به همین ترتیب ادامه می‌یابد (رحیمی، ۱۳۸۵).

کوسه‌گردی، نفرش، کیوران! عکس: س. میرشکرایی



## مرغنه وازی

مرغنه در گویش گیلانی به تخم مرغ می‌گویند. در ایام نوروز یکی از سرگرمی‌های کودکان بازی با تخم مرغ بود. هر کس با تخم مرغ‌هایی که داشت به جنگ تخم مرغ‌های دیگران می‌رفت و هر کدام که شکسته می‌شد بازنده و می‌بایست تخم مرغش را به طرف پیروز بدهد. تخم مرغ را بین دو انگشت شصت و اشاره می‌گرفتند به طوری که یک قسمت کوچکی از سر تا ته تخم مرغ آشکار بوده و طرف مقابل می‌بایست با تخم مرغ خودش ضربه‌ای به تخم مرغ دیگری می‌زد. هر کدام که می‌شکست بازنده محسوب می‌شد. قسمت نوک نیز تخم مرغ «سر» و قسمت پهن تخم مرغ را «ته» می‌گفتند. گاهی بازی سر و گاهی ته به ته و همچنین سر به ته یا ته به سر هم انجام می‌شد. بازیکنان ابتدا با ضربه زدن ته و سر تخم مرغ‌ها به دندان‌های جلویی خود و شنیدن صدای زیر و بم آنها استقامت تخم مرغ‌های یکدیگر را محک زده از سلامت تخم مرغ‌ها مطمئن می‌شدند. گاهی ضربه‌ها به گونه‌ای بود که نگهداری تخم مرغ امکان‌پذیر نبود و در چنین حالتی صاحب تخم مرغ آن را همان جا می‌خوردند. بعد از پایان بازی، بازیکنان به خانه شخصی که بیشترین تخم مرغ را برده بود می‌رفتند و پذیرایی می‌شدند (قلی‌پور، ۱۳۸۱).

## هیلکه شکانه

یکی از بازی‌ها و سرگرمی‌های مردان و پسران جوان در عید نوروز، هیلکه شکانه یا تخم مرغ شکستن است که معمولاً از اواخر زمستان، یعنی ۱۰ الی ۱۵ روز مانده به عید

کوسه گردی، تفرش، کپوران، عکس: س. میرشکرایی



نوروز شروع می‌شود و تا پایان عید ادامه دارد. این بازی به این ترتیب است که یک نفر تخم مرغی را از قسمت سر آن، که محکم‌تر است، به طرف بالا در دست می‌گیرد و دیگری با سر تخم مرغ انتخابی خود روی تخم مرغ او می‌زند. تخم مرغ هرکس شکسته شود، دیگری صاحب آن می‌شود (کیوان، ۱۳۹۰).

### منابع:

۱. نعمتی و همکاران، فریبا (۱۳۸۶): مردم‌نگاری هملمان، آرشیو پژوهشکده مردم‌شناسی.
۲. خاطرات نیم قرن نوروز «تهران» در مطبوعات قدیمی به روایت معیر الممالک (۱۳۹۰): میراث ملی (ویژه‌نامه نوروز)، معاونت میراث فرهنگی.
۳. قلی‌پور، فاطمه (۱۳۸۱): مردم‌نگاری صومعه‌سرا، آرشیو پژوهشکده مردم‌شناسی.
۴. کیوان، مصطفی (۱۳۹۰): مراسم پیش از نوروز در کردستان (نوروز در کردستان)، میراث ملی (ویژه‌نامه نوروز)، معاونت میراث فرهنگی.
۵. رحیمی، بهمن (۱۳۸۵): بازی‌های بومی و محلی استان هملمان، آرشیو پژوهشکده مردم‌شناسی.
۶. مجموعه خطی آقای عباس فیضی
۷. مشاهده مشارکتی - میدانی نگارنده به همراه مستندسازی تصویری



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

کوسه‌گردی، تفرش، گبوران؛ عکس: س. میرشکری.





# Nowrouz

Ayin-e-Nowrouz Quarterly (J.C.H.T.H.O)

1<sup>st</sup> Issue - Spring 2016 - 1<sup>st</sup> Year



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران

